روزنامه شرق

یکشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ • ۲۱ صفر ۱۴۴۴ • ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۷۷ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

چگونه کمیسیون ماده ۵ تبدیل به ماشین امضای قانونی کردن تخلفات می‌شود

نقشه ویرانی پایتخت

انتشار جزئیات مبهم و کلی از تفاهم‌نامه‌های شهرداری تهران با نهادهای مختلف در حوزه شهرسازی نگرانی‌هایی جدی را ایجاد کرده است. یک روز وزیر علوم اعلام می‌کند که می‌تواند با کمک شهرداری تهران املاک دانشگاه را تغییر کاربری داده و روز دیگر محمد مقیمی، رئیس دانشگاه تهران، خبر می‌دهد که طرح جامعی برای بهره‌برداری از دارایی‌های دانشگاه تهران با همکاری شهرداری در نظر گرفته شده است...

صفحه ۱۰

رهبر انقلاب اسلامی:

سفارش قرآنی تواصی به حق و تواصی به صبر دستورالعمل اساسی برای همیشه ما است

در اربعین سید و سالار شهیدان، حسینیه امام خمینی(ره) میزبان هیئت‌های دانشجویی بود و دانشجویان عزادار در حضور رهبر انقلاب اسلامی همنوا با زائران کربلای معلی یکپارچه ندای «لبیک یا حسین» سر دادند...

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: ادعای باطل انبارهای خالی مترو ، مرور لیست جدید تیم ملی؛ بازگشت قدیمی‌ها، حضور تازه‌واردها و یادداشت‌هایی از ناصر ذاکری، عبدالحسین طوطیایی، بهروز ایاز

پیشخوان
Pishkhan.com

سرمقاله

«چگونه می‌اندیشیم؟»

مرگ دلخراش مهسا امینی و مهندسی معکوس نفاق

کیومرث اشتریان

اینکه همواره ببینید دشمنان شما چه می‌گویند و شما عکس آن را عمل کنید یا اینکه از خود هیچ استقلال فکری نداشته باشید و منتظر بمانید که منافقین و سلطنت‌طلبان چه می‌گویند و شما به خیال خود بر ضد آن تحلیل کنید می‌تواند شما را به سوی پرتگاه بکشاند. این مهندسی معکوس استدلال‌های باطل است که گریبان نظام تصمیم‌گیری ما را گرفته است و تنها یک نمونه آن گشت ارشاد و نارضایتی‌های گسترده‌ای است که پدید آورده است. مرگ اندوهناک خانم امینی را نباید به سطح فردی تنزل داد. این، یک الگوی باطل فکری-مدیریتی است که در کشور رواج یافته است. اگر دشمنان شما از نقاط ضعف شما سوءاستفاده کنند، دلیل نمی‌شود که بر نقاط ضعف خود پافشاری کنید. مثل این است که حریف شما در فوتبال از غلط‌بودن استراتژی شما یا از ضعف بازیکن شما استفاده کند و شما را از همان موضع مورد حمله قرار دهد و شما را شکست دهد؛ راه‌حل حفظ آن بازیکن و اصرار به استراتژی غلط نیست، خردمندی در تعویض آن بازیکن و بلکه مهم‌تر از آن تجدیدنظر در روش بازی است. دیگر نمی‌دانم از این ساده‌تر چه بگویم که شماری از افراد را که برخی مراکز تصمیم‌گیری را در جمهوری اسلامی به تسخیر درآورده‌اند، متوجه خسرانی کنم که برای نظام و برای مردم پدید آورده‌اند. اینان همچون فرقه‌ای که گرفتار جمع محدودی از طرفداران خشک‌مغز خویش‌اند با اعتماد به نفس در امور کشور فاجعه می‌آفرینند. در ماجرای مرگ مهسا امینی به‌واقع شماری از خارج‌نشینان بزم شادی به راه انداخته‌اند و در پوست خود نمی‌گنجند، چون بهانه جدیدی یافته‌اند. آنان ای بسا از این فاجعه خوشحال هم باشند. اما این بدان معنا نیست که شمار وسیعی از مردم و از جمله عقلا و خردمندان مخالف چنین رویه‌هایی را نادیده بگیرید. نیروی انتظامی را که باید مظهر اقتدار و نظم باشد، با این کار به کژراهه کشانده‌اید و آن را ذلیل کرده‌اید. برای تأیید رفتار خود از برخوردهای خشن پلیس آمریکا شاهد می‌آورید غافل از اینکه این دو به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه نیستند. آری پلیس آمریکا روزانه آدم می‌کشد و به‌ویژه در برابر سیاهان خشونت می‌ورزد، ولی آن را نه به دین وصل می‌کنند و نه به نظام سیاسی آمریکا. درک این نکته برای اقلیتی که جز یک لایه سطحی را آن هم به سلیقه خویش، از تمدن غربی نمی‌بیند بسیار مشکل است.

به شکل سیستماتیک برای مردم و نظام بهانه و فاجعه می‌آفرینند و حتی در اقلیت خویش از آن دفاع یک‌سویه می‌کنند. مشکل از نحوه تفکری است که اسیر مهندسی معکوس است یا از منافقین و سلطنت‌طلبان شاهد مثال می‌آورد یا از پلیس آمریکا. اتفاقا برای هر سه اینها طرفدار جمع می‌کند. مشکل این است که چرا نظام تصمیم‌گیری اسیر چنین بینشی و چنان اقلیت فکری‌ای است که بیشتر به یک فرقه می‌ماند؟ معمولا چنین فرقه‌هایی ابتدا گروه‌ها و نهادهای تأثیرگذار را به تسخیر درمی‌آورند. این گروه‌ها می‌توانند روحانیان، دانشگاهیان، و دفاتر و... باشند. فرقه‌های تشکیلاتی این‌چنین عمل می‌کنند. اینکه وظیفه ارشاد را به پایین‌ترین افراد از لحاظ سطح سواد دینی بدهید با چه منطقی قابل توجیه است؟ این را که بیشتر جوانان از خوش‌حجاب و بدحجاب از گشت ارشاد ناراضی‌اند و این گشت برایشان کارکرد ضددینی دارد نادیده بگیرید، چه معنایی دارد؟ گزارش‌های مکرر از سوءتأثیر گشت ارشاد را به هیچ می‌انگارند و برای خوش آمد شماری ساده‌لوح که بهره اندکی از سواد دینی برده‌اند بر کار خود پافشاری می‌کنند. ما را چه شده است که با وجود اینکه بیشتر «آدم‌های حکومتی» می‌دانند که این کار خطاست، اما جرئت و توان تغییر این رویه را ندارند. این یعنی تسخیر دولت و مسخ خرد سیاسی توسط گروهی اندک و کج‌اندیش. این رفتارها هیچ توضیحی ندارد مگر آنکه عقل خود را به دشمنانتان بسپارید و خود را اسیر مهندسی معکوس فکری کنید. مگر آنکه عقل دولت را به قشری‌ترین لایه‌های اجتماعی بسپارید که هیچ درکی از مردم ندارند. مشکل ما تسخیر دولت توسط گرایش‌هایی است که در سطح یک فرقه عمل می‌کنند. شمار اندکی که خودشیفته‌اند و خیال می‌کنند حقانیت مطلق‌اند و برای آن حدیث جعل می‌کنند که شمار طرفداران حق اندک است. مرگ دلخراش این دختر مظلوم را نباید به یک سطح فردی تنزل داد. اگر تصاویر منتشرشده خالی از خلل باشد، ظاهرا اقدام غیرمعمولی هم از سوی نیروی انتظامی صورت نگرفته است. مشکل این است که اندیشه دولتی به تسخیر درآمده است.

برای ژینا امینی، دردانه ای از میهن

اندوه شاپرکم...!

رفته بودی انار بیاوری
دانه‌هایت را آوردند...

مدیران وعده پیگیری و ارائه گزارش دادند

قول مسئولین

گزارشی از همدردی ورزشکاران

فرزندان آنها، فرزندان ما

با یادداشت‌هایی از:
محمود دولت‌آبادی
احمد مسجدجامعی، احسان هوشمند، زهرا کریمی
علیرضا غریب‌دوست، زهرا نژادبهرام

صفحه‌های ۵، ۶، ۹ و ۱۲

در کمتر از ۲ ماه بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار گذرنامه و برگ گذر ویژه اربعین صادر و تمدید شد

اربعین عشق

گزارش تیتر یک را در صفحه ۱۰ بخوانید

فعالان بازار مسکن از توقف پروژه‌های ساخت‌وساز و مهاجرت سازندگان به ترکیه و امارات خبر می‌دهند

ساخت مسکن در کما

متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی معامله‌شده به حدود ۴۲ میلیون و ۷۲۹ هزار تومان رسیده است

۴

گزارشی از ادعای آمریکا و ایران پیرامون عدم حصول توافق

پیچ عدم احیای برجام سفت‌تر از قبل

مذاکرات وین به بن‌بست رسیده است؟

۲

شکست بدحسن یزدانی مقابل دیوید تیلور

افتضاح فنی!

۹

یدالله رؤیایی دور از ایران درگذشت

سالِ مرگ شاعران

با یادداشت‌هایی از:
حافظ موسوی، علیرضا رئیس‌دانا، علی باباچاهی

۱۱

یادداشت

این رسم میهمانی نبود

احمد مسجدجامعی

تهران از آغاز شکل‌گیری خانه پدری همه ایرانیان بود. در نخستین آمارگیری‌های تهران، شمار ساکنان غیربومی به‌مراتب از ساکنان اصلی بیشتر بود. از کُرد، ترکمن، عرب، آذربایجانی، اصفهانی، خراسانی و... در تهران زندگی می‌کردند. از این‌رو در جایی گفته‌ام و نوشته‌ام «تهران ایرانیان...».

اتفاقی نیست که در ناملایمات ایام از همه جای ایران به این خانه پدری بازمی‌گشتند. جز جنگ‌های اول و دوم جهانی و قحطی‌ها و گرسنگی‌های گسترده، در همین جنگ هشت‌ساله بعثی‌ها با ایرانیان، شاهد بودیم که چگونه تهران آغوش خود را گشود و همگان را در این خانه پدری با روی گشاده پذیرفت. البته به جاهای دیگر هم رفتند. عجیب اینکه در همین پایتخت با دانشجوی دختر کُرد ۲۲ساله ناپدرانه رفتار می‌کنند و فاجعه می‌آفرینند.

وقتی خبر به‌کمارفتن مهسا امینی را شنیدم، بسیار متأثر شدم. چون در ایام اربعین بود، به مجلس روضه‌خوانی نزدیک خانه رفتم. آنجا کسی نوحه قدیمی تهرانی‌ها را خواند: «ای زمین کربلا این رسم میهمانی نبود»... ذهن من ناخودآگاه به دنبال این میهمان صاحبخانه یا صاحبخانه میهمان می‌رفت؛ چراکه در همین تهران کردها، تباری ریشه‌دار دارند. مشهورترین معلم اخلاق پایتخت در نیم‌قرن اخیر، مرحوم آقا مجتبی تهرانی است. در شناسنامه آنها نام‌خانوادگی شهید کلهری به چشم می‌خورد. آقا مرتضی تهرانی هم که از مشایخ و بزرگان تهرانی است، همین نسب را دارد. مساجد تاریخی میرزا موسی و مسجد جامع بازار تهران با چنین نسبی بسیار آشنا هستند. بنابراین اگر تهران را خانه پدری این دانشجوی ۲۲ساله کُرد بنامیم، راه دوری نرفته‌ایم. ولی آیا در خانه پدری چنین اتفاق تلخ و ناگواری پذیرفتنی است؟ تا آنجا که من با بزرگان تهران و علمای دین آشنایی دارم، همه آنها تعدی به زن را تقبیح کرده‌اند. بارها و بارها شنیده‌ایم و خوانده‌ایم که آن بزرگان و بزرگواران درباره تنگناهای معیشتی مردم سخن گفته‌اند. حتی فراتر تأکید داشته‌اند که در دیپلماسی و گفت‌وگو با دشمن نیز با ادب و سنجیده سخن‌گفتن و لحن آرام را رعایت کنیم.

حال چگونه با عنوان دفاع از شریعت و نظام، چنین رفتارهای خشنی را انجام می‌دهند و به اخلاق، عرف، شرع و قانون پشت می‌کنند؟

نوحه‌خوان هرچه می‌خواند «در شما یک ذره خلق‌وخوی انسانی نبود/ سهم ما این‌گونه حال و این پریشانی نبود»، نمی‌دانم چرا باز یاد این دختر هم‌وطن مظلوم افتادم که نه در سرزمین بیگانه بلکه در پایتخت کشورش به سلامت آمد، اما مظلومانه جان داد.

وقتی مداح خواند «با برادر آمدم من بی برادر می‌روم»، به یاد دل پرخون آن برادر داغدار افتادم که تنها همراه این دختر در این خانه پدری بود. با تلخی گریستم.

نوحه‌خوان می‌گفت: «آسمان ای آسمان بر ما بریز خوناب غم/ غربت ما را ببین ای داد از این سیلاب غم...». اربعین حسینی تسلیت باد.

یادداشت

اصرار بر سیاستی مسئله‌ساز

احسان هوشمند

اقدام گشت ارشاد در بازداشت و پس از آن درگذشت شادروان مهسا (ژینا) امینی در بیمارستان کسری، بازتاب بسیار گسترده‌ای در محافل اجتماعی و رسانه‌ای و شبکه‌های اجتماعی داخل و خارج از کشور داشت. بنا بر گزارش‌های در دسترس، این خانم جوان همراه خانواده سفری کوتاه به تهران داشته‌اند که در ایستگاه متروی حقانی بازداشت می‌شوند و با وجود حضور نزدیکان و دخالت آنان، مأموران حاضر به آزادکردن نام‌برده نشده و وی را به مقر پلیس ارشاد منتقل می‌کنند. پس از آن حادثه‌ای برای وی روی می‌دهد و به بیمارستان کسری منتقل می‌شود و در نهایت در بیمارستان کسری فوت می‌کند. خاندان و خانواده این مرحومه از شهروندان خوشنام و معتمد سقزی هستند که مردم‌داری، اخلاق و دیانت آنان زبانزد همشهری‌هاست.

۱- پلیس در اقدامی دیرهنگام و سه روز پس از بروز رویداد، اقدام به انتشار بخش کوتاهی از فیلم‌های دوربین مداربسته کرد. آنچه در فیلم نمایان است، حضور تعداد زیادی از بانوان است که در سالن گشت ارشاد وزرا حضور دارند. مشخص نیست این تعداد بازداشتی که در سالن گشت ارشاد وزرا مستقر هستند، طی چند ساعت به این مکان آورده شده‌اند و در روز چند نوبت افراد بازداشتی برای «آموزش و ارشاد» به این مکان منتقل می‌شوند؟ آیا در مکان‌های دیگری در سطح شهر تهران هم چنین «آموزش و ارشاد»ی برای افراد بازداشتی گشت ارشاد برقرار است؟ بر این مبنا، روزانه چند نفر از بانوان به این مکان‌ها برده می‌شوند؟ در همین راستا باید پرسید آیا این نوع برخوردها و مواجهه با موضوع در ماه‌های گذشته، موجب شده تا انتقال افراد به این مکان‌ها روند کاهشی داشته باشد؟ یعنی اثرات اجتماعی مشهودی در پی داشته است؟ یعنی اقدام پلیس دراین‌باره موجب شده تا روند موضوع در سطح ملی کاهشی باشد؟

۲- آنچه در فیلم مشهود است، این است که پوشش مرحومه خانم امینی پوششی معمول است؛ مانتوی بلند و پوشش سر متعارف که امروزه در میان بسیاری از زنان در سطح کشور رایج است و مورد استفاده قرار می‌گیر. بر این اساس، حتی با مقیاس‌های سلیقه‌ای موجود هم که درباره آن اما و اگر وجود دارد، مشخص نیست چرا این خانم بازداشت شده است؟

۳- این حادثه از همان روز نخست بازتاب اجتماعی و رسانه‌ای بسیار وسیعی داشت، اما با وجود بازتاب بسیار گسترده این موضوع، در ارائه توضیحات واکنش فوری، مناسب و کارشناسی‌شده‌ای روی نداد. صداوسیما نیز هیچ میزگرد و بررسی بی‌طرفانه‌ای از موضوع را روی آنتن نبرد و فضا را برای رسانه‌های رقیب مهیا کرد که روایت خود را عرضه کنند. در این فضا، سرمایه اجتماعی به‌شدت فرسوده شده و بر نارضایتی عمومی افزوده می‌شود.

ادامه در صفحه ۵

یادداشت روزنامه‌نگاران

حاشیه‌های پررنگ‌تر از متن در سفرهای رئیسی

محمد مهاجری

۱- سفر رئیس‌جمهور به روسیه را یادتان هست؟ همان که حاشیه‌هایش بر متن غلبه کرد؛ از استقبال نه‌چندان گرم، میز دراز مذاکره و نیز زمان خروج از کاخ ریاست‌جمهوری که ناهماهنگی بر سر سوارشدن بر خودرو، صحنه‌های طنز آفرید. الان اگر کلیدواژه‌های آن سفر را در فضای مجازی سرچ کنید، کمترین اثری از محتوای مذاکرات نمی‌یابید؛ هرچه هست حاشیه‌هایی است که در اکثر آنها خبر و شایعه درهم آمیخته و فضایی کاریکاتوری از دیپلماسی را به نمایش گذاشته است.

۲- سفر سمرقند هنوز خبرهایش داغ است و باز هم حاشیه بر متن غلبه کرده‌اند. حضور رئیس‌جمهور در کنار میزی که روی آن گیلاسی مشروب قرار گرفته (هرچند دولتی‌ها می‌گویند چند لحظه بیشتر نبوده)، چنان اتمسفری به وجود آورده که اهمیت عضویت ایران در سازمان شانگهای -البته اگر مهم است- قربانی این حاشیه شده است.

۳- در هر دو اتفاق ذکرشده و به‌ویژه سمرقند، کمترین تقصیری متوجه شخص آقای رئیسی نیست. چه‌بسا او هم مثل بسیاری از ما اصلا از محتوای لیوان‌ها اطلاع نداشته و بعدا متوجه شده است. فرد یا افرادی که باید مراقبت می‌کردند تا این حاشیه‌ها ایجاد نشود، مسئول و مقصر هستند.

ادامه در صفحه ۵

بانک صادرات ایران
آگهی شناسایی پیمانکار ساختمانی

رجوع به صفحه ۴

مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق»
ثبت‌نام: ۲۰ شهریور تا ۹ مهر، هر روز از ساعت ۱۰ تا ۱۸ به استثنای روزهای پنجشنبه و تعطیل
رجوع به صفحه آخر

رهبر انقلاب اسلامی در مراسم عزاداری دانشجویان به مناسبت اربعین حسینی:

سفارش قرآنی تواصی به حق و تواصی به صبر دستورالعمل اساسی برای همیشه ما است

در اربعین سید و سالار شهیدان، حسینیه امام خمینی(ره) میزبان هیئت‌های دانشجویی بود و دانشجویان عزادار در حضور رهبر انقلاب اسلامی همنوا با زائران کربلای معلی یکپارچه ندای «لبیک یا حسین» سر دادند. به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری، در پایان مراسم عزاداری، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سخنانی دل‌های پاک و مؤمن جوانان را موجب کیفیت‌بخشی به دعا و موعظه و افزایش هدایت الهی دانستند و گفتند: مراسم اربعین که پرچم بلند حضرت سیدالشهداست، امسال باشکوه‌تر و معظم‌تر از هر دوره دیگری در تاریخ برگزار شد.

رهبر انقلاب، حادثه معجزه‌آسای راهپیمایی اربعین را نشانه اراده پروردگار برای برافراشته‌ترکردن پرچم اسلام اهل بیت خواندند و افزودند: این حرکت با هیچ سیاست و تدبیر بشری قابل تحقق نیست و این دست خداست که با این جلوه عظیم بشارت می‌دهد راه پیش‌روی ما روشن و پیمودنی است.

ایشان، جوانان را به قدردانستن دوران جوانی و اهتمام ویژه به هیئت‌های حسینی توصیه کردند و گفتند: هیئت‌ها هم باید یاد اهل بیت را زنده نگه دارند، هم مرکز و پایگاه تبیین حقایق باشند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با اشاره به تلاش‌های بی‌وقفه بدخواهان و رهزنان حقایق بر ضد حوادث مهمی همچون راهپیمایی شورانگیز اربعین، همگان را به وظیفه‌شناسی سفارش و خاطرنشان کردند: دو جمله حیاتی و جاودانی قرآن یعنی تواصی به حق و تواصی به صبر برای همیشه و به‌خصوص برای امروز ما یک دستورالعمل اساسی است.

ایشان صبر را به معنای پایداری، ایستادگی، خسته‌نشدن و خود را در بن‌بست ندیدن دانستند و خطاب به جوانان عزیز هیئتی و قرآنی گفتند: هم خودتان راه حق را بروید، هم تلاش کنید با منورکردن محیط‌های گوناگون ازجمله دانشگاه به رنگ خدا، دیگران نیز به این راه هدایت شوند.

همچنین در این مراسم حجت‌الاسلام عالی در سخنانی لازمه ظهور منجی عالم بشریت را ایجاد آمادگی و استعداد عمومی در امت اسلامی دانست و گفت: زیارت اربعین که امروز به نماد هم‌گرایی مؤمنان و اجتماع عظیم حق‌طلبان تبدیل شده، بستری بی‌نظیر برای تربیت جمعی جامعه اسلامی و تحکیم پیوندهای مؤمنین و ایجاد آمادگی برای ظهور است.

در این مراسم، آقای محمد کاویان زیارت اربعین را قرائت کرد و آقای میثم مطیعی نیز به مقتل‌خوانی و مرثیه‌سرایی پرداخت.

«شرق» از ادعای آمریکا و ایران پیرامون عدم حصول توافق گزارش می دهد

پیچ عدم احیای برجام سفت‌تر از قبل

شرق: با در نظر گرفتن شرایط کنونی، به نظر می‌رسد به این زودی‌ها توافقی در کار نخواهد بود. فارغ از اینکه کدام طرف و به کدام دلیل احیای برجام را به تأخیر انداخته، عملا سکون، توقف و انسداد دوباره به میز وین بازگشته است. در همین رابطه برخی اخبار هم حکایت از آن دارد که در بهترین حالت ممکن و در خوشبینانه‌ترین و ایدئال‌ترین سناریو، حصول توافق تا بعد از انتخابات زودهنگام کنست در اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره در آمریکا به تعویق خواهد افتاد. بااین‌حال از یک سو ایالات متحده از آینده مبهم برجام و شکست در مذاکرات می‌گوید و از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران کماکان اصرار دارد بستر برای حصو توافق و احیای برجام وجود دارد. حال در این دوگانگی آنچه بیشتر خودنمایی می‌کند، تأثیر مخرب روانی این شرایط شکننده بر بازارهای داخلی است. در همین راستا، دلار در هفته‌های اخیر روندی صعودی به خود گرفته است و برای ورود به کانال ۳۲ هزار تومانی و فتح نرخ‌های بالاتر آماده می‌شود. دراین‌باره بسیاری از کارشناسان و تحلیلگران حوزه اقتصادی معتقدند در صورت تداوم شرایط کنونی مذاکرات، بدون شک دلار نه‌تنها رکورد قبلی دولت رئیسی در فتح کانال ۳۳ هزار تومانی را خواهد شکست، بلکه دولت سیزدهم باید منتظر رکوردزنی‌های متوالی دلار در بازر آزاد باشد.

کاخ سفید همچنان بر طبل شکست می‌کوبد

با رصد مواضع چند روز اخیر مقامات آمریکایی تقریبا مذاکرات هسته‌ای و حصول توافق به شکست رسیده است؛ کمااینکه اخیرا آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، در جریان سفر به مکزیک در یک کنفرانس خبری درخصوص روند احیای توافق هسته‌ای گفت: «آنچه در مدت اخیر در پاسخ ایران به پیشنهاد ارائه‌شده از سوی اتحادیه اروپا (برای حصول توافق در مذاکرات وین) شاهد بوده‌ایم، به وضوح پس‌رفت است و چشم‌انداز توافق در بازه‌ای کوتاه‌مدت را غیرمحتمل می‌کند. به نظر می‌رسد ایران یا نمی‌خواهد یا نمی‌تواند کاری را که برای رسیدن به یک توافق لازم است، انجام دهد و آنها همچنان به مطرح‌کردن مسائل خارج از چارچوب ادامه می‌دهند که انجام‌شدن توافق را غیرمحتمل‌تر می‌کند».

به موازات گفته‌های بلینکن، وندی شرمن، معاون وزیر امور خارجه آمریکا نیز در یک میزگرد به میزبانی روزنامه واشنگتن‌پست، به طرح ادعاهایی درباره روند مذاکرات احیای برجام و عملکرد آمریکا در جریان این مذاکرات پرداخت. شرمن در صحبت‌های خود با ادعای اینکه «مذاکرات وین در حال حاضر به بن‌بست رسیده است»، تصریح کرد: «مذاکرات به‌طور کامل به بن‌بست خورده است؛ به این معنا که در آخرین دور گفت‌وگوها، ایران پاسخ نسبتا سختی به ما ارائه داد، پاسخی که برای ما غیر قابل قبول بود».

شرمن در ادامه مدعی شد: «رئیس‌جمهور بایدن به جست‌وجوی فرصت‌هایی برای بازگرداندن توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ به مسیر خود ادامه می‌دهد. بااین‌حال، واشنگتن برای هر تحولی آماده می‌شود؛ خواه این توافق قابل بازگرداندن باشد یا نباشد».

در این بین هم به گزارش خبرگزاری رویترز، لیندا توماس گرینفیلد، نماینده آمریکا در سازمان ملل، در جمع خبرنگاران به سؤالاتی درباره برنامه‌های دولت واشنگتن در حاشیه نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل پاسخ داد و او به نوعی از اتمام کار مذاکرات با ایران گفت. گرینفیلد درباره احتمال برگزاری نشستی با موضوع احیای برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در نیویورک عنوان کرد: «در حال حاضر هیچ برنامه‌ای برای برگزاری چنین نشستی وجود ندارد». نماینده آمریکا در سازمان ملل در ادامه تأکید کرد واشنگتن به اعمال فشار بر ایران برای آنچه پاسخ به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی عنوان کرد، ادامه خواهد داد.

این در حالی است که برخی دیگر از مقامات کاخ سفید ادعای دیگری را مطرح می‌کنند. در این رابطه جان کربی صراحتا بیان کرد دولت آمریکا از تلاش برای حصول توافق دست نکشیده است. هماهنگ‌کننده ارتباطات شورای امنیت ملی کاخ سفید در گفت‌وگو با شبکه صدای آمریکا در پاسخ به سؤالی درباره وضعیت کنونی مذاکرات احیای برجام و زمان حصول توافق گفت: «از هم‌اکنون نمی‌توان پیش‌بینی‌ای در این زمینه انجام داد یا به گمانه‌زنی در این خصوص پرداخت، اما می‌توانم یک چیز را بگویم؛ رئیس‌جمهور بایدن بسیار واضح گفته است ما اجازه نخواهیم داد ایران به توانایی سلاح‌های هسته‌ای دست یابد؛ زیرا می‌دانیم حل هیچ مشکلی در خاورمیانه با ایران مجهز به سلاح هسته‌ای آسان‌تر نمی‌شود».

کربی تصریح کرد: «رئیس‌جمهور همچنین گفته است بهترین راه برای دستیابی به این نتیجه از طریق یک فرایند دیپلماتیک است و به همین دلیل ۱۶ ماه است در مذاکرات (احیای برجام) حضور داریم و برای اجرای مجدد این توافق و بازگرداندن تمام طرف‌ها به آن تلاش می‌کنیم».

هماهنگ‌کننده ارتباطات شورای امنیت ملی کاخ سفید همچنین به سخنان اخیر آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، مبنی بر دورترشدن چشم‌انداز دستیابی به این هدف نسبت به چند هفته پیش و اینکه بعید است بتوانیم به این زودی به توافق بازگردیم، اشاره و تأکید کرد: «گفته‌های بلینکن به آن معنا نیست که ما از تلاش دست کشیده‌ایم، به این معنا نیست که همه آنچه را که انجام شده است، رها کرده‌ایم».

این در حالی است که طبق گزارش برخی منابع خبری عبری، جو بایدن، رئیس‌جمهوری آمریکا، تضمینی دال بر عدم احیای برجام تا زمان انتخابات اسرائیل و انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا را به نخست‌وزیر اسرائیل داده است.

تهران و انکار شکست

در مقابل اصرار مقامات آمریکایی دال بر شکست در مذاکرات هسته‌ای، جمهوری اسلامی ایران همچنان راه رسیدن به توافق را باز می‌داند. در همین راستا حسین امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه، چهارشنبه گذشته در گفت‌وگوی تلفنی با بدر البوسعیدی، همتای عمانی خود، با تأکید بر پایبندی جمهوری اسلامی ایران به روند گفت‌وگو و تبادل پیام برای رفع تحریم‌ها و با اشاره به تلاش همه طرف‌ها در چند ماه گذشته، رمز رسیدن به نقطه مطلوب توافق در شرایط حاضر را تمرکز ایالات متحده بر واقع‌بینی و نشان‌دادن داشتن اراده لازم از سوی واشنگتن دانست. امیرعبداللهیان در این گفت‌وگو بار دیگر اراده و حسن نیت لازم از سوی کشورمان برای رسیدن به گام نهایی توافق خوب، قوی و پایدار را مورد تأکید قرار داد.

در کنارش سیدرسول موسوی، دستیار وزیر امور خارجه نیز در واکنش به ادعاهای کاخ سفید مبنی بر به بن‌بست‌خوردن مذاکرات تصریح کرد: «آدم عاقل دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شود! برعکس، من معتقدم که مذاکرات برجام در بن‌بست نیست، بلکه آنچه مذاکرات را به بن بست می‌کشاند، تلاش سیاسی برای بازنگه‌داشتن پرونده ایران در آژانس علی‌رغم بازگشت به شرایط ۲۰۱۵ است. بازگشت به برجام بلی، فرصت‌سازی برای صهیونیست‌ها هرگز».

درعین‌حال محمد مرندی هم تأکید کرد که با وجود فشارهای واردشده به دولت آمریکا همچنان به توافق نزدیک هستیم. مشاور رسانه‌ای تیم مذاکره‌کننده ایران در مذاکرات وین در گفت‌وگوی هفته گذشته خود با شبکه قطری الجزیره تأکید کرد: «با وجود فشارهای واردشده علیه دولت آمریکا همچنان به رسیدن به توافق نزدیک هستیم. اینجا جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکاست که باید تصمیماتی برای حل مسائل موجود بر سر راه رسیدن به توافق هسته‌ای اتخاذ کند».

اما گفته‌های ناصر کنعانی نیز حکایت از آن دارد که دولت رئیسی اساسا قائل به هیچ‌گونه توقف و شکستی در مذاکرات نیست؛ کمااینکه سخنگوی وزارت امور خارجه ایران پیش‌ازاین تأکید کرده بود: «همان‌طور که می‌دانید، ما پاسخ خود را چندی پیش ارائه دادیم. ما همواره بر این موضوع تأکید کرده‌ایم که طرف‌های دیگر مذاکرات به‌ویژه آمریکایی‌ها باید رفتارهای سازنده‌ای را برای دستیابی به توافق در پیش بگیرند. آمریکا کشوری است که از برجام خارج شده است و با اعمال تحریم‌های غیرقانونی و یک‌جانبه هزینه‌های زیادی را به دولت و ملت ایران تحمیل کرده است و با توجه به این عملکرد اکنون حق ندارد در مقام مدعی قرار بگیرد و ژست طلبکارانه به خودش بگیرد. این آمریکاست که باید برای بازگشت به روند توافق اثبات کند که عضوی قابل اعتماد است و یک رژیم قانون‌گریز و بحران‌آفرین نیست. دولت واشنگتن است که باید اثبات کند که به هنجارهای بین‌المللی پایبند است و به نُرم‌های بین‌المللی احترام می‌گذارد».

سخنگوی وزارت خارجه تصریح کرده بود: «جمهوری اسلامی ایران در پاسخی که به هماهنگ‌کننده مذاکرات داده، به‌هیچ‌وجه موضوعات جدیدی که مانع شکل‌گیری توافق و جمع‌بندی مذاکرات شود، مطرح نکرده است. مطالبات جدیدی طرح نکرده است». کنعانی افزود: «ایران، نه به زیاده‌خواهی‌های طرف‌های مقابل تمکین می‌کند و نه از خطوط قرمز خود عقب‌نشینی خواهد کرد. هم آمریکا و هم اروپا (تروئیکای اروپایی) باید اثبات کنند که در روند مذاکرات به نرم‌های بین‌المللی پایبند هستند و منافع رژیم صهیونیستی را در اولویت تصمیم‌گیری سیاسی خود قرار نمی‌دهند. همان‌طور که بارها گفته‌ایم، اگر در طرف مقابل اراده سیاسی لازم برای دستیابی به توافق وجود داشته باشد، امکان دستیابی به یک توافق همه‌جانبه و خوب وجود دارد».

اینها علاوه بر آن است که ناصر کنعانی در گفت‌وگوی پنجشنبه گذشته خود با ایسنا هم از وجود زمینه برای احیای برجام گفت. سخنگوی وزارت امور خارجه در پاسخ مشخص به این سؤال که آیا امید به احیای برجام کم‌رنگ شده است، عنوان کرد: «خیر، از نظر ما زمینه برای احیای توافق هنوز به طور جدی وجود دارد. در پاسخی که طرف ایرانی داده است، موضوعات و خواسته‌های جدیدی مطرح نشده؛ بلکه شفاف‌سازی و ابهام‌زدایی در متن انجام شده تا زمینه اختلاف‌نظرهای تفسیری و مخل اجرای توافق از بین برود. از نظر ما موضوع و اختلاف نظر جدی که مانع ازسرگیری توافق باشد، وجود ندارد و اگر اراده سیاسی در طرف مقابل وجود داشته باشد، می‌توان در اسرع وقت مذاکرات را جمع‌بندی و اجرا کرد».

کنعانی درباره موضع‌گیری آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه آمریکا، درباره چشم‌انداز مبهم توافق در وین و احیانشدن برجام در کوتاه‌مدت هم تصریح کرد: «ادعاهای طرف‌های آمریکایی، ناشی از فرافکنی و شانه خالی‌کردن از انجام مسئولیت است. دولت آمریکا تنها مسئول اجرانشدن توافق و ناکارآمدکردن یک توافق چندجانبه و ناکارآمدکردن دیپلماسی چندجانبه بین‌المللی برای حل‌وفصل اختلافات است. توافق برجام محصول یک رویکرد چندجانبه بین‌المللی بود که آمریکا با خروج یک‌جانبه و غیرمسئولانه عملا این روند را ناکام گذاشت. از دیگر سو، کشوری که خود مسئول اجرانشدن توافق و مسئول شکل‌گیری یک روند غیرضروری چندساله است، نمی‌تواند الان در مقام مدعی ظاهر شود و طلبکارانه از طرف مقابل مطالبی را درخواست کند که جزء مسئولیت‌های خود آن کشور است. دولت آمریکا باید ضمانت کند که در روند مذاکرات، کشوری مسئولیت‌پذیر و پایبند به تعهد است و چنانچه توافق دیگری شکل بگیرد، آمریکا مجددا مانند دوره قبل غیرمسئولانه و غیرقانونی و یک‌جانبه از توافق خارج نخواهد شد».

آخرین میخ‌ها بر تابوت

درحالی‌که فضای مذاکرات به یک بن‌بست و انسداد رسیده است، کنگره آمریکا هم به دنبال سخت‌ترکردن احیای برجام با زدن آخرین میخ‌ها بر تابوت توافق هسته‌ای است. در این زمینه گروهی دوحزبی از اعضای مجلس نمایندگان آمریکا لایحه‌ای برای دائمی‌شدن تحریم‌های این کشور علیه ایران تهیه کرده و قرار است به مجلس نمایندگان ارائه دهند.

شبکه فاکس‌نیوز در خبری اختصاصی نوشت: «شماری از قانون‌گذاران دموکرات و جمهوری‌خواه طرحی با نام قانون تثبیت تحریم‌های ایران را تهیه کرده‌اند که بازدارندگی علیه ایران از طریق هدف قراردادن بخش نفتی و سخت‌ترکردن اختصاص‌یافتن بودجه به برخی فعالیت‌ها ازجمله توسعه برنامه موشکی را افزایش خواهد داد».

در ادامه گزارش فاکس‌نیوز، میشل استیل، نماینده ارائه‌دهنده این لایحه با متهم‌کردن ایران به‌عنوان کشوری بی‌علاقه به حفظ صلح منطقه‌ای و جهانی، گفته است: «اکنون بیش از هر زمان اهمیت دارد که از به واقعیت پیوستن تهدید غیرقابل قبول ایران هسته‌ای جلوگیری کنیم». استیل مدعی شد: «تحریم‌های موجود در جلوگیری از به وقوع پیوستن چنین فاجعه‌ای موفق بوده‌اند و ما باید اطمینان حاصل کنیم که می‌توانیم فشار راهبردی و اقتصادی خود علیه ایران را برای ممانعت از دستیابی این کشور به سلاح هسته‌ای حفظ کنیم».

پیش از این اقدام، دولت بایدن هم دور جدیدی از تحریم‌ها علیه ایران را اعمال کرد. وزارت خزانه‌داری آمریکا چهارشنبه گذشته از اعمال تحریم علیه ۱۰ شخص و دو نهاد در ارتباط با ایران خبر داد. به گزارش خبرگزاری رویترز، وزارت خزانه‌داری آمریکا دلیل اعمال تحریم‌های جدید علیه اشخاص و نهادهای مرتبط با ایران را فعالیت‌های سایبری «بدنهاد» ایران عنوان کرده است.

وزارت خزانه‌داری آمریکا، محمد آقااحمدی، علی آقااحمدی، منصور احمدی، مجتبی حاجی‌حسینی رکن‌آبادی، مصطفی حاجی‌حسینی رکن‌آبادی، احمد خطیبی‌عقدا، معین مهدوی، امیرحسین نیک‌آئین‌راوری، علی‌اکبر رشیدی‌بارجینی و محمد شاکری‌اشتیجه را در لیست تحریم‌های خود قرار داده است. این وزارتخانه همچنین شرکت «افکار سیستم یزد» و شرکت ناجی «تکنولوژی هوشمند فاطر» را نیز تحریم کرده است.

البته این تحریم‌ها واکنش تند ایران را در پی داشت. سخنگوی وزارت امور خارجه اقدام آمریکا در اعلام تحریم علیه برخی شهروندان و شرکت‌های ایرانی به اتهام واهی دست‌داشتن در حملات سایبری علیه آمریکا و نسبت‌دادن اقدامات ادعایی مطرح‌شده علیه آنان به دولت و نهادهای جمهوری اسلامی ایران را قویا محکوم کرد.

ناصر کنعانی با اشاره به خالی‌بودن دست دولت آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران افزود: «اصرار واشنگتن بر توسل به رفتارهای سخیف، غیرقانونی و هنجارشکنانه علیه دولت‌ها و ملت‌های مستقل، بیانگر ناتوانی دولتمردان آمریکا از فهم صحیح معادلات جهانی و انطباق خود با واقعیات آن است».

سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان تصریح کرد: «توسل به راه‌اندازی کارزار تبلیغات دروغین و ترویج اطلاعات غلط علیه جمهوری اسلامی ایران، بخشی از سیاست شکست‌خورده ایران‌هراسی دولت آمریکاست که البته راه به جایی نخواهد برد. آمریکا که پیش از این در برابر حملات متعدد سایبری علیه زیرساخت‌های جمهوری اسلامی ایران، حتی علیه تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای، سکوت اختیار کرده و حتی به طور مستقیم یا غیرمستقیم از این حملات حمایت کرده است، فاقد هرگونه وجاهت در متهم‌کردن دیگران است». کنعانی تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که بارها مورد حملات سایبری قرار گرفته، بخش مهمی از تلاش‌های مسئولانه بین‌المللی در مقابله با تهدید حملات سایبری بوده است». با درنظرگرفتن این شرایط به نظر می‌رسد آنچه فعلا محلی از اعراب ندارد آینده مذاکرات هسته‌ای و احیای برجام است، چراکه گفت‌وگوها به شکل جدی تحت‌الشعاع اوج‌گیری تقابل تهران و واشنگتن قرار گرفته است. از این منظر باید اذعان داشت که پیچ عدم احیای برجام سفت‌تر از قبل شده است.

یک سفر و کم‌رنگ‌شدن امیدها برای حصول توافق

سیدابراهیم رئیسی در سفری سه‌روزه با هدف حضور در بیست‌ودومین اجلاس سران کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای [illegible] ازبکستان شد. رئیس دولت سیزدهم در این سفر دیدارهایی را با مقامات ۱۰ کشور ازبکستان، قرقیزستان، تاجیکستان، پاکستان، روسیه، چین، بلاروس، قزاقستان، هند و ترکیه انجام داد. در این سفر عضویت دائم ایران در سازمان همکاری شانگهای نیز قطعی شد.

این سفر و دیدارهای انجام‌شده عملا میل و رغبت دولت سیزدهم و در کل جمهوری اسلامی ایران را برای ادامه مذاکرات هسته‌ای و احیای برجام بیش از پیش کاهش خواهد داد، چراکه این تصور وجود دارد که تهران با اتکا به توان اقتصادی، تجاری و دیپلماتیک برخی از پیمان‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی می‌تواند جایگزینی مطمئن برای لغو تحریم‌ها پیدا کند.

رئیسی در اجلاس سران شانگهای با تأکید بر اینکه هم‌گرایی در حوزه انرژی در سازمان همکاری شانگهای به توسعه بیشتر اقتصادی و نهایتا کاهش هزینه‌های امنیتی و اقتصادی و ثبات در منطقه و فرامنطقه کمک چشمگیری خواهد کرد، از آمادگی ایران برای ایفای نقش مؤثر در زمینه تأمین امنیت عرضه انرژی خبر داد.

رئیس دولت سیزدهم در سخنانی در اجلاس سران شانگهای عنوان کرد: «تعامل و پیوستگی حداکثری با کشورهای منطقه از جمله کشورهای عضو سازمان شانگهای و حضور مؤثر در ترتیبات منطقه‌ای و بین‌المللی، در کانون سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. جمهوری اسلامی ایران راهبرد تعمیق چندجانبه‌گرایی اقتصادی را در دستور کار خود دارد. توجه جمهوری اسلامی ایران به ترتیبات مهمی همچون سازمان همکاری شانگهای و بریکس بیانگر اهتمام ما به شرکت در تلاش‌های کشورهای همسو برای پی‌ریزی یک نظام بین‌المللی عادلانه، متعالی و مبتنی بر مشارکت است. این رویکردها در کنار توانمندی‌های گسترده جمهوری اسلامی ایران، حرکت آینده سازمان شانگهای را سرعت می‌بخشد و تسهیل می‌کند».

رئیسی در ادامه بیان کرد: «در سال‌های اخیر چندجانبه‌گرایی اقتصادی و سیاسی مورد تهدید جدی قرار گرفته و دولت آمریکا با قلدرمآبی تمام درصدد تحمیل خواسته‌ها و قوانین داخلی خود بر نظام بین‌الملل و کشورهای دارای حاکمیت و استقلال برآمده و استفاده گسترده از اهرم اجبار را در دستور کار خود قرار داده است. بدون تردید، یکجانبه‌گرایی آمریکا، به دنبال عقب‌نگه‌داشتن کشورها از مسیر توسعه مستقل خود است. سازمان همکاری شانگهای در مقابله با یکجانبه‌گرایی و تحریم‌های ظالمانه نیازمند اتخاذ راهکارهای نوین و تدابیر ویژه است؛ از آن جمله شکل‌دهی به تجارت پایدار میان اعضای این سازمان است که خود نیازمند توسعه مشترک زیرساخت‌ها در حوزه مبادلات مالی، تبادلات کالایی و مبادله داده‌ها میان کشورهاست».این گفته‌ها شاید به نحوی دربردارنده دیپلماسی موازی منطقه‌ای دولت سیزدهم در کنار دیپلماسی برجامی باشد، اما نباید این واقعیت را هم از نظر دور داشت که بخشی از جریان‌های رادیکال در داخل عملا دولت را در مسیر شکست مذاکرات هسته‌ای و اتکا به شرق با محوریت مسکو و پکن قرار داده‌اند. در این بین قطعی‌شدن عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری شانگهای می‌تواند موتور این جریان رادیکال را برای افزایش فشار به دولت سیزدهم در جهت کنارگذاشتن مذاکرات هسته‌ای و وابستگی بیش از پیش به روسیه و چین روشن کند.

در مقابل برخی سیاسیون و منتقدان نگاه دولت رئیسی و جریان‌های همسو در جایگزین‌کردن احیای برجام و لغو تحریم‌ها با دلخوش‌شدن به حضور ایران در پیمان‌هایی نظیر سازمان همکاری شانگهای این تصور را دارند که این سازمان نمی‌تواند به بهبود وضعیت اقتصادی و تجاری ایران کمک چندانی بکند. در همین راستا محمد مهاجری در توییترش نوشت: «می‌گویند موز اگر قوت داشت، کمر خودش را صاف نگه می‌داشت! سازمان شانگهای اگر قرار بود فایده‌ای داشته باشد دوسوم اعضایش برای اقتصاد روزمره‌شان، لنگ نبودند! ذوق‌زدگی دولت رئیسی برای پیوستن به این سازمان تشریفاتی، یعنی الکی‌خوش‌بودن به اینکه دیپلماسی‌مان سقف آسمان را شکافته!».

البته دیگر مخالفان و منتقدان عضویت کشورها در سازمان و پیمان‌هایی چون شانگهای معتقدند که چون اعضای این سازمان، نه مانند اعضای اتحادیه اروپا واحد پولی یا نهادهای اداره‌کننده مشترک دارند و نه مانند اعضای ناتو حاضرند برای امنیت یکدیگر دست به ماشه شوند؛ بنابراین حضور در آنها چندان مثمر ثمر نیست.

پشتوان Pishkhan.com

پیشخوان
Pishkhan.com

SEAMASTER AQUA TERRA 150M
CO-AXIAL MASTER CHRONOMETER

LOOKS MAGICAL. WORKS BEAUTIFULLY.

Although not your typical watch interior, our dreamlike world is not too far removed from the real thing. An OMEGA watch calibre is a tiny universe of components. Each working so wonderfully together, our precision timepieces have earned the trust of athletes, deep sea adventurers – and even astronauts.

اُمگا

Ω
OMEGA

TEHRAN WATCH
SINCE 1901

ناصر ذاکری
کارشناس اقتصادی

از اقامت خارج از کشور فرزندان تا رانت موقعیت

چند روز پیش خبر برخورد ریاست‌جمهوری با پرونده تحصیل فرزند یکی از معاونان وزرا منتشر شد که گفته‌اند: «اگر پسر رفت، پدر هم برود». رسانه‌ها از زوایای مختلف به موضوع پرداخته و درباره نکات مثبت و منفی آن گفتند و نوشتند. در این یادداشت بدون اعتنا به این «نکات مثبت و منفی» از زاویه‌ای تا حدی مغفول به این مبحث توجه می‌کنم. در دهه ۵۰ بسیاری از مردم که به تدریج در جریان اخبار روز جامعه قرار می‌گرفتند، شرایط تبعیض‌آمیز جامعه و امتیازات بسیار زیاد مقامات و وابستگان دربار را برنمی‌تافتند و آن گروه کم‌تعداد ولی پرقدرت را با عناوینی همچون «از ما بهتران» یا «هزارفامیل» می‌نواختند. تلقی عمومی مردم به‌درستی این بود که این گروه هرگز شباهتی با بقیه جامعه ندارند و گویی قوانین و مقررات حاکم بر کشور فقط برای عامه مردم جاری است و نمی‌تواند زندگی شخصی و فعالیت اقتصادی این گروه را تحت تأثیر قرار بدهد و آنان قوانین و مقررات خاص خودشان را دارند. یکی از علت‌های گسترش سریع ابعاد اعتراضات مردمی رواج همین باور در سال‌های قبل از آن بود که زمینه را برای همراهی سریع مردم فراهم کرد. یکی از خواسته‌های عموم مردم در دوران پیروزی انقلاب اسلامی این بود که برخلاف رژیم سابق، مسئولان و جامعه هم‌رنگ بوده و زندگی متفاوتی با هم نداشته باشند. اما فراتر از این، تعالیم مکتب انسان‌ساز اسلام، حاکمان را به رعایت قیدوبندهای بیشتری نسبت به مردم عادی امر می‌کند؛ یعنی اگر فلان روش تجاری یا فلان الگوی مصرف برای شهروندان خالی از ایراد بود، مقامات باید با احتیاط بیشتر و با ضوابط محدودکننده بیشتری زندگی خود را سامان دهند. بااین‌حال، با گذشت زمان و فاصله‌گرفتن از سال‌های اولیه شکل‌گیری نظام اسلامی، برخی صاحب‌منصبان و متنفذان به تدریج مسیری را در پیش گرفتند که با آن باورها و ارزش‌ها متناقض بود. نتیجه این تغییر مسیر از یک سو پدیدارشدن فاصله‌ای باورنکردنی بین سطح زندگی برخی متنفذان با شهروندان عادی جامعه است و از سوی دیگر دسترسی آنان به رانت‌های شگفتی‌آور. نگارنده بر این باور است که فقط عده کمی از متنفذان گرفتار وسوسه استفاده از موقعیت شده‌اند، ولی رفتار نادرست همین تعداد اندک توانسته ذهنیت جامعه را نسبت به همه مقامات تغییر داده و به نوعی بدبینی عمومی دامن بزند. واکنش ریاست‌جمهوری به پرونده فرزند فلان مقام در واقع باید به‌عنوان نقطه شروعی برای این رویکرد جدی در برخورد با رفتار رانت‌جویانه برخی صاحبان قدرت تلقی شود. اینکه نسبت به چنین پرونده‌ای حساسیت نشان بدهیم و حضور و اقامت فرزند یک معاون وزیر را در خارج از کشور ناپسند تلقی کنیم، هرچند با وجود ابهامات نکات مثبتی در خود دارد، اما هرگز به‌تنهایی کافی نیست. اقدام اصلاحی واقعی اولا باید شامل همه صاحب‌منصبان از گذشته تا به حال و نه‌فقط مقامات فعلی و نیز شامل همه قوا و نهادهای عمومی و نه‌تنها قوه مجریه باشد. ثانیا در این اقدام اصلاحی باید رفتار فرد صاحب‌منصب در همه حوزه‌ها و نه‌فقط محل اقامت فرزندانش مدنظر باشد. شیوه ثروت‌اندوزی، میزان استفاده از رانت‌هایی از نوع واگذاری املاک و مستغلات با قیمت‌های خودمانی، واگذاری فرصت‌های طلایی آموزشی به خود و فرزندان و وابستگان، استفاده از رانت موقعیت برای مقاصد تجاری یا اشتغال بی‌دردسر فرزندان در سمت‌های «نان‌وآب‌دار» و... همه و همه مورد توجه قرار بگیرد. برای درک عظمت ابعاد پرونده، فقط کافی است بدانیم فلان صاحب‌منصب متنفذ بدون برخورداری از کوچک‌ترین ارثیه خانوادگی، در چند دهه گذشته چنان ثروتی گرد آورده است که به‌راحتی می‌تواند سرمایه چندمیلیاردی در اختیار گل‌پسرش بگذارد؛ درحالی‌که شهروندان عادی حتی در خواب هم نمی‌توانند چنین موقعیتی را تصور کنند. بی‌تردید چنین امکاناتی فقط در سایه حاکمیت قوانین دیگری غیر از قوانین حاکم بر زندگی شهروندان عادی قابل تأمین است. به بیان دیگر، در سایه فراموش‌کاری برخی متولیان امر، بار دیگر سیستم قوانین و مقررات موازی بر زندگی مردم عادی و صاحب‌منصبان حاکم شده است. مردم عادی باید با سختی بسیار هزینه زندگی درویشانه خود را تأمین کنند و همواره این پیام را از رسانه‌های رسمی بشنوند که باید کالای وطنی مصرف کرد، در مقابل خواص جامعه می‌توانند از رانت‌های مختلف برخوردار شوند و هیچ‌گاه نگران افزایش اجاره مسکن یا وضعیت شغلی آینده فرزندشان نباشند و کالاهای مصرفی مورد نیاز خانواده خود را از بازار کشورهای همسایه تهیه کنند. بنابراین قاطعانه باید گفت رفتن پدر به دنبال پسرش شاید شروع خوبی باشد، اما همه کسانی که با استفاده از موقعیت خود زندگی مرفه هزارفامیلی فراهم کرده‌اند، با جیب خالی به جمع انقلابیون پیوسته و اینک ارقام میلیاردی را پول خرد تلقی می‌کنند، باید شناسایی شده و پاسخ‌گوی لطمه‌ای باشند که به اعتماد مردم به نظام اسلامی زده‌اند.

فعالان بازار مسکن از توقف پروژه‌های ساخت‌وساز و مهاجرت سازندگان به ترکیه و امارات خبر می‌دهند

ساخت مسکن در کما

شرق: چشم‌انداز مبهم اقتصاد ایران باعث مهاجرت بسیاری از سازندگان مسکن به ترکیه و امارات شد. این موضوعی است که رامین گوران، عضو هیئت‌رئیسه کانون سراسری انجمن انبوه‌سازان کشور، گفته است. فرشید پورحاجت، دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان، هم به «شرق» می‌گوید که فعالیت‌های ساختمانی بلاتکلیف هستند و بسیاری از پروژه‌های ساخت‌وساز متوقف شده است. او توضیح می‌دهد که سردرگمی فعالان ساخت‌وساز نسبت به آینده اقتصاد کشور و همچنین رشد خیره‌کننده هزینه تولید در مقابل سقوط قدرت خریداران باعث شده که ساخت‌وساز مسکن در ایران به کما برود و احتمالا دراین‌میان عده‌ای از فعالان این بازار به کشورهای همسایه مراجعت کرده‌اند. چندی پیش هم محمد مرتضوی، رئیس کانون انبوه‌سازان، گفته بود که تولید مسکن در شهر تهران به حدود دو هزار واحد در ماه رسیده که کمترین میزان در ۱۸ سال اخیر محسوب می‌شود.

عکس: علی حدادی اصل، آنا

قفل بازار مسکن

فعالان بازار مسکن می‌گویند که بازار مسکن با وضعیت پیچیده و کم‌سابقه‌ای مواجه شده است. آنها می‌گویند که هزینه‌های تولید مسکن رشد خیره‌کننده داشته و در مقابل قدرت خرید مردم سقوط کرده است. از آن سمت فعالان این بازار هیچ چشم‌انداز و تصوری نسبت به آینده اقتصاد کشور ندارند و سردرگم هستند. بنا به گفته سازندگان مسکن قیمت نهاده‌های ساختمانی امسال حدود ۵۵ درصد رشد داشته و دستمزد کارگران که حدود ۳۰ درصد هزینه تمام‌شده ساخت‌وساز را تشکیل می‌دهد، با رشد بی‌سابقه ۵۷ درصدی روبه‌رو بوده است. فرشید پورحاجت، دبیر کانون سراسری انبوه‌سازان، به «شرق» می‌گوید که نرخ عوارض شهرداری در بخش ساخت‌وساز صعود وحشتناکی داشته و در برخی استان‌ها تا ۲۰۰ درصد افزایش گزارش شده است. او تأکید می‌کند که ۶۰ درصد درآمد شهرداری‌های کشور از محل عوارض ساخت‌وساز تأمین می‌شود و به جای آنکه ساختار پرهزینه شهرداری با آن‌همه نیروهای مازاد، اصلاح شود، هزینه‌های آن به بازار مسکن تحمیل شده است. او ادامه می‌دهد که بلاتکلیفی عجیبی در بازار مسکن ایران حاکم شده و نبود چشم‌انداز نسبت به آینده اقتصاد کشور بسیاری از پروژه‌های ساخت‌وساز را متوقف کرده است. رامین گوران، کارشناس بازار مسکن، هم با بیان اینکه سرمایه‌گذاری در بخش ساخت‌وساز افت داشته، به ایسنا گفت: هم در بخش ساخت و هم در بخش سفته‌بازی، سرمایه‌گذاری به‌شدت کاهش یافته است. در همه جای دنیا پول معمولا هفت تا هشت بار در سال گردش دارد؛ اما در ایران شاید کمتر از دو بار این اتفاق بیفتد که این مسئله باعث رکود می‌شود. گوران تأکید کرد: پیش‌ازاین وقتی سازندگان مسکن، پروژه‌ای را به ۵۰ درصد پیشرفت فیزیکی می‌رساندند، پروژه بعدی را شروع می‌کردند؛ اما درحال‌حاضر به دلیل نبود مشتری، امکان تعریف طرح‌های جدید وجود ندارد. این کارشناس همچنین توضیح می‌دهد که «دو سال پیش قیمت پیش‌فروش در مناطق متوسط و پایین شهر تهران، متری هفت تا هشت میلیون تومان بود. درحال‌حاضر از ۴۰ میلیون تومان عبور کرده است. از آن طرف توان خرید متقاضیان متناسب با قیمت‌ها رشد نکرده و بخش مسکن وارد رکود شده است».

سقوط ساخت‌وساز

کاهش شدید ساخت‌وساز مسکن، موضوعی است که پیش‌ازاین و در تیر ماه امسال محمد مرتضوی، رئیس کانون انبوه‌سازان، به آن اشاره کرده و به ایسنا گفته است که تولید مسکن در شهر تهران به حدود دو هزار واحد در ماه رسیده که کمترین میزان در ۱۸ سال اخیر محسوب می‌شود. او تأکید کرده است که از دلایل اصلی این مسئله افزایش قیمت تمام‌شده، نبود سیاست‌های تشویقی، رشد هزینه صدور پروانه، مالیات و دستمزد است و اوضاع به گونه‌ای شده که در بازار مسکنِ بسیاری از مناطق کشور با نرخ‌های کمتر از قیمت‌های تمام‌شده ساخت مواجه شده‌ایم. مرتضوی همچنین توضیح داده است: در عمده مناطق کشور اقشاری که متقاضی مسکن هستند، توانایی پرداخت هزینه‌های مسکن متناسب با تورم نهاده‌های ساختمانی و رشد قیمت تمام‌شده را ندارند؛ بنابراین بازار محدود می‌شود و تولیدکنندگان مسکن خواه‌ناخواه از ساخت‌وساز امتناع می‌کنند؛ زیرا سازندگان نگران این هستند که نتوانند واحدهای خود را با یک سود متعارف به فروش برسانند. براساس گفته مرتضوی طبق آمار بهار امسال در شهر تهران ماهانه حدود دو هزار واحد مسکونی تولید شده است؛ درحالی‌که سال ۱۳۹۱ این رقم بیش از ۲۰ هزار واحد در ماه بود و ساخت‌وساز در پایتخت نسبت به سال گذشته هم ۴۲ درصد کاهش نشان می‌دهد. همچنین آخرین نتایج نظرسنجی‌های رسمی از فعالان ساختمانی از کاهش فعالیت سازنده‌های مسکن در خرداد و تیر امسال خبر می‌دهد. براساس این اتاق تعاون ایران در تازه‌ترین گزارش خود از وضعیت بازار ساخت‌وساز، از کاهش نسبی فعالیت‌های ساختمانی با استناد به عدد شامخ کل ساختمانی خبر داد. اتاق تعاون ایران هر ماه با انجام نظرسنجی از فعالان ساختمانی و سازنده‌ها، وضعیت ساخت‌وساز در ماه قبل و همچنین چشم‌انداز سازنده‌ها برای ماه پیش‌رو را منتشر می‌کند. براساس این گزارش که با عنوان طرح شاخص مدیران خرید ساختمان موسوم به گزارش شامخ ساختمان به صورت ماهانه منتشر می‌شود، عدد شامخ کل در خرداد ۱۴۰۱ معادل ۵۲.۷۷ بوده است که این میزان نسبت به ماه قبل که ۵۶.۳۱ بوده، کاهش نشان می‌دهد. همچنین به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی اتاق تعاون ایران، بررسی‌های آماری نشان می‌دهد عدد شامخ کل در تیرماه به میزان ۴۶.۷، بوده که نسبت به ماه قبل کاهشی درخورتوجه داشته که نشان‌دهنده کاهش فعالیت در حوزه صنعت ساختمان در تیر ماه نسبت به خرداد ماه است. براساس‌این مؤلفه‌های موجودی محصول نهایی در انبار یا کارهای معوق و ناتمام، قیمت خرید مواد اولیه یا لوازم مورد نیاز، میزان فروش کالاها و خدمات، قیمت محصولات تولیدشده و خدمات ارائه‌شده و موجودی مواد اولیه یا لوازم خریداری‌شده نسبت به ماه قبل کاهش درخورتوجهی داشتند. همچنین افزایش حجم تعداد واحدهای مسکونی ناتمام در این گزارش‌ها اعلام شده است.

مهاجرت سازندگان مسکن

بنا بر گفته فعالان بازار مسکن، بلاتکلیفی در بازار مسکن و رشد خیره‌کننده هزینه‌ها سبب مهاجرت بخشی از سازندگان مسکن به امارات و ترکیه شده است. رامین گوران، عضو هیئت‌رئیسه کانون سراسری انبوه‌سازان کشور با بیان اینکه بسیاری از سازندگان واحدهای لوکس از شمال تهران کوچ کرده‌اند، به ایسنا گفت: برخی از فعالان صنعت ساختمان به مناطق متوسط شهر و بسیاری هم به ترکیه و کشورهای عربی رفته‌اند و در آنجا اقدام به ساخت‌وساز می‌کنند. گوران، سرمایه‌گذاری در بخش مسکن در ایران را دارای موانعی دانست و افزود: تقریبا یک سال طول می‌کشد تا شهرداری جواز بدهد. این خواب سرمایه باعث لطمه به سازندگان می‌شود. در نهضت ملی مسکن نیز منافع اصلی به سازمان‌ها و ارگان‌ها مثل شهرداری، سازمان ثبت، نظام مهندسی و... می‌رسد. به طور مثال سازمان ثبت برای ثبت وام ۴۵۰ میلیون تومانی ۴.۵ میلیون تومان حق ثبت دریافت می‌کند. او درباره پیش‌بینی بازار مسکن در نیمه دوم سال جاری گفت: معتقدم در شش‌ماهه دوم سال، تورم چندانی در بازار مسکن رخ نمی‌دهد؛ زیرا اتفاقاتی که می‌توانست منجر به رشد قیمت‌ها شود، مثل افزایش قیمت نهاده‌های ساختمانی و دستمزدها اتفاق افتاده است. تنها مؤلفه‌ای که می‌تواند در بازار مسکن تأثیر بگذارد، هجوم یکباره بورس‌بازان و دلالان است که با توجه به رکود معاملات مصرفی بعید به نظر می‌رسد.

براساس آخرین گزارش بانک مرکزی در مرداد سال ۱۴۰۱، متوسط قیمت یک متر مربع زیربنای واحد مسکونی معامله‌شده از طریق بنگاه‌های معاملات ملکی شهر تهران به حدود ۴۲میلیون‌و ۷۲۹ هزار تومان رسیده که نسبت به ماه قبل (تیرماه ۱۴۰۱) و ماه مشابه سال قبل (مردادماه ۱۴۰۰) به ترتیب معادل ۲.۵ و ۳۸.۰ درصد افزایش داشته است.

وزارتی سبز با خبرهایی قرمز

عبدالحسین طوطیایی
پژوهشگر کشاورزی

چندی است خبرها از حوزه کشاورزی کشور از التهابی قرمزرنگ حکایت می‌کند. هنوز از قیمت‌گذاری مجعول ۱۸ هزار تن میوه و صدور نامتعارف دو تن زعفران در سازمان تعاونی روستایی در خردادماه سال جاری مدتی نگذشته است که از «کوتاژ صوری» برای واردات انجام‌نگرفته نهاده‌های دامی خبر می‌رسد. در این کوتاژ بی‌پشتوانه، مبلغ هزارو صد میلیارد تومان معادل ۷۰۰ میلیون دلار از دامداران متقاضی بدون اقدام به واردات گرفته شده است. افشا و تأیید چنین خبری از جانب یکی از نمایندگان مجلس و نیز رئیس سازمان بازرسی کشور و بازتاب رسانه‌ای آن به گونه‌ای بود که تکذیب وزیر اطلاعات در جلسه هیئت دولت در این زمینه جز افزایش سردرگمی در افکار عمومی نتیجه‌ای نداشته است. گرچه به موازات چنین اخبار قرمزرنگی، وزیر جهاد کشاورزی به مناسبت‌های هفته دولت یا پیش از خطبه نماز جمعه (شهریور ۱۴۰۱) و... بر آینده سبز کشور تأکید داشته‌اند. گزارش‌هایی که در آن برای مخاطبان از رونق کشاورزی و قرارگرفتن در مرتبتی بالاتر از کشورهای غرب آسیا نویدها داده شده است.

به‌عنوان یک پژوهشگر کشاورزی به این قبیل نامعادلات در امور مالی و... در مقایسه با راهبردهای مدیریت این بخش حساسیت کمتری دارم. به هر حال دستگاه‌های قضائی و امنیتی و بر حسب وظایف حاکمیتی خود قاعدتا پیگیر این قبیل امور باید باشند؛ اما آنچه نگاه حرفه‌ای امثال این راقم را با دغدغه‌ای ملی می‌آزارد، مسیری واژگون با چشم‌اندازهای رؤیایی وزیر و همکاران‌شان است. ایشان در تکرارهای اخیر خود وعده داده است که ایران به‌زودی در سطحی بالاتر از کشاورزی کشورهای غرب آسیا قرار خواهد گرفت. در این مقایسه تأمل‌انگیز جز ترکیه، ۱۵ کشور دیگر از قبیل قطر، یمن، کویت، سوریه و... به لحاظ محدودیت‌های سطح، آب، خاک و پارامترهای اقلیمی، ظرفیت ناچیزی برای توسعه کشاورزی داشته و برتری کشورمان بر آنها اساسا مزیتی به حساب نمی‌آید. در قیاس با کشور ترکیه هم به نظر می‌رسد وزیر محترم عمدتا از آرزوهای‌شان گفته‌اند که مجال دیگری را می‌طلبد. گرچه انتشار گزارش‌ها از تخلفات مالی هر دستگاه اجرائی از اصلی‌ترین رسالت رسانه‌ها به شمار می‌آید؛ اما انتظار می‌رود که در پرداختن به این قبیل کاستی‌ها، از زیان‌های نجومی در ناپایداری منابع تجدیدناپذیر نیز غافل نشوند. بدون‌تردید محدودکردن نقد مدیریت‌ها به این نوع تخلفات مالی چه بسا ارزیابی از خطاهای این وزارت در حفظ منابع و به بهانه امنیت غذایی را به انحراف بکشاند. برای اثبات این مدعا توصیه می‌شود که گزارش‌های این مدیریت از فعالیت‌های یک‌ساله اخیر خود مورد بازخوانی قرار گیرد. در این گزارش‌ها برنامه‌های حفظ منابع تولید و پایبندی به کشاورزی پایدار به حاشیه رفته و تنها شوق دستیابی به افزایش‌های کمی و البته ناپایدار به چشم می‌خورد تا که به نظر خود ثابت کنند که گذشتگان بر خطا بوده و مبدأ رونق کشاورزی از آغاز جلوس آنان بر کرسی مدیریت این بخش بوده است. به‌عنوان مثال مواردی از قبیل فرسایش سالانه دو میلیارد تن خاک و به ارزش هر تن ۳۰ دلار یا تخریب عرصه‌های کم‌نظیر و گران‌بها در جنگل‌های هیرکانی و... در گزارش‌های این وزارت به حاشیه می‌رود. اگر اولویت حفظ منابع تولید مقدم بر شتاب بی‌توجیه برای تولید بود و تنها ۱۰ درصد از سرعت فرسایش خاک کنترل می‌شد، سالانه حداقل شش میلیارد دلار در کیسه تهی‌شده نسل‌های آینده ذخیره می‌شد که بسیار بیشتر از ۷۰۰ میلیون دلار در کوتاژ صوری اشاره‌شده است. ای کاش نگاه مسئولانه رسانه‌ها و فراتر از توجه به تخلفات روزمره‌ای از قبیل کوتاژ صوری به پیامدهای نابودی منابع تجدیدناپذیر تولید نیز جلب شود؛ غفلت‌هایی که مانند موریانه از درون می‌خورد و زمانی صدای فروریختنش را می‌شنویم که دیگر مجالی برای جبران فراهم نیست.

Pishkhan.com

بانک صادرات ایران

آگهی شناسایی پیمانکار

بانک صادرات ایران در نظر دارد نسبت به شناسایی پیمانکاران ساختمانی ذی‌صلاح در تمامی رشته‌ها (اعم از جزء و یا دارای رتبه‌بندی) اقدام کند.
لذا در صورت تمایل، اعلام آمادگی کتبی خود را به همراه مدارک مثبته به شرح ذیل (ترجیحاً در قالب فایل PDF) به اداره کل امور مهندسی و ساختمان بانک صادرات ایران به نشانی تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان مفتح، شماره ۸۵، ساختمان برج سپهر، طبقه ۵، اتاق ۱۰، کدپستی (۱۵۷۱۸۳۸۷۱۳) ارائه نمایند.
تلفن تماس برای کسب اطلاعات بیشتر و پاسخگویی به سوالات: ۸۸۸۳۲۹۰۴-۰۲۱

اسناد و مدارک مورد نیاز شرکت‌ها (اشخاص حقوقی):
۱- اسناد و مدارک ثبتی شرکت به انضمام گواهینامه صلاحیت پیمانکاری
۲- رونوشت برابر اصل اساسنامه و آگهی روزنامه رسمی و آخرین تغییرات شرکت، کپی کارت اقتصادی، کپی شناسنامه و کارت ملی دارندگان امضای مجاز
۳- رزومه کاری حداکثر تا ۵ سال گذشته

اسناد و مدارک مورد نیاز پیمانکاران (اشخاص حقیقی):
۱- رزومه کاری حداکثر تا ۵ سال گذشته
۲- تصویر شناسنامه و کارت ملی

***اعلام آمادگی شرکت‌ها، هیچ‌گونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.**

خبر ویژه

شرایط فروش نقدی محصولات شرکت سیباموتور اعلام شد

شرکت سیباموتور در راستای نیاز مشتریان اقدام به ثبت‌نام نقدی دو محصول خود کرده است. شرکت سیباموتور اعلام کرده در راستای نیاز مشتریان، شرایط ثبت‌نام نقدی محصولات خود را با قیمت قطعی و ظرفیت محدود به صورت آنلاین از ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه مورخ ۱۴۰۱/۶/۲۸ تا ساعت ۱۶ همان روز یا تا زمان تکمیل ظرفیت فراهم خواهد کرد.

در این طرح کشنده تک‌محور CA۴۱۸۰ به قیمت ۲۵,۹۳۵,۰۷۰,۰۰۰ ریال و کشنده جفت‌محور CA۴۲۵۰ به قیمت ۲۶,۵۸۵,۷۴۱,۰۰۰ ریال به فروش می‌رسند. هر کدملی یا شناسه ملی مجاز به ثبت‌نام یک دستگاه از این بخش‌نامه است و تحویل خودروها نیز هفته سوم آبان است.

شرکت سیباموتور شروطی را مطابق موارد مندرج در قواعد و ضوابط بخش‌نامه مربوطه قرار داده است که در صورت ثبت‌نام مغایر با شروط مندرج در قواعد و ضوابط بخش‌نامه، ثبت‌نام متقاضی از سوی شرکت سیباموتور به صورت یک‌طرفه فسخ خواهد شد و وجه واریزشده به حساب مبدأ مسترد خواهد شد.

آن دسته از عزیزانی که متقاضی ثبت‌نام هستند، می‌توانند به آدرس http://Bahman.iranecar.com مراجعه و برای ثبت‌نام اقدام کنند.

فروش نقدی محصولات شرکت سیباموتور

نوع محصول	قیمت محصول	سود انصراف (سالانه)	مدل	موعد تحویل	رنگ قابل عرضه
کشنده تک محور CA۴۱۸۰	۲۵,۹۳۵,۰۷۰,۰۰۰	٪۱۲	۱۴۰۱	هفته سوم آبان ماه ۱۴۰۱	سفید
کشنده جفت محور CA۴۲۵۰	۲۶,۵۸۵,۷۴۱,۰۰۰				

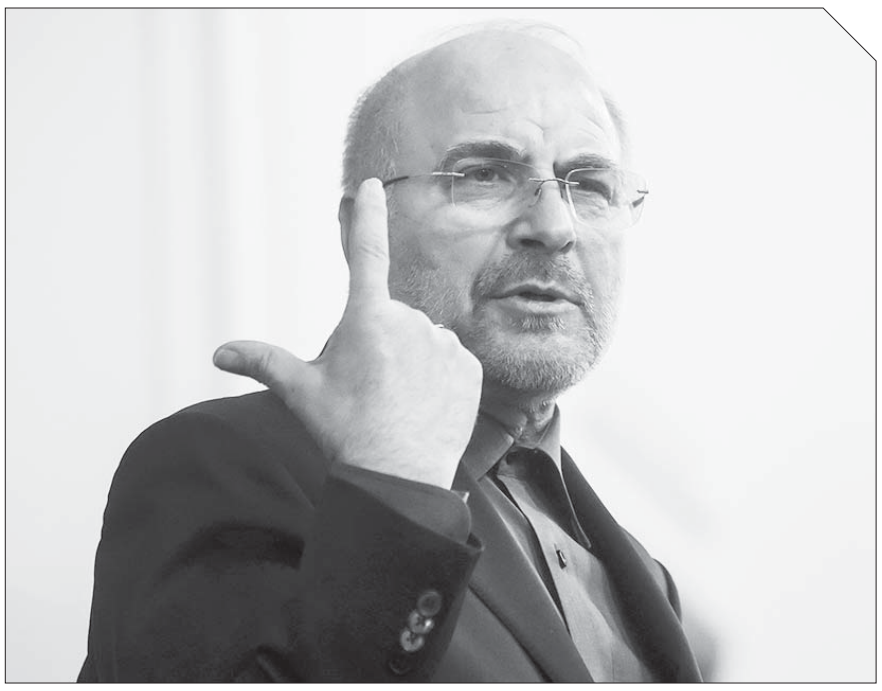

مدیران وعده پیگیری و ارائه گزارش دادند

قول مسئولین

شرق: خبر فوت مهسا امینی، دختر ۲۲ساله سنندجی که توسط گشت ارشاد بازداشت و برای گذراندن کلاس توجیهی حجاب به وزرا برده شده بود، تا حدی تکان‌دهنده است که در دو روز گذشته همه اخبار دیگر را تحت‌الشعاع قرار داده و همدردی و واکنش جمعی اجتماعی را به دنبال داشته است. شاید به دلیل همین حساسیت ایجادشده در جامعه است که سران قوا در کمترین زمان ممکن، دستور رسیدگی و پیگیری موضوع را به مسئولان مربوطه صادر کردند.

به دنبال انتشار خبر فوت «مهسا امینی» که در پی بازداشت از سوی گشت ارشاد دچار حادثه شد و به کما رفت، ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور که برای شرکت در اجلاس سران شانگهای در ازبکستان به سر می‌برد، به وزیر کشور دستور داد حادثه پیش‌آمده را پیگیری و بررسی کند.

پس از دستور پیگیری رئیس‌جمهور، احمد وحیدی، وزیر کشور، در گفت‌وگو با شبکه خبر با تأکید بر عزم زیرمجموعه متبوعش برای بررسی علت فوت این شهروند، اعلام کرد: «به وزارت بهداشت و پزشکی قانونی دستور داده شد علت فوت را پیگیری کنند، همچنین از فراجا خواسته شد دلایلی که موجب حادثه شده است را جمع‌آوری نمایند و معاون امنیتی وزارت کشور هم مسئول نظارت بر روی این موضوع شد». وزیر کشور بخش زیادی از علت روشن‌شدن مسئله را در گرو بررسی علائم پزشکی منتهی به این مرگ دانست.

او با تأکید بر رعایت دقت در اظهارنظرها درباره علت وقوع این حادثه، گفت: «ممکن است مسائل در این شرایط مبهم و غیرصحیح مطرح شود که درست نیست، باید دقت لازم صورت گیرد، کار بررسی علت این حادثه دنبال می‌شود و ما در این زمینه حتی از استانداری تهران به جهت اینکه حادثه در استان تهران اتفاق افتاده خواسته‌ایم همکاری کنند و همه دستگاه‌ها دنبال این هستند علت فوت مشخص شود که به محض مشخص‌شدن به اطلاع مردم خواهد رسید».

انتشار تصاویر ویدئویی ادعایی پلیس از احتمال «سکته» مهسا امینی

پلیس تهران روز پنجشنبه در پیامی سکته قلبی مهسا امینی پس از دستگیری توسط یکی از گشت‌های پلیس را تأیید کرد و توضیح داد: «خانمی برای توجیه و آموزش به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ هدایت شده بود که ناگهان در جمع سایر افراد هدایت‌شده به‌طور ناگهانی دچار عارضه قلبی شد». پس از آن هم پلیس ویدئویی از دوربین مداربسته مرکز گشت ارشاد که مهسا امینی در آن حضور داشت، منتشر کرد و دلیل این اتفاق را سکته قلبی و مغزی اعلام کرد!

واکنش سخنگوی دولت به مرگ مهسا امینی

علی بهادری‌جهرمی، سخنگوی دولت، از جمله دیگر مسئولان دولتی بود که در پیامی توییتری به مرگ مهسا امینی واکنش نشان داد و نوشت : «درگذشت غم‌انگیز خانم مهسا امینی را به خانواده آن مرحومه، به‌ویژه پدر و مادر داغدارش، تسلیت عرض می‌کنم. تلخی برخی اتفاق‌ها به‌راحتی فراموش نمی‌شود...».

ورود مجلس به ماجرا

به دنبال دستور رئیس‌جمهور برای پیگیری، محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس هم در پیامی ضمن ابراز تأسف بابت «اتفاق تلخ اخیر برای یکی از بانوان در یکی از بخش‌های پلیس تهران» کمیسیون امور داخلی کشور و شوراها را مأمور رسیدگی به اتفاق رخ‌داده برای مهسا امینی کرد. قالیباف به این کمیسیون مأموریت داد «تمامی ابعاد این موضوع را با قید فوریت و دقت» بررسی کند.

پس از ایجاد شائبه و اخبار ضدونقیض از دلیل فوت مهسا امینی و احتمال درگیری گشت ارشاد با متوفی، در فضای مجازی و رسانه‌های داخلی و خارجی، جلال رشیدی‌کوچی، نماینده مرودشت در مجلس که پیش از این مواضع او در قبال حقوق شهروندی، در مواجهه با رفتار نامتعارف گشت ارشاد با یک زوج ورزشکار که منجر به تیراندازی به شوهر زن شده بود، روشن است، از رئیس مجلس درخواست تشکیل جلسه فوری برای کمیسیون امور داخلی کشور با حضور وزیر کشور، مسئولان فراجا و وزارت بهداشت داد تا ابعاد این ماجرا به‌صورت دقیق بررسی شود. همچنین از قالیباف درخواست کرد در این زمینه «کمیته حقیقت‌یاب» تشکیل شود.

این عضو کمیسیون شوراها و امور داخلی کشور همچنین در واکنش به این موضوع در توییتی نوشت: «حتما این موضوع را به‌صورت ویژه پیگیری خواهیم کرد و نتیجه‌اش را شفاف به مردم خواهم گفت. هیچ‌جای قانون ما این اجازه را نداده است که یک فرد را برای تذکر حجاب یا تنبیه مورد ضرب‌وشتم قرار دهند. اگر این ادعا صحت داشته باشد، چرا باید چنین اتفاقی بیفتد و چه نسبتی بین این حوادث و رفتار بزرگان انقلاب وجود دارد؟».

تشکیل «کمیته حقیقت‌یاب» در مجلس

پس آن خبر رسید که کمیسیون قضائی مجلس برای بررسی ابعاد و علل فوت مهسا امینی با هماهنگی رئیس قوه قضائیه کمیته حقیقت‌یاب تشکیل داده است.

موسی غضنفرآبادی، رئیس کمیسیون حقوقی و قضائی مجلس هم طی گفت‌وگویی با اشاره به تشکیل کمیته حقیقت‌یاب دراین‌باره گفت: «اتفاقی که افتاد سبب تأثر همه ما شده است و خانم امینی مانند بچه‌های ما و دخترهای ماست و خبر فوت او همه ما را متأثر کرده است. پس از این اتفاق همه مسئولین نسبت به حادثه واکنش نشان دادند، رئیس‌جمهور دستور داد و رئیس قوه قضائیه هم همین‌طور و دیگر مسئولان ارکان قضائی هم پیگیری‌هایی داشتند و دادستانی تهران و دادگستری کل هم دستورات پیگیری موضوع را صادر کردند».

او افزود: «ما هم به‌عنوان کمیسیون قضائی مجلس لازم می‌دانیم ابعاد این موضوع را مورد بررسی قرار دهیم و در قبال کسی که در این موضوع تقصیری و یا قصوری را مرتکب شده باشد با رعایت شرایط و ضوابط قانونی وظایف خود را انجام خواهیم داد».

حسن نوروزی، نایب‌رئیس کمیسیون قضائی مجلس هم دراین‌باره گفت: «کمیسیون حقوقی و قضائی به اعتبار وضعیت همیشگی خود مبنی بر کارِ کارشناسی هیئت حقیقت‌یابی را تشکیل خواهد داد و این هیئت موضوع حادثه منجر به فوت خانم امینی را بررسی دقیق خواهد کرد. ضمن عرض تسلیت درگذشت مرحومه امینی به خانواده ایشان، حتما حادثه را بررسی دقیق خواهیم کرد».

نوروزی درباره ترکیب این کمیته حقیقت‌یاب گفت: «کمیته حقیقت‌یابی که از سوی کمیسیون قضائی باید تشکیل شود متشکل است از پزشکی قانونی، حفاظت اطلاعات قوه قضائیه و مسئولین امنیتی تا مشخص شود که موضوع از چه قرار است».

علاوه بر نمایندگان فوق، محسن پیرهادی، نماینده مردم تهران در مجلس هم که پیش‌ازاین نسبت به رفتار خشن گشت ارشاد درباره حجاب زنان به سردار حسین اشتری، فرمانده محترم کل نیروی انتظامی نامه نوشته بود و متذکر شد: «قانون نباید به روندی برای تخریب یا تعرض به جایگاه شماری از زنان کشور بدل شود یا مستمسکی برای بهانه‌جویی معاندان نظام و مدافعان دروغین حقوق زنان در خارج از مرزها قرار گیرد...»، بازهم در واکنش به اتاق اخیر در یادداشتی نوشت: «خود را به‌عنوان نماینده مردم در خانه ملت، مکلف و موظف به پیگیری فوت مهسا امینی می‌دانم و باور دارم اطلاع از چرایی و چگونگی بروز این خسران، حق مردم است...». جلیل رحیمی‌جهان‌آبادی هم از جمله اولین نمایندگانی است که نسبت به این اتفاق تلخ موضعی توییتری گرفت و نوشت: «جماعتی که نظر را حرام می‌گویند/ نظر حرام بکردند و خون خلق حلال/ مهمان عزیز سنندجی زنده بمان، مرگ سهم تو نیست. حق ما مسئولانی است که این‌گونه ارشاد و هدایت را می‌بینیم و ساکتیم! پاشو دختر ایران ظلم ابدی نیست».

خبر مهم رئیس دادگستری تهران درباره پرونده مهسا امینی

علاوه بر مواضع مسئولان دولتی و مجلسی، به گزارش مرکز رسانه قوه قضائیه، رئیس کل دادگستری تهران هم درباره اتفاق اخیر به مردم وعده روشنگری و پیگیری داد و گفت: «مردم شریف مطمئن باشند قوه قضائیه و مدعی‌العموم پیگیر موضوع فوت مهسا امینی هستند و این پرونده به‌صورت ویژه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت». القاصی‌مهر پس از صدور دستور بررسی پرونده علت فوت مهسا امینی در هیئت نظارت بر حفظ حقوق شهروندی، از نماینده تعیین‌شده وزیر کشور و کارگروه مربوطه در پزشکی قانونی خواست در اسرع وقت گزارش‌ها و جمع‌بندی‌های خود را به قوه قضائیه ارسال کنند.

اطلاعیه سازمان پزشکی قانونی کشور درخصوص فوت مهسا امینی

سازمان پزشکی قانونی کشور هم طی بیانیه‌ای ضمن تسلیت به خانواده مهسا امینی، به‌منظور تنویر افکار عمومی و آگاه‌سازی جامعه، اطلاعیه‌ای از روند رسیدگی به این پرونده صادر کرد و نوشت: «اداره کل پزشکی قانونی استان تهران بلافاصله پس از دستور دادستان محترم تهران جهت رسیدگی ویژه این پرونده نسبت به اعزام همکاران مجرب این سازمان و معاینه دقیق ایشان در بیمارستان اقدام نمود که در حین فرایند تشکیل کمیسیون تخصصی، خبر درگذشت وی واصل شد. به محض اطلاع از وقوع فوت متوفیه و در پی دستور مقام محترم قضائی با تشکیل یک تیم مجرب از کادر متخصصان پزشکی قانونی، پس از انتقال پیکر فوت‌شده به سالن تشریح مرکز تشخیصی و آزمایشگاهی استان تهران، نسبت به معاینه ظاهری و کالبدگشایی پیکر متوفیه اقدام شد. در رسیدگی به این پرونده بررسی دقیق و کاملی در معاینه و کالبدگشایی صورت گرفت و تمامی معیارها و شاخص‌های تعیین علت فوت، معاینه ظاهری و اعضای داخلی بدن انجام و نمونه‌های لازم از بافت‌ها و اعضای داخلی بدن برداشته و به آزمایشگاه‌های تخصصی ارسال شد تا به مجرد حصول نتایج آزمایشات ارسالی و با درنظرگرفتن نتایج معاینات و کالبدگشایی انجام‌شده، مندرجات پرونده بیمارستانی و سوابق پزشکی نام برده و همچنین اخذ نظریه تخصصی رشته‌های مورد نظر در قالب کمیسیون پزشکی ویژه‌ای که به دستور دادستان محترم در اداره کل پزشکی قانونی استان تهران تشکیل شده است، متعاقبا نسبت به تعیین علت فوت اقدام و نتیجه به مقام محترم قضائی ارسال شود».

پایان تلخ مهسا امینی

مهسا امینی دختر ۲۲ساله‌ای است که روز چهارشنبه از سوی نیروهای گشت ارشاد بازداشت شد. به دنبال آن اعلام شد وی همان روز دستگیری در بازداشتگاه وزرای تهران سکته کرده و به بیمارستان کسری منتقل شده است که در کما به سر می‌برد. اما به دنبال موجی از اعتراضات و واکنش‌ها و اخبار ضدونقیض از نحوه به‌کمارفتن او، روز پنجشنبه خبر رسید که میهمان جوان سنندجی درگذشت! خبری که خانواده او را به این واکنش واداشت که «از کسی نمی‌ترسیم؛ شکایت می‌کنیم».

روزنه

۱۰ توصیه راهبردی رئیس مرکز پژوهش‌ها برای ارتقای سرمایه اجتماعی

رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس در راستای ضرورت ارتقای سرمایه اجتماعی در جامعه امروز ایران اسلامی، ۱۰ توصیه راهبردی ارائه کرد.

به گزارش روابط‌عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، بابک نگاهداری، رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۰ توصیه راهبردی جهت ارتقای سرمایه اجتماعی در جامعه امروز ایران اسلامی پیشنهاد داد.

این ۱۰ توصیه به شرح زیر است؛

۱- به علت برخی از ناکارآمدی‌ها و تخریب سنگین رسانه‌های معاند انقلاب، پنداشت مردم نسبت به وضعیت اعتماد عمومی، مشارکت اجتماعی، رعایت هنجارهای اخلاقی و عدالت و برابری نیاز به ارتقا و بهبود دارد تا از ایجاد اصطکاک در زنجیره عملکردی نظام اجتماعی، گسترش قانون‌گریزی و اخلال در نظم عمومی جلوگیری به عمل آید.

۲- مشارکت اجتماعی در سطح خرد و انسجام اجتماعی در سطح میانی و کارآمدی در سطح کلان، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری سرمایه اجتماعی در جامعه امروز ایران دارند.

۳- احساسات مردم در حمایت از اقدامات نظام در افزایش اقتدار منطقه‌ای، دیپلماسی عزتمندانه، دفاع از دستاوردهای علمی، فناوری و ورزشی، حمایت از تمامیت ارضی و مقابله با تجزیه‌گرایی و قوم‌گرایی، مقابله با برچسب و تهمت بیگانگان به نمادهای ملی و ارزشی و پاسداشت مناسک مذهبی در وضع مطلوب و قابل‌اتکایی برای افزایش انسجام و سرمایه اجتماعی قرار دارد.

۴- افزایش اعتماد عمومی به رسانه‌های انقلاب به‌ویژه رسانه ملی زمینه‌ساز مدیریت اثربخش و هدایت انتقادات به سمت سازندگی اجتماعی و سیاسی و جلوگیری از انحراف آن به‌سوی اعتراضات سیاسی و آشوب‌های اجتماعی است. شکل‌گیری و تقویت تصمیم‌گیری‌های گفت‌وگویی و اقناعی رسالت مهم رسانه‌های جبهه انقلاب است.

۵- میزان همراهی جامعه با تصمیمات تابع کیفیت حکمرانی است تا جامعه خود را در کنار حاکمیت به‌صورت «ما» ببیند. تحقق شایسته‌سالاری و جایگزینی نخبه‌پروری به‌جای حامی‌پروری در نظام مدیریتی کشور، شاه‌کلید ارتقای کیفیت حکمرانی است.

۶- ارتقای شفافیت، مبارزه نهادینه و مستمر با فساد و رفع تعارض منافع و پرهیز از اقدامات افشاگرانه غیرواقعی با اغراض سیاسی در سطح افکار عمومی، نقش بسیار مؤثری در افزایش سرمایه اجتماعی دارد.

۷- رضایت و همراهی گروه‌های مرجع و جوامع مختلف نخبگان در حوزه‌های مختلف در همراه‌سازی جامعه و شکل‌گیری کنش جمعی برای پیشرفت کشور و تحقق حکمرانی کارآمد بسیار مؤثر است. نباید با اقدامات قهری، تصمیم‌گیری‌های غیرکارشناسی و دفعی، اسباب رنجش و کاهش تعلق خاطر آنها را فراهم کرد.

۸- شایسته است مجلس انقلابی با درنظرگرفتن منافع گروه‌های اجتماعی آسیب‌پذیر در قوانین، تصویب قوانین در راستای ارتقای مشارکت، نشاط و تحرک اجتماعی زنان و جوانان و رفع تبعیض‌های احتمالی جنسیتی و قومیتی، تصویب قوانین ارتقای شفافیت، مبارزه با فساد و رفع تعارض منافع و گردش آزاد اطلاعات برای ارتقای سرمایه اجتماعی تلاش کند.

۹-توصیه می‌شود دولت انقلابی با تقویت هماهنگی نهادها و نیروهای حاکمیتی برای خروج از مواضع بحران، کاهش بوروکراسی در نهاد دولت برای رفع و دفع بحران، فراهم‌سازی فرصت‌های شغلی، اقتصادی، آموزشی و بهداشتی برای گروه‌های مختلف اجتماعی، شایسته‌سالاری و به‌کارگیری نخبگان در مناصب سیاست‌گذاری و مدیریتی، تقویت نهاد دولت با هوشمندسازی رفع تعارض منافع و شفافیت و رفع تداخلات و ناهماهنگی‌ها، تقویت رابطه دولت با نیروها و ظرفیت‌های اجتماعی، نظارت دقیق بر بنگاه‌های اقتصادی وابسته به دولت و ارزیابی پیشین تأثیرات اجتماعی اقدامات و برنامه‌های خود با پیوست فرهنگی و اجتماعی به تقویت سرمایه اجتماعی حاکمیت مبادرت ورزد.

۱۰- قوه قضائیه می‌تواند با بازنگری در برخی ضوابط قضائی و حقوقی در راستای رسیدگی به انواع تخلفات و فرایندهای تولید رانت در نظام حکمرانی، تمرکز ویژه برای مبارزه با فساد، اجرائی‌شدن دقیق اصل ۱۴۲ قانون اساسی در رسیدگی به اموال مسئولان، تسریع در رسیدگی به دعاوی و پرهیز از اطاله دادرسی‌ها با بهره‌مندی از رویکردها و فناوری‌های نوین نقش‌آفرینی مؤثری در ارتقای سرمایه اجتماعی داشته باشد.

پیشخوان Pishkhan.com

آگهی دعوت از سهامداران شرکت حمل ونقل مهتاب (بامسئولیت محدود)

بدینوسیله ازکلیه سهامداران محترم شرکت حمل ونقل مهتاب/مسئولیت محدود با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۲۶۳۹۴ و شماره ثبت ۹۸۶۳۳ دعوت به عمل می آید، تا در جلسه مجمع عمومی (عادی بطور فوق العاده)که در مورخ ۱۴۰۱/۰۷/۰۹ روز شنبه در ساعت ۱۰ صبح در محل شرکت واقع در شهرستان ری بخش کهریزک بلوار غدیر قدیم قم بعداز شصت متری شورآباد مقابل خروجی واوان (کد پستی ۱۸۱۸۱۳۳۴۷۵) تشکیل خواهد شد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق العاده :

انتخاب و تعیین هیئت مدیره

تعیین دارندگان حق امضاء

هیئت مدیره شرکت

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قائم شهر

نظر به دستور مواد ۱ و ۲ قانون تعیین تکلیف وضعیت اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب۱۳۹۰/۹/۲۰ ،املاک متقاضیانی که در هیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر در واحد ثبتی قائم شهر مورد رسیدگی و تصرفات مالکانه و بلا معارض آنان محرز و رای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی می گردد.املاک متقاضیان واقع در قریه سید محله پلاک ۲۱ اصلی بخش ۱۶ ۷۹۶۵فرعی بنام دولت جمهوری اسلامی ایران با نمایندگی وزارت آموزش وپرورش به شناسه ۱۴۰۰۰۲۹۰۱۹۵ نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین که دران احداث بناشده است که سه دانگ عرصه وقف می باشد تجمیع با پلاک ۶۳۴ فرعی از ۲۱ اصلی بخش ۱۶ به مساحت ۱۳۵۸/۱۴ مترمربع خریداری بدون واسطه از اقای حاج عبدالعلی قاسمی مالک رسمی .لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق این روزنامه محلی اکثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی، رای هیات الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد با معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست. بدیهی است برابر ماده ۱۳ آئین نامه مذکور در مورد قسمتی از املاکی که قبلا اظهار نامه ثبتی پذیرفته نشده، واحد ثبتی با رای هیات پس از تنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب را در اولین آگهی نوبتی و تحدید حدود به صورت همزمان باطلاع عموم می رساند و نسبت به املاک در جریان ثبت و فاقد سابقه تحدید حدود، واحد ثبتی آگهی تحدید حدود را به صورت اختصاصی منتشر می نماید. م الف ۱۳۷۳۹۱۰

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۶/۱۲ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۶/۲۷

یونس قصابی الکفیل اداره ثبت اسناد و املاک قائم شهر

ادامه از صفحه اول

اصرار بر سیاستی مسئله‌ساز

۴- ورود طیف گسترده‌ای از چهره‌های شناخته‌شده در سطح ملی به موضوع ازجمله سیاست‌مداران، ورزشکاران، هنرمندان، نویسندگان و برخی روحانیون نشانه حساسیت وجدان جمعی به رویداد منتهی به فوت خانم امینی و اصل موضوع گشت ارشاد است. آیا متولیان امر در سیاست‌گذاری صورت‌گرفته دراین‌باره، مطابق با نظر و درخواست اکثریت شهروندان یا اطلاع از افکارسنجی‌های ملی چنین سیاستی را بنیان گذاشته‌اند؟ حتی مشخص نیست نیروهای میدانی نیز چه نظر و ارزیابی‌ای درباره کاری که به نیروی انتظامی محول شده است، دارند؟ آیا اکثریت نیروی میدانی از این روند راضی است؟

۵- از قول ستاد امر به معروف خبری رسانه‌ای شد که ۶۰ درصد زنان کشور حجاب مطابق سلیقه حاکم ندارند. اگر چنین امری درست باشد، آیا روش مواجهه با این پدیده اجتماعی که ابعادی گسترده دارد از طریق گشت انتظامی است؟ آیا پیامدها و کارکردهای گشت ارشاد مورد بررسی دقیق و کارشناسی قرار گرفته است؟

۶- درگذشت خانم ژینا امینی فشار روانی و شوک بزرگی بر بخش مهمی از جامعه ایرانی وارد کرد. استمرار چنین وضعیتی، تاب‌آوری اجتماعی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در کنار مسائل جدی و بزرگی مانند وضعیت معیشت، اقتصاد و بی‌کاری جوانان و مهاجرت نیروی متخصص کشور که این روزها کشور با آن دست‌به‌گریبان است، بروز چنین رویدادهایی می‌تواند کارکردهای دیگری بیابد. افزون بر آنکه حقوق شهروندی نیز در سایه چنین رویکردی با چالش‌های بسیاری روبه‌رو می‌شود. تجدیدنظر در سیاست‌های پرهزینه بخشی از نیازهای حکمرانی است. اصرار بر سیاستی مسئله‌ساز چه کارکردی جز تشدید شکاف‌های موجود در پی دارد؟

حاشیه‌های پررنگ‌تر از متن در سفرهای رئیسی

از طرفی فضای دوقطبی سیاسی در کشور که متأسفانه شخص آقای رئیسی در دو دوره رقابت انتخاباتی در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۴۰۰ در آن پرتأثیر بود، به انتشار حاشیه‌ها ضریب داد و بیم آن می‌رود که سفر قریب‌الوقوع رئیس‌جمهور به نیویورک نیز دستخوش همین بازی‌های سیاسی شود.

۴- سیاست، اخلاق بلد نیست. بزنی می‌خوری. تخریب کنی، تخریب می‌شوی. افشاگری کنی، افشا می‌شوی. درشت‌گویی کنی، همان را می‌شنوی. طعنه بزنی، لغز بارت می‌کنند و... . بسیاری از دولتمردان کنونی حتی در سطح وزیر، تا قبل از خرداد ۱۴۰۰ در بازار مکاره همین بازی‌های سیاسی، طبع‌آزمایی کرده‌اند و حالا از همان‌جایی می‌خورند که زده‌اند و در واقع با فن خودشان خاک شده‌اند و چون «خودکرده را تدبیر نیست»، نمی‌توانند خود را از مخمصه برهانند.

۵- پس برای کاستن از این حواشی چه باید کرد؟ درس اخلاق و توصیه به رعایت مصالح ملی و نظایر آن تأثیر ندارد. ناگزیر باید سیاست را به حد اعلای حرفه‌ای خود ارتقا داد.

۶- ارتقا در حوزه سیاست خارجی ضرورتش از بسیاری حوزه‌های دیگر کم‌اهمیت‌تر نیست. وزارت امور خارجه از آن جهت که نیروهایش کمتر تغییر می‌کنند و معمولا کارشناسانش از ابتدا تا انتها در حوزه خاص حرفه‌ای می‌شوند؛ بنابراین خطاهای سهوی در حوزه مأموریت‌شان کمتر اتفاق می‌افتد. پس اگر می‌بینیم در مسکو و سمرقند دو اتفاق ناگوار پیش می‌آید، از دو حال خارج نیست: یا خطای عمد در کار بوده یا افرادی که در سمت مهم تشریفات به کار گرفته شده‌اند، هیچ آشنایی‌ای با این حوزه نداشته‌اند.

۷- با اینکه تشریفات در سفرها بسیار حائز اهمیت است، اما خودش جزئی از دیپلماسی و سیاست خارجی کشور است. وقتی وزارت امور خارجه در سطح کلان دچار ناکارآمدی است، رخدادهایی که می‌تواند به مخدوش‌شدن حیثیت مسئولان کشور، به‌خصوص رئیس‌جمهور بینجامد، کاملا قابل پیش‌بینی است. هم‌اینک موضوعات مهمی مانند بلاتکلیفی در برجام، زمین‌گیربودن سیاست خارجی حتی در تعامل با برخی همسایگان و کشورهای منطقه و نیز بی‌ابتکاربودن در عرصه منطقه و دنیا بر سر وزارت امور خارجه سایه افکنده و اگر چنین روندی ادامه یابد، تبلیغات غربی‌ها برای توسعه ایران‌هراسی و موجه جلوه‌دادن تحریم‌ها به پای سیاست خارجی و وزارت خارجه خواهد پیچید و ناکارآمدی فعلی را مضاعف خواهد کرد.

۸- گذشت یک سال‌واندی از عمر دولت سیزدهم، باید رئیس دولت را متوجه نقایص بزرگ قوه مجریه ازجمله در وزارت خارجه کرده باشد. اگر چنین حس و توجهی به وجود آمده باشد، راه برای ترمیم باقی است وگرنه، نه.

واکنش سیاسیون به مرگ مهسا امینی

درد تا مغز استخوان

شرق: فاجعه مرگ مهسا امینی چنان دردناک و تاثیرناگیر بود که واکنش سریع مردم را در فضای مجازی به‌دنبال داشت. برای اولین‌بار نیز فعالان سیاسی به این موضوع سریع واکنش نشان دادند و به‌تدریج از آن انتقاد کردند که همین عمق حادثه زخم‌داده را نشان می‌دهد. سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات، در واکنش به این حادثه تلخ در توییتر نوشت: «باز هم فاجعه‌ای ناگوار که درد آن تا مغز استخوان را می‌سوزاند! طبق اخبار، دختر خانمی با ادعای پوشش نامناسب بازداشت و در جریان بازداشت و انتقال دچار عارضه قلبی و مغزی می‌شود! آیا این فاجعه و رویدادهای پرتکرار مشابه آن کافی نیست که برای خدا، برای ایروی اسلام و رعایت انتظارات بحق مردم و حال بدی که در تنگناهای معیشتی و مواجهه با انواع فساد‌های ویرانگر و ناکارآمدی‌ها دارند از این شیوه و رفتارهای خلاف قانون، منطق و شرع دست برداشته شود و بیش از این زمینه مشوش‌شدن چهره اسلام و نظام را فراهم نیاورند و با پدیدآوردندگان این حوادث برخورد مناسب صورت گیرد؟!» محمدجواد ظریف، وزیر پیشین خارجه نیز در پیامی درگذشت مهسا امینی را تسلیت گفت و نوشت: «دوستان سلام و تسلیت. به سهم خود شرمنده و عذرخواهم و از زبان مولانا به خودم می‌گویم. شیر را بچه هم ماند بد؛ تو به پیغمبر به چه مانی بگو». اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت حسن روحانی نیز در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «تا به حال گزارش‌های تلخ دیگری از برخوردهای نامناسب با زنان و دختران جامعه منتشر شده بود درحالی‌که رعایت کرامت و حرمت انسان، هدف اخلاقی، دینی و قانونی انقلاب و نظام ما بوده است. لازم است رئیس‌جمهور با توجه به وظیفه‌ای که طبق قانون اساسی بر عهده دارد و سوگندی که برای دفاع از مردم خورده است، به این مسئله اهتمام ویژه‌ای بورزد و گزارشی صریح و شفاف از این حادثه و موارد مشابه به مردم ارائه دهد و با عوامل و مقصران آن برخورد قاطع و قانونی صورت گیرد. آنچه مهم است اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی است که این‌گونه رفتارهای غیراخلاقی و غیراسلامی برای همیشه متوقف شود. مردم ولی‌نعمت همه ما و زنان ما مایه فخر اسلام و ایران هستند و دفاع از کرامت و حقوق آنها وظیفه ماست». همچنین حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی پیش از فوت مهسا امینی در پیامی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «بدون شک مسئولان نیروی انتظامی باید به صورت شفاف و دقیق نسبت به آنچه که به نام «توجیه و آموزش» بر این دختر ۲۲ ساله رفته است، پاسخ‌گو باشند. قوه قضائیه نیز با توجه به مسئولیت ذاتی خود و نیز رویکرد دوره جدید که مبتنی بر پیگیری حقوق عامه و پاسخ‌گویی به افکار عمومی عنوان شده است، با مقصران این حادثه تلخ برخورد قـوری و قاطع کند. عدم برخورد بهنگام و قانونی و عدم توقف روندهای معیوبی که هرازچندی موجب بروز حادثه می‌شود، بیم تکرار این قبیل فجایع را بالا می‌برد». آیت‌الله محقق‌داماد نیز در بیانیه‌ای به فوت مهسا امینی واکنش نشان داد و نوشت: «در وقوع این حوادث به دنبال خاطی کشتن و حتی به مجازات خاطیان رده‌های پایین بسنده‌کردن نه درد و سوز عمومی را تسکین می‌بخشد و نه امیدی به عدم تکرار نظیر آن ایجاد می‌کند. زیرا این حوادث معلول است و باید در جست‌وجوی علت‌ها بوده». در ادامه این بیانیه آمده است: «در جامعه‌ای که فسـاد و سوءاسـتفاده و رانت و اختلاس و ارتشـا هر روز خبرش حتی از رسانه ملی به گوش می‌رسد و ارقامش حیرت‌آور است، به‌یقین نهی از منکر معنای دیگری می‌یابد و موارد اهمی خواهد یافت و ترجیح اهم بر مهم روش خردمندان اسـت. تأمین امنیت شـهروندان اصلی‌ترین وظیفه قدرت حاکم اسـت. قـدرت حاکم نمی‌تواند با به‌کارگیری افراد ناآگاه و دادن لقب ارشاد و مرشد به آنان موجبات سلب آسایش گردد. این‌گونه القاب شایسته صالحان علمی و عملی اسـت». آیت‌الله محقق‌داماد در پایان نوشت: «پاسخ‌گوی اصلی در پیشگاه الهی و سپس ملت شریف ایران نسبت به این‌گونه حوادث تلخ کسانی هستند که روزی به نام امربه‌معروف، تهمت و افترا و دروغ‌پردازی و هتک حرمت و سـلب کرامت و حقوق انسـانی را حلال و مجاز و حتی فریضه دانسـتند و از این رهگذر عالمان را ملجم و جاهلان را مکرم سـاختند. ربنا و علیک توکلنا و الیک انبنا و الیک المصیر». آیت‌الله بیات‌زنجانی هم در پیامی به این حادثه تلخ اشـاره کرد و نوشـت: «مجموعه رفتارها و وقایعی که موجب این اتفاق ناگوار و تأسـف‌برانگیز شده، هم غیرقانونی اسـت، هم غیرعُقلایی است و هم نامشروع. غیرقانونی است از آن حیث که هیچ‌یک از قوانین کشور، ماموریت ارشـاد و تربیت شـهروندان را به پلیس نسپرده است؛ غیرعُقلایی است از آن حیث که تا جایی که می‌دانیم و در تاریخ دیده‌ایم این قبیل تلاش و تقلاهای قهری هیچ‌وقت در هیچ جامعه‌ای موجب گسترش و استقرار پایدار و ماندگار هیچ ارزشـی از ارزش‌های الهی و انسـانی نشده است و نیز غیرمشروع است چون همان‌طورکه بارها گفته‌ام آیه کریمه «لا إکراه فی الدین» با اطلاقی که دارد به صراحت و شفافیت تمام، مؤمنان را از توسعه قهری و ترویج ستم‌کرانه و ظالمانه ارزش‌هایی که آنها را دینی و یا واکنشی می‌پندارند، بازداشـته است. چون این عین تناقض است و تناقض در هیچ‌کجای عالم بقا ندارد». او در پایان پیام خود یادآور شد: «خداوند ان‌شاءالله این دختر عزیزمان را مشمول رحمت واسعه خودش قرار بدهد، به خانواده محترم ایشان صبر و اجر عنایت بفرماید». حجت‌الاسلام عبدالله نوری، وزیر کشور دولت اصلاحات نیز در پیامی عنوان کرد: «از مراجع تقلید و عالمان دینی انتظار می‌رود برای تحقق مسئولیتی که برای دفاع از حقوق مردم بر عهده دارند و نیز برای برپاسـتن دامان دین و روحانیت از چنین اتهامی و خشکاندن ریشه‌های تفکرات جاهلانه و... دسـت از سکوت بردارند و با واکنش صریح، شفاف و قاطع، پیگیری و مجازات آمران و عاملان این اقدامات و فجایع را از دسـتگاه‌های مربوطه طلب کنند». احزاب اصلاح‌طلب هم‌چنین جبهه اصلاحات در بیانیه‌ای به مرگ مهسا امینی اشاره کرده و این موارد را خواستار شدند: «بساط گشت‌های ارشاد که به خشم و نارضایتی عمومی و فاجعه می‌انجامند و ناقض کرامت شهروندان است جمع شود؛ عاملان و آمران این فاجعه محاکمه علنی و محکوم شوند». این جبهه در پایان نوشت: «شرم بر ما اگر چنین مصیبت دلخراشی به اصلاحی ریشه‌ای نینجامد و از مصیبت‌های مشابه پیشگیری نشود». حزب اتحاد ملت نیز در بیانیه‌ای به این اتفاق تلخ واکنش نشان داد و این موارد را خواستار شد: «اول، هرگونه دخالت بی‌مورد نیروهای امنیتی و انتظامی در امور مربوط به خانواده خانم امینی منع گردد و در این شرایط سخت، بر رنج آنها افزوده نشود. دوم، همه آمران و عاملان این رفتار فجیع عزل و در دادگاهی علنی و شفاف و خارج از نوبت، با حضور خبرنگاران محاکمه شوند. سوم، در قانون حجاب اجباری تجدید نظر شود و به حق انتخاب پوشش و اساسا به اینکه مردم ایران با سابقه غنی فرهنگی و دینی خود و براساس ارزش‌هایی که به آن باور دارند، بهتر می‌دانند که چه بپوشند و چه نپوشند احترام گذاشته شـود. چهارم، بسـاط پلیس غیراخلاقی و تنش‌آفرین کشت ارشاد با هر عنوان بی‌مسـمای دیگری جمع شود و مدعیان انقلابی‌گری بدانند که اصل اول انقلاب اسلامی کرامت انسان‌ها و حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش بوده». همچنین حزب ندای ایرانیان در بیانیه‌ای به مرگ مهسا امینی اشاره کرد و نوشت: «ما خواهان اسـتعفای وزیر کشـور و فرمانده نیروی انتظامی به دلیل اهمال در این اتفاق و اتفاقات مشابه هستیم. اگرچه انتظار می‌رفت این افراد پیشـگامانه قدمی برای تغییر روند پرخطای گذشـته بردارند اما اصرار این دو مقام مسئول بر ادامه این روند غلط، باعث ایجاد حس خشـم و نفرت در بخش بزرگی از جامعه شـده اسـت. استعفای این دو مقام مسئول، اقدامی ضروری در همدردی با افکار عمومی و پذیرش اشتباهات اخیر است. توقف «گشت ارشاد و برخوردهای نادرسـت» با زنان و دختران نجیب ایرانی دومین خواسـته حزب ندای ایرانیان از مسئولین و متولیان امر است. تا چه زمانی قرار اسـت این شـیوه‌های غلط و اشـتباه بدون هیچ دستاوردی به مردم، کشـور و نظام سیاسی هزینه تحمیل نمایند؟». در ادامه این بیانیه آمده است: «هر اقدامی تحت پوشش مصالح ملی یا امنیتی برای ایجاد محدودیت و تحت فشار گذاشتن خانواده خانم مهسا امینی، نقض حقوق شهروندی و مصداق آزار و تهدید علیه خانواده رنجدیده‌ای است که حق دارد از حقوق قانونی‌اش برای تظلم‌خواهی استفاده کند. مصلحت ملی و امنیت ملی در این مقطع زمانی، برخورد با مسببان این اتفاق دل‌خراش است نه فشـار و تهدید احتمالی علیه خانواده‌ای دل‌نگران. نیروی انتظامی و مسئولین مرتبط، امروز بایستی شرمنده همه مردمی باشند که قلبشان از تکرار فجایع علیه مهساها به درد آمده است. خانـواده مهسـا امینی بایـد در هر اقدام حقوقی آزاد باشـند و مسـئولین در همه خواسـته‌ها و برنامه‌های آنان به خواسته‌هایشان احترام بگذارند». شورای مرکزی مجمع نیروهای خط امام نیز در بیانیه‌ای نوشت: «بی‌تردید آنچه که در ماه‌های اخیر به نام مبارزه با بی‌حجابی در حال انجام است، روشی به غایت غلط و متأثر از نگاهی متحجرانه به دین و بدبینانه به دیگران و سـخت‌گیرانه درباره جامعه اسـت. سیاست‌هایی که متاسفانه در سال‌های اخیر جز آسیب به کرامت مردم و ترویج بی اعتمادی عمومی و تضعیف ارزش‌های دینی، ثمر دیگری نداشته است. روشن است که در این فقره، دستگاه قضائی و سایر دستگاه‌های مسئول، موظف‌اند مسببان را در هر مقام و موقعیتی به قـوه برسانند. کسانی انتظار، یا‌ثانی بر این روند غلط نخواهد بود و همه دلسوزان و نخبگان و عالمان و فرهیختگان جامعه باید با درایت و تدبیر باید برای مهار و کاهش نفوذ این‌گونه افکار و روش‌ها، چاره‌ای جدی بیندیشند و بدانند که غفلت در این امر، نه تنها نظام جمهوری اسلامی که کیان ملت و ایران عزیز را به خطر خواهد انداخت».

Persianweb.com
Persianweb.com

ژینا، رفته بودی انار بیاوری دانه‌هایت را آوردند...

شرق، گروه جامعه: تام‌ها و داغ‌ها پشت سر هم قطار می‌شوند؛ داغ‌هایی که دیگر بخشی از آیین‌های مردم ایران شده است. اینکه هر روز صبح با یک خبر تلخ از خواب بیدار شوند و تا شب منتظر تکذیب باشند اما اکثرا تکذیبی در کار نیست... این بار هم ملل همیشه بود... اول عکس‌هایش آمد. دختری خوش‌قامت و جوان، با موهای بافته و چشـمانی پر امید به آینده که می‌گفتند با هوشـیاری سـه در بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان کسری بستری اسـت... کمی بعد عکس‌های رنجورش آمد... دختری با چشم‌های بسته، لوله‌های در دهان و صورتی ورم‌کرده که کرد مرگ رویش باشیده بودند... حتی بعد از رسانه‌ای‌شـدن مجرا و اعلام مرگ او، هیچ‌کس دیگر شوکه نشد... چون تصویر دخترکی که روی تخت آرمیده بود، تصویر خود مرگ بود... مردم دروسـت از همان لحظه رسانه‌ای‌شدن این ماجرا، رخت سیاهشان را پوشیدند و شمع‌هایشان را روشـن کردند. حرکس گوشه خانه‌اش خزید و به همه چیزهایی فکر کرد که هر روز کمی‌رنگ‌ترمی‌شـوند... این گزارش دروسـت لحظاتی پس از خاک‌سپاری دختری جوان به نام مهسا (ژینا امینی) نوشته شد و مروری است بر ۷۲ ساعت سیاهی که بر همه ما گذشت...

● عرفج قیدری مطلق

یک روز بعد از واقعه

ساعت ۷:۳۰ صبح روز چهارشنبه، ۲۳ شهریور، برای خبرنگاران گروه اجتماعی «شـرق» پیامی از سوی یکی از کادر بیمارستان کسری رسـید: «دختری جوان، روز گذشـته پس از درگیری با پلیس گشـت ارشـاد در خیابان ولیعصر مرکز مغزی شده و در بیمارسـتان ما و در بخش مراقبت‌های ویژه بسـتری اسـت». خبری که نمی‌شد صحت آن را تأیید کرد یا به راحتی از کنارش گذشـت. اولین اقدام خبرنگار «شرق»، تماس با روابط عمومی نیروی انتظامی بود: تا اطلاعات احتمالی را با خبرنگاران در میان بگذارد. اما مسـئول مربوطه با تأکید بر اینکه قطعا زده و خودری اتفاق نیفتاده و ما در جریان نیسـتیم، تأکید کرد که تا پیش از اعـلام و تأیید نیروی انتظامی هیچ گزارشی منتشر نشود. اما این تازه آغاز کرازدی بود. ترازدی مرگ دختری ۲۲ سـاله برای گردش به تهران آمده بود و چهار روز بعد، جسدش به خاک برگشت.

خبرنگار روزنامه «شرق»، بعد از کفت‌وگو با روابط عمومی نیروی انتظامی، عازم بیمارسـتان کسری شـد. جو هنوز امنیتی نبود، مسئول حراست بیمارسـتان، خبرنگار «شـرق» را به طبقه بالا و بخش مراقبت‌های ویژه راهنمایی می‌کند و می‌گوید که حال مهسا خوب نیست و باید برایش دعا کرد. در طبقه سوم بیمارسـتان کسـری، یک مهسا درحالی‌که به پهنای صورتش اشک می‌ریخت، با تلفن صحبت می‌کرد. چند نفر هم اطراف بخش ایسـتاده بودند و به نظر می‌رسـید که خانواده دختر باشند و البته حراست بیمارسـتان هم حاضر بود. خبرنگار «شرق»، شروع به صحبت‌کردن با مردمی می‌کند که در پشـت بخش منتظر بودند و از وضعیت مهسـا پرس‌وجو می‌کند، یک نفر از ما سؤال می‌کند: «دنبال همان دختری می‌گردید که کشت ارشاد کتکش زد؟ شـما باهاش بودید؟». همان زمان تلفن پدر مهسـا تمام شد و سراغ پدرش رفتیم و درباره واقعه از او پرسـیدیم. پدر مهسـا تازه از هشتگرد آمده بود و گریه می‌کرد و می‌گفت خودش زینی نمی‌داند و واقعه را او می‌شنود. شـوهر سـابق مهسـا خوب نیسـت. همان زمان مادر و برادر مهسـا به فراخا رفته بودند تا شکایت کنند. از او سـؤال کردیم که آیا دوست دیرینه رسانه‌ها به این موضوع بپردازند و پدر گفت: «حتما به داد ما برسید... شما را به خدا دعای ما را برسانید».

خبرنگار «شـرق» با هماهنگی پدر مهسـا، به‌عنوان یکی از اقوام یا بوشیدن کان وارد بخش مراقبت‌های ویژه شـده و بر بالین او حاضر می‌شـود. ما از پرستارانی که مراقب مهسـا بودند، سـؤال کردیم: «چی شـده؟ کشـت زده؟». پرسـتارها درحالی‌که صورت مهسا را تمیز می‌کردند، به هم نگاه کردند و از کنار هم گذشتند. مسئول حراسـت بخش پیش من آمد و گفت، نه! چه زدنی؟ اگر زده بودنش که کبود بود. مهسـا را خیلی کوتاه دیدیم. شـرایط خوبی نبود. چند تانیه بالای سر او بودیم و اجازه عکاسـی به مـا ندادند. بعد از بیرون‌آمدن از بخش دوباره سـراغ پدر مهسـا رفتیم و از او درباره اینکه چه اتفاقی افتاده سـؤال کردیم:... پدر مهسا گفت: «نه دکترها نه مسـئولان چیزی به ما نمی‌گویند». مادربزرگ با نوای کردی و ناله وارد طبقه سـوم شد و پدر مهسـا را در آغوش گشـید... لحظه‌ای که توسط خبرنگار «شـرق» ثبت شد، چند دقیقه بعد با امنیتی‌شدن فضا، ناچار به خروج از بیمارستان شدیم.

بعد از خروج از بیمارسـتان کسری، خبرنگار «شـرق» مجددا با نیروی انتظامی تمـاس می‌گیرد و اصـرار می‌کند که پیش از ورود رسـانه‌های خارجی به ماجرا با مصحبت کنید، بگذارید واقعیت را خودمان منتشـر کنیم». اما آنها مثل همیشـه سکوت کردند تا بعد از علنی‌شدن ماجرا، بیانیه بدهند:...».

آمدیم شکایت کنیم

برادر و مادر مهسـا برای ثبت شـکایت، در همان سـاعات اولیه روز چهارشنبه به فراخا مراجعه کرده بودند. پیش‌تر، برادر مهسا همان روز به خبرنگار «شـرق» گفت: «شرایط مسا خوب نیست. هیچی هم به ما نگفتند. فقط می‌دانیم در آن محوطه این اتفاق افتاده. فقط جای کیودی روی پایش بوده. ما ساکن سنندج بودیم و برای سـفر به تهران آمده بودیم. مهسا ۲۲ ساله رفته است. من زمان دستگیری همراهش بودم». به گفته کیانی، عضو گروه سـنه‌نـو، ماموران کشت ارشاد «مهسا امینی» را در بزرگراه شـهید حقانی تهران دسـتگیر می‌کننـد. ماموران به برادرش «کیـارش» که در محل حاضـر بوده گفتند که مهسـا را برای یک سـاعت کلاس توجیهی و آموزشی به پلیس امنیت اخلاقی در خیابان وزرا می‌برند. دو ساعت بعد، کیارش از پشت درهای بسته پلیس امنیت اخلاقی متوجه می‌شود که خواهرش به کما رفته و با ماشین آمبولانس از ساختمان بزرگ‌ترین اسـت. البته همان زمان دستگیری کیارش تلاش می‌کند که از بردن خواهرش ممانعت کند اما پلیس با کار اسـتاد مانع از این کار می‌شود:...».

با رسانه‌ای‌شـدن ماجرا، قضیه مهسـا ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. فضای بیمارسـتان کسری امنیتی شـد. خانواده او ترجیح دادند سکوت کنند و سـپس دایی مهسا را به عنوان سخنگوی خانواده انتخاب کردند. در همین شرایط بود که کم‌کم زمزمه‌هایی مبنی بر بمباردومن مهسا به گوش رسید. مسئله‌ای که دایی مهسا در گفت‌وگویی آن را تکذیب کرد. عالی، دایی مهسـا، همچنین بعد از خاکسـپاری او به «شـرق» بازیافته رفت: «واقعا شـرم‌آور اسـت برداختن به این مسائل! اصلا نمی‌دانم چرا باید در این زمینه حرف بزنم. آنهایی که چنین ادعایی می‌کنند خودشان خجالت نمی‌کشند. کبریم که این حرف‌ها درست باشد. چه ارتباطی دارد به بلایی که بر سر دختر ما آوردند. مسائل چنان آشکار است که چنین ادعاها و دست‌وپازدن‌هایی هم تاثیری ندارد. به نظرم کسانی که به این مسائل می‌پردازند، سلامت عقلی ندارند».

اولین واکنش رسمی پلیس به فاجعه پیش‌آمده عصر روز پنجشنبه ۲۴ شهریور اتفاق افتاد: «خانمی برای توجیه و آموزش به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ هدایت شده بود که ناگهان در جمع سایر افراد هدایت‌شده، به طور ناگهانی دچار عارضه قلبی شـد». در ادامه توضیحات پلیس تهران آمده اسـت: «بلافاصله این خانم با همکاری پلیس و اورژانس به بیمارسـتان منتقل شـده و تحت درمان و مداوا قرار دارد. مسـتندات مربوطه در این خصوص در اختیار پلیس بود و اخبار تکمیلی در این خصوص متعاقبا اعلام خواهد شد».

مهسا برگشت

دایی مهسا روز جمعه در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق»، ضمن رد ادعای هرگونه بیماری او یا بیان اینکه او هرگز حتی سـردرد نداشت، گفت: «نه پوشش نامناسبی داشـت نه آرایش خاصی، با برادرش بود. میهمان بودند. این دختر آمده می‌شد اول امور به دانشگاه بروند و حالا هم ما می‌دانیم او نمی‌ماند و هم دیگران. شرایطی برای ما ایجاد کرده‌اند که سـاعت‌ها پشت در به جنازه عزیزمان نگاه کنیم و به مادرش دلداری بدهیم. این جنازه چه ماسـت. بچه‌ای که می‌گناه کشته شد. مهسا دختر ما آوردند. مسائل چنان آشکار است که چنین ادعاها و دست‌وپازدن‌هایی هم تاثیری ندارد. به نظرم کسانی که به این مسائل می‌پردازند، سلامت عقلی ندارند».

اولین واکنش رسمی پلیس به فاجعه پیش‌آمده عصر روز پنجشنبه ۲۴ شهریور اتفاق افتاد: «خانمی برای توجیه و آموزش به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ هدایت شده بود که ناگهان در جمع سایر افراد هدایت‌شده، به طور ناگهانی دچار عارضه قلبی شـد». در ادامه توضیحات پلیس تهران آمده اسـت: «بلافاصله این خانم با همکاری پلیس و اورژانس به بیمارسـتان منتقل شـده و تحت درمان و مداوا قرار دارد. مسـتندات مربوطه در این خصوص در اختیار پلیس بود و اخبار تکمیلی در این خصوص متعاقبا اعلام خواهد شد».

مهسا برگشت

دایی مهسا روز جمعه در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق»، ضمن رد ادعای هرگونه بیماری او یا بیان اینکه او هرگز حتی سـردرد نداشت، گفت: «نه پوشش نامناسبی داشـت نه آرایش خاصی، با برادرش بود. میهمان بودند. این دختر آمده می‌شد اول امور به دانشگاه بروند و حالا هم ما می‌دانیم او نمی‌ماند و هم دیگران. شرایطی برای ما ایجاد کرده‌اند که سـاعت‌ها پشت در به جنازه عزیزمان نگاه کنیم و به مادرش دلداری بدهیم. این جنازه چه ماسـت. بچه‌ای که می‌گناه کشته شد. مهسا دختر ما آوردند. بعد از بیرون‌آمدن از بخش دوباره سـراغ پدر مهسـا رفتیم و از او درباره اینکه چه اتفاقی افتاده سـؤال کردیم:... پدر مهسا گفت: «نه دکترها نه مسـئولان چیزی به ما نمی‌گویند». مادربزرگ با نوای کردی و ناله وارد طبقه سـوم شد و پدر مهسـا را در آغوش گشـید... لحظه‌ای که توسط خبرنگار «شـرق» ثبت شد، چند دقیقه بعد با امنیتی‌شدن فضا، ناچار به خروج از بیمارستان شدیم.

بعد از خروج از بیمارسـتان کسری، خبرنگار «شـرق» مجددا با نیروی انتظامی تمـاس می‌گیرد و اصـرار می‌کند که پیش از ورود رسـانه‌های خارجی به ماجرا با مصحبت کنید، بگذارید واقعیت را خودمان منتشـر کنیم». اما آنها مثل همیشـه سکوت کردند تا بعد از علنی‌شدن ماجرا، بیانیه بدهند:...».

آمدیم شکایت کنیم

برادر و مادر مهسـا برای ثبت شـکایت، در همان سـاعات اولیه روز چهارشنبه به فراخا مراجعه کرده بودند. پیش‌تر، برادر مهسا همان روز به خبرنگار «شـرق» گفت: «شرایط مسا خوب نیست. هیچی هم به ما نگفتند. فقط می‌دانیم در آن محوطه این اتفاق افتاده. فقط جای کیودی روی پایش بوده. ما ساکن سنندج بودیم و برای سـفر به تهران آمده بودیم. مهسا ۲۲ ساله رفته است. من زمان دستگیری همراهش بودم». به گفته کیانی، عضو گروه سـنه‌نـو، ماموران کشت ارشاد «مهسا امینی» را در بزرگراه شـهید حقانی تهران دسـتگیر می‌کننـد. ماموران به برادرش «کیـارش» که در محل حاضـر بوده گفتند که مهسـا را برای یک سـاعت کلاس توجیهی و آموزشی به پلیس امنیت اخلاقی در خیابان وزرا می‌برند. دو ساعت بعد، کیارش از پشت درهای بسته پلیس امنیت اخلاقی متوجه می‌شود که خواهرش به کما رفته و با ماشین آمبولانس از ساختمان بزرگ‌ترین اسـت. البته همان زمان دستگیری کیارش تلاش می‌کند که از بردن خواهرش ممانعت کند اما پلیس با کار اسـتاد مانع از این کار می‌شود:...».

با رسانه‌ای‌شـدن ماجرا، قضیه مهسـا ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. فضای بیمارسـتان کسری امنیتی شـد. خانواده او ترجیح دادند سکوت کنند و سـپس دایی مهسا را به عنوان سخنگوی خانواده انتخاب کردند. در همین شرایط بود که کم‌کم زمزمه‌هایی مبنی بر بمباردومن مهسا به گوش رسید. مسئله‌ای که دایی مهسا در گفت‌وگویی آن را تکذیب کرد. عالی، دایی مهسـا، همچنین بعد از خاکسـپاری او به «شـرق» بازیافته رفت: «واقعا شـرم‌آور اسـت برداختن به این مسائل! اصلا نمی‌دانم چرا باید در این زمینه حرف بزنم. آنهایی که چنین ادعاهایی می‌کنند خودشان خجالت نمی‌کنند. کبریم که این حرف‌ها درست باشد. چه ارتباطی دارد به بلایی که بر سر

یک روز بعد از واقعه

ساعت ۷:۳۰ صبح روز چهارشنبه، ۲۳ شهریور، برای خبرنگاران گروه اجتماعی «شـرق» پیامی از سوی یکی از کادر بیمارسـتان کسری رسـید: «دختری جوان، روز گذشـته پس از درگیری با پلیس گشـت ارشـاد در خیابان ولیعصر مرکز مغزی شده و در بیمارسـتان ما و در بخش مراقبت‌های ویژه بسـتری اسـت». خبری که نمی‌شد صحت آن را تأیید کرد یا به راحتی از کنارش گذشـت. اولین اقدام خبرنگار «شرق»، تماس با روابط عمومی نیروی انتظامی بود: تا اطلاعات احتمالی را با خبرنگاران در میان بگذارد. اما مسـئول مربوطه با تأکید بر اینکه قطعا زده و خودری اتفاق نیفتاده و ما در جریان نیسـتیم، تأکید کرد که تا پیش از اعـلام و تأیید نیروی انتظامی هیچ گزارشی منتشر نشود. اما این تازه آغاز کرازدی مرگ دختری ۲۲ سـاله برای گردش به تهران آمده بود و چهار روز بعد، جسدش به خاک برگشت.

خبرنگار روزنامه «شرق»، بعد از کفت‌وگو با روابط عمومی نیروی انتظامی، عازم بیمارسـتان کسری شـد. جو هنوز امنیتی نبود، مسئول حراست بیمارسـتان، خبرنگار «شـرق» را به طبقه بالا و بخش مراقبت‌های ویژه راهنمایی می‌کند و می‌گوید که حال مهسا خوب نیست و باید برایش دعا کرد. در طبقه سوم بیمارسـتان کسـری، یک مهسا درحالی‌که به پهنای صورتش اشک می‌ریخت، با تلفن صحبت می‌کرد. چند نفر هم اطراف بخش ایسـتاده بودند و به نظر می‌رسـید که خانواده دختر باشند و البته حراست بیمارسـتان هم حاضر بود. خبرنگار «شرق»، شروع به صحبت‌کردن با مردمی می‌کند که در پشـت بخش منتظر بودند و از وضعیت مهسـا پرس‌وجو می‌کند، یک نفر از ما سؤال می‌کند: «دنبال همان دختری می‌گردید که کشت ارشاد کتکش زد؟ شـما باهاش بودید؟». همان زمان تلفن پدر مهسـا تمام شد و سراغ پدرش رفتیم و درباره واقعه از او پرسـیدیم. پدر مهسـا تازه از هشتگرد آمده بود و گریه می‌کرد و می‌گفت خودش زینی نمی‌داند و واقعه را او می‌شنود. شـوهر سـابق مهسـا خوب نیسـت. همان زمان مادر و برادر مهسـا به فراخا رفته بودند تا شکایت کنند. از او سـؤال کردیم که آیا دوست دیرینه رسانه‌ها به این موضوع بپردازند و پدر گفت: «حتما به داد ما برسید... شما را به خدا دعای ما را برسانید».

خبرنگار «شـرق» با هماهنگی پدر مهسـا، به‌عنوان یکی از اقوام یا بوشیدن کان وارد بخش مراقبت‌های ویژه شـده و بر بالین او حاضر می‌شـود. ما از پرستارانی که مراقب مهسـا بودند، سـؤال کردیم: «چی شـده؟ کشـت زده؟». پرسـتارها درحالی‌که صورت مهسا را تمیز می‌کردند، به هم نگاه کردند و از کنار هم گذشتند. مسئول حراسـت بخش پیش من آمد و گفت، نه! چه زدنی؟ اگر زده بودنش که کبود بود. مهسـا را خیلی کوتاه دیدیم. شـرایط خوبی نبود. چند تانیه بالای سر او بودیم و اجازه عکاسـی به مـا ندادند. بعد از بیرون‌آمدن از بخش دوباره سـراغ پدر مهسـا رفتیم و از او درباره اینکه چه اتفاقی افتاده سـؤال کردیم:... پدر مهسا گفت: «نه دکترها نه مسـئولان چیزی به ما نمی‌گویند». مادربزرگ با نوای کردی و ناله وارد طبقه سـوم شد و پدر مهسـا را در آغوش گشـید... لحظه‌ای که توسط خبرنگار «شـرق» ثبت شد، چند دقیقه بعد با امنیتی‌شدن فضا، ناچار به خروج از بیمارستان شدیم.

بعد از خروج از بیمارسـتان کسری، خبرنگار «شـرق» مجددا با نیروی انتظامی تمـاس می‌گیرد و اصـرار می‌کند که پیش از ورود رسـانه‌های خارجی به ماجرا با مصحبت کنید، بگذارید واقعیت را خودمان منتشـر کنیم». اما آنها مثل همیشـه سکوت کردند تا بعد از علنی‌شدن ماجرا، بیانیه بدهند:...».

آمدیم شکایت کنیم

برادر و مادر مهسـا برای ثبت شـکایت، در همان سـاعات اولیه روز چهارشنبه به فراخا مراجعه کرده بودند. پیش‌تر، برادر مهسا همان روز به خبرنگار «شـرق» گفت: «شرایط مسا خوب نیست. هیچی هم به ما نگفتند. فقط می‌دانیم در آن محوطه این اتفاق افتاده. فقط جای کیودی روی پایش بوده. ما ساکن سنندج بودیم و برای سـفر به تهران آمده بودیم. مهسا ۲۲ ساله رفته است. من زمان دستگیری همراهش بودم». به گفته کیانی، عضو گروه سـنه‌نـو، ماموران کشت ارشاد «مهسا امینی» را در بزرگراه شـهید حقانی تهران دسـتگیر می‌کننـد. ماموران به برادرش «کیـارش» که در محل حاضـر بوده گفتند که مهسـا را برای یک سـاعت کلاس توجیهی و آموزشی به پلیس امنیت اخلاقی در خیابان وزرا می‌برند. دو ساعت بعد، کیارش از پشت درهای بسته پلیس امنیت اخلاقی متوجه می‌شود که خواهرش به کما رفته و با ماشین آمبولانس از ساختمان بزرگ‌ترین اسـت. البته همان زمان دستگیری کیارش تلاش می‌کند که از بردن خواهرش ممانعت کند اما پلیس با کار اسـتاد مانع از این کار می‌شود:...».

با رسانه‌ای‌شـدن ماجرا، قضیه مهسـا ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. فضای بیمارسـتان کسری امنیتی شـد. خانواده او ترجیح دادند سکوت کنند و سـپس دایی مهسا را به عنوان سخنگوی خانواده انتخاب کردند. در همین شرایط بود که کم‌کم زمزمه‌هایی مبنی بر بمباردومن مهسا به گوش رسید. مسئله‌ای که دایی مهسا در گفت‌وگویی آن را تکذیب کرد. عالی، دایی مهسـا، همچنین بعد از خاکسـپاری او به «شـرق» بازیافته رفت: «واقعا شـرم‌آور اسـت برداختن به این مسائل! اصلا نمی‌دانم چرا باید در این زمینه حرف بزنم. آنهایی که چنین ادعاهایی می‌کنند خودشان خجالت نمی‌کنند. کبریم که این حرف‌ها درست باشد. چه ارتباطی دارد به بلایی که بر سر

آیا عدالت برای زهرا اجرا شد؟

لیلا کی‌رمی*: مهسـا زمانی که با شوق و ذوق باز سفر می‌بست تا چند روزی را در اواخر تابستان با بستکانش در تهران سپری کند، نمی‌دانست سفرش ابدی خواهد شـد. ژینا (مهسا) امینی ۲۲ سـاله که همراه با خانواده از سفر برای دیدار با خویشـاوندان به تهران آمده بود، در نزدیکی ایستگاه متروی «شهید حقانی»، از سـوی ماموران گشـت ارشـاد مورد حجاب در «کلاس توجیهی» بازداشت شـد، اما دو سـاعت بعد، پیکر نیمه‌جان او را در حالی که بـه کما رفته بود، با آمبولانس به بیمارستان منتقل کردند.

در اطلاعیـه پلیس تهران بدون ذکر نام مهسـا آمده اسـت: «خانمی برای توجیه و آموزش به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ هدایت شـده بود که ناگهان در جمع سایر افراد هدایت‌شده به‌طور ناگهانی دچار عارضه قلبی شـد». در ایـن خصوص توضیحات پلیس تهران بزرگ فارس نوشت: «اگر آن طور که ضد انقلاب می‌گوید و این فرد بر اثر شـکنجه که کما رفته، حتما باید با مختفلان و خاطیان برخورد شود و پلیس باید در این زمینه پاسخ‌گو باشد. قطعا مجازات برخورد با بی‌حجابی ضرب و شتم نیسـت. کمااینکه در سابقه پلیس نیز تاکنون گزارشی از برخورد فیزیکی با بی‌حجابان فقط به خاطر بدپوشـی گزارش نشده اسـت». خبر به‌کمافرتن مهسـا احسـاسات عمومی را جریحه‌دار کرده و واکنش‌های پراکنده بلافاید تبلیغاتی خودکشی کرده است.

اما پدر زهرا نیزیعقوب هرگونه احتمال خودکشی زهرا را رد کرده و می‌گفت دخترش نیم‌بسـاعت پس از زمانی که ابتدا به‌عنوان زهرا مکی اعلام شده بود، از درون بازداشـتگاه با برادر خود تماس تلفنی داشته و روحیه او طوری نبوده که بخواهد خودکشی کند. پدر زهرا در مصاحبه‌ای گفته بود: «من رفتم پزشکی قانونی و خودم جسـد دختر نازنینم را دیدم

بررسی جنبه حقوقی در ماجرای مهسا امینی و موارد مشابه آن

مردم در برابر قانونی نانوشته

نسترن فرخه: «دخترکی با مانتویی مشکی و لبخندی ملایم؛ این آخرین تصویر به‌جامانده از مهسا امینی است»؛ دختری که حالا یک روز از خاکسپاری او در آرامستان سقز می‌گذرد. طبق آنچه در این روزها در رسانه‌ها و فضای مجازی منتشر شده است، جلوی متروی حقانی گشت ارشاد او را به اجبار سوار برون می‌کند و با وجود درگیری برادرش با مأموران، مهسا به وزرا می‌رود، ولی بعد از مدتی به دلیل سکته مغزی با آمبولانس راهی بیمارستان کسری می‌شود. البته در این مورد با وجود جوابیه پلیس همچنان ابهامات بسیاری وجود دارد و باید منتظر اظهارات بعدی نهادهای مسئول ماند. این در حالی است که طبق ماده ۲۸ قانون دادرسی کیفری، تعالیم لازم برای حفظ حریم شخصی و حمایت از حقوق شهروندی و صیانت از حق دفاع برای عزت و کرامت شهروندان در وظایف پلیس گنجانده شده، اما همچنان هر چند وقت یک بار شاهد خبرهایی از ضرب و شتم و زیرپاگذاشتن کرامت انسانی افراد توسط گشت ارشاد هستیم. در صورتی که طبق نظر عثمان مزین، وکیل پایه‌یک دادگستری، اگر قانون را ملاک قرار دهیم، اقدام گشت ارشاد یا شاخه‌ای از نیروی انتظامی در احضار افراد کاملا غیرقانونی است.

همچنین طبق ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، برای زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی حاضر شوند، جرم اعلام شده که این وکیل دادگستری در واکنش به آن هم می‌گوید به این نص قانونی هم ایراد وارد است، چون معیار و ملاک برای پوشش، عرف است.

در هر حال بعد از واکنش‌های جامعه به مرگ این دختر، خانواده و شهروندان خواستار انتشار فیلم دوربین‌های مداربسته شدند. در نهایت فیلمی از لحظه ورود مهسا، گفت‌وگویش با یک مأمور زن که گویا چندان آرام نیست و سپس سکته‌کردنش منتشر می‌شود. بعد فیلم کات می‌خورد به صحنه‌ای که نیروهای امدادی از راه می‌رسند. برش بخشی از فیلم و معلوم‌نبودن جزئیات لحظه دستگیری و اتفاقات داخل ون از دیگر ابهاماتی است که در پی انتشار این فیلم ایجاد شده است. عثمان مزین در گفت‌وگو با «شرق» در واکنش به ماجرای انتشار این فیلم می‌گوید: شهروندان حق دارند انتشار فیلم را مطالبه کنند؛ چون از زمان دستگیری فرد، مسئولیت حفظ جان و جسم او با دستگاه دستگیرکننده است و باید بررسی کرد به این دختر جوان با آن مانتوی بلند که واقعا هم پوششی فراتر از حجاب عرفی داشت، در آن چند ساعت چه گذشته که چنین اتفاقی رخ داده است و نباید فقط آن دو دقیقه فیلم را در نظر گرفت.

ملاک پوشش، عرف جامعه است

عثمان مزین، وکیل پایه‌یک دادگستری و عضو کانون وکلای مرکز، در رابطه با ابعاد حقوقی دستگیری و مرگ مهسا امینی، دختر ۲۲ساله سقزی، به «شرق» می‌گوید: دستگیری افراد باید با حکم قضائی انجام شود و بنابراین ضابطین قضائی و پرسنل اداری حق جلب و دستگیری شهروندان را ندارند. ضابطین قضائی، تحت امر دادستان انجام وظیفه کرده و دستورات مقام قضائی را اجرا می‌کنند. صرفا در مواردی که جرائم مشهود جلوی چشم آنها رخ داده باشد، می‌توانند بدون حکم قضائی برای جلوگیری از توسعه جرم و حفظ ادله و آثار آن ورود کنند. اما در مورد جرائمی مثل بدحجابی یا بی‌حجابی، اساسا در قانون این عناوین جرم نیستند و صرفا در ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی آمده که عمل زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی حاضر شوند، جرم اعلام شده که به این نص قانونی هم ایراد وارد است؛ چون معیار و ملاک برای پوشش، عرف است. بر اساس این نص، اگر زن در معابر و انظار عمومی و علنی حجاب شرعی نداشته باشد، مستوجب تعقیب توسط دستگاه قضائی است؛ بنابراین اگر زنی طبق عرف و مقررات عرفی در جامعه تردد کند، اساسا این زن مرتکب جرم نشده و اگر زنی هم بدون حجاب شرعی باشد، ضابطین قضائی حق دخالت ندارند و اساسا گشت ارشاد وظیفه و تکلیفی برای دخالت در نوع پوشش زنان، آن‌هم زنانی که طبق عرف جامعه تردد می‌کنند، ندارد؛ چون با این کار وارد حریم خصوصی افراد شده و آن را نقض می‌کند. متأسفانه با این کار تردد مردم را در پارک‌ها، پاساژها و خیابان‌ها محدود می‌کنند.

گشت ارشاد غیرقانونی است

مزین به وجود گشت ارشاد اشاره و اضافه می‌کند: اگر قانون را ملاک قرار دهیم، اقدام گشت ارشاد یا شاخه‌ای از نیروی انتظامی در احضار افراد کاملا غیرقانونی است؛ چون آنها بدون دستور قضائی فرد را به بازداشتگاه می‌برند و مدتی آنجا نگه می‌دارند. بعد خودشان را در جایگاه مقام قضائی قرار می‌دهند و برای مثال خودروی افراد را به مدت سه هفته توقیف می‌کنند و اجازه استفاده از خودرو را به صاحب آن نمی‌دهند. ساعت‌ها شهروندان را نگه می‌دارند تا پوشش متناسب با سلایق خودشان را بر آنها تحمیل کنند.

بدون آزادی شخصی و سلیقه افراد، آنها را روزهای طولانی مکلف به حضور در کلاس‌هایی می‌کنند که حتی اگر علمی هم باشد، باز با دیدگاه بسیاری از شهروندان سازگار نیست. در واقع از بدو اقدام گشت ارشاد، یعنی دستگیری زنان در خیابان و اماکن عمومی تا پایان آن، ازجمله صدمات و خطرات بسیاری به شهروندان وارد می‌کند و بودجه بسیاری هم صرف این کار می‌شود که هیچ‌کدام انطباقی با قانون ندارد.

واکنش کانون وکلای مرکز

این وکیل درباره اقدام کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای مرکز می‌گوید: کانون وکلا به‌عنوان یک نهاد مستقل از حاکمیت که برآمده از قانون است، می‌تواند در آن جایگاه نقش مؤثری داشته باشد؛ کمااینکه در سال‌های گذشته این نقش را به‌خوبی نشان داده؛ اما متأسفانه چون دولت اجازه حضور و ورود نهادهای مستقل را نمی‌دهد و روزبه‌روز وکلای مستقل را تحت محدودیت قرار می‌دهد، این نقش کانون وکلا بروز پیدا نکرده است. با این اوصاف اگر در نظر بگیریم کانون وکلا از نقش اجتماعی خودش، برای مقابله با کج‌روی و نقض قانون دور مانده، باز هم با استقلال جزئی که از کانون وکلا باقی مانده، وکلای جوان و دلسوز قصد دارند این مسائل را پیگیری کنند. الان هم کانون‌های وکلای کرمانشاه و کردستان موضع‌گیری کرده و ریاست کانون وکلای مرکز هم خواستار بررسی و حمایت از خانواده قربانی این ماجرا شده است. قبل از آن هم کانون وکلا انتقادات خودش را نسبت به برخی از قوانین موجود ازجمله قوانین مربوط به قتل‌های زنان که به بهانه ناموس توجیه می‌شود یا تهدیدات و محدودیت‌هایی را برای زنان ایجاد می‌کردند، نظرات و دغدغه‌های خود را آشکارا به جامعه بیان کرده؛ ولی متأسفانه از آن طرف قضیه گویا گوش شنوایی وجود ندارد. در گوشه و کنار جامعه نقض قانون دیده می‌شود و کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای مرکز هم همه اینها را بیان می‌کند.

تصویب لایحه سابق حقوق زنان فجایع را کم می‌کند

مزین درباره لایحه تأمین امنیت حقوق زنان که همچنان در حال چکش‌کاری و دورشدن از هدف اصلی خود قرار دارد، اضافه می‌کند: لایحه تأمین امنیت زنان، همان‌طور که از نامش برمی‌آید؛ یعنی نصف جامعه که زنان هستند، امنیت مطلوب ندارند. اگر این لایحه، متناسب با همان چیزی که در دولت قبل نوشته شده بود، به مجلس برده شود و از سوی قوه قضائیه و برخی ارگان‌ها که بر آن تأثیرگذار هستند، چکش‌کاری نشود تا از هدف واقعی خودش منحرف نشود، قانونی است که تا حدودی زنان را از وضعیت تبعیض‌آمیز فعلی بیرون می‌کشد. به نظر من اگر این لایحه تصویب شود، شاهد کاهش اتفاقاتی مانند ماجرای خانم شلیر رسولی و مهسا (ژینا) امینی خواهیم بود.

خانواده و شهروندان حق دیدن فیلم کامل را دارند

این وکیل در پاسخ به آنکه آیا خانواده این جوان و دیگر شهروندان حق دارند تا مطالبه انتشار کامل فیلم‌های دوربین مداربسته را داشته باشند؟ می‌گوید: بله، خانواده و دیگر شهروندان حق دارند که این مطالبه را داشته باشند؛ چون از زمان دستگیری فرد مسئولیت حفظ جان و جسم او با دستگاه دستگیرکننده است و باید بررسی کرد که این دختر نوجوان با آن مانتوی بلند که واقعا هم پوششی فراتر از حجاب عرفی داشت، آن چند ساعت بر او چه گذشته، از لحظه ورود ایشان به سالن، تحت فشار روانی یا جسمانی شدید قرار گرفته. ما نباید فقط آن فیلم دو دقیقه‌ای داخل سالن را ببینیم. باید از لحظه دستگیری بدون حکم قضائی ایشان، با فشار داخل ون قراردادن و اتفاقاتی که در داخل ون پیش آمده، برخوردهای هنگام تشکیل پرونده، بی‌خبری خانواده و دیگر فشارهای روحی و روانی وارد بر این دختر را ببینیم که در آخر منجر به این اتفاق شده. حال به تبع آن خانواده اولیای دم این حق را دارد که تمام فیلم‌ها را ببیند و تمام ارگان‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد و دولتی که از حقوق زنان دفاع می‌کنند، حتی معاونت امور زنان یا بهزیستی هم باید به این مسئله ورود کند؛ چون این یک مسئله فردی نیست. مسئله‌ای است که نصف جمعیت جامعه با آن درگیر هستند. حق پوشش این افراد را محدود می‌کنند و این ماجرا فقط متعلق به خانواده امینی نیست. شهروندان حق دارند خواستار پایان‌دادن به این اعمال سلیقه‌های گشت ارشاد باشند. همین حالا هم برخی از مراجع تقلید و علمای دینی از این برخوردها گله دارند و اساسا معیاری برای حجاب افراد قائل نیستند و حجاب را آن چیزی می‌دانند که عرف جامعه می‌پذیرد. وقتی به شکل عرفی خانمی که در خیابان تردد می‌کند و بدحجاب و بی‌حجاب نیست، دستگاهی به اسم گشت ارشاد نباید برای مردم ایجاد محدودیت کند و سلیقه‌های شخصی خود را بر آنها اعمال کند یا با توقیف ماشین به دلیل حجاب منطبق با سلیقه آنان منجر به ضررهای مالی افراد شود، اینها خلاف حقوق انسانی و اخلاقی است.

کانون وکلا برای احقاق حقوق این خانواده پیش می‌رود

محمدصالح نقره‌کار وکیل پایه یک دادگستری عضو کانون وکلای مرکز ضمن ابراز تأسف در ماجرای مرگ مهسا امینی، به تشکیل کمیته حقیقت‌یاب کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای مرکز اشاره می‌کند و می‌گوید: ما در کنار کانون وکلای مرکز هر گونه کمک و خدمتی را که در راستای روشن‌شدن موضوع و احقاق حقوق اولیای دم باشد، پیش خواهیم برد، کانون وکلای دادگستری و هیئت‌مدیره و کمیسیون حقوق بشر کانون هم اعلام آمادگی کردند. اما این موضوع از دو جنبه فردی و اجتماعی قابل بررسی است؛ از حیث فردی، طبیعتا خانواده‌ای که در این وضعیت قرار گرفته‌اند می‌توانند به عنوان اولیای دم حق دادخواهی خود را به مراجع قضائی ابراز کنند و دادستان به عنوان مدعی‌العموم تکالیف قانونی خود را درخصوص این موضوع انجام خواهد داد و از حیث کیفری با توجه به اینکه تحقیقات مقدماتی شروع شده و دادستان تهران هم دستوری برای پیگیری داده، باید این ملاحظه را داشت که روند تحقیقات مقدماتی در این خصوص چگونه پیش خواهد رفت و بازبینی دوربین‌ها، روایت شاهدان عینی، مدارک و مستندات چه دلالتی به ما می‌دهند. باید منتظر ماند تا گزارش کاملی به افکار عمومی داده شود. حائز اهمیت است که چون در بسیاری از کشورها در این موضوعات نهادهای قدرت متهم می‌شوند، نهادهای مستقل هم در آن خصوص به بررسی می‌پردازند و کمیسیون حقوق بشر کانون وکلا هم پیشنهاد کرده کمیته حقیقت‌یاب با حضور وکلای مستقل تشکیل شود تا بتوانند در کنار مرجع قضائی گزارشگری شفاف به افکار عمومی ارائه دهند تا جامعه و این خانواده از التیام این زخم تا حدودی فارغ شوند.

نقره‌کار از باب جنبه اجتماعی این موضوع می‌گوید: از حیث جنبه عمومی این ماجرا سؤال اساسی و مبنایی این است که آیا ضابطان می‌توانند اعمال قدرت و اقتدار و حکمرانی را در جایگاهی استفاده کنند که امنیت شهروندی و امنیت انسانی و اخلاقی و حیات شهروندی ضایع شود؟ که ما در اصول فقه یک قاعده‌ای به نام اولویت داریم. اولویت حق حیات و سلامت و عزت و کرامت شهروندان است و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان طبق قانون اساسی آن را نقض کرد و امروز جامعه با این پرسش مواجه است که اعمال اختیار پلیس که باید در جهت مبارزه با انواع خشونت و ناامنی‌هایی که در جامعه به شدت دیده می‌شود باشد، به درستی اجرا می‌شود؟ از این رو انتظار می‌رود تا پلیس اصلاح سیاست‌گذاری داشته باشد. این وضعیت گشت ارشاد باعث ناخرسندی شهروندان و ناامنی خاطر خانواده‌ها می‌شود و خواسته جامعه این است که این نوع عملکرد آن را متوقف کنند. در این زمینه دادستان‌های سراسر کشور وظیفه دارند تا تکالیف قانونی پلیس را یادآوری کنند. ضمن اینکه ماده ۲۸ قانون دادرسی کیفری تعالیم لازم را به پلیس برای حفظ حریم شخصی و حمایت از حقوق شهروندی و صیانت از حق دفاع از عزت و کرامت شهروندان را در نظر گرفته است.

این وکیل اضافه می‌کند: کانون وکلا با توجه به اینکه یک نهاد صنفی و غیردولتی است و در راستای صیانت از حق دفاع شهروندان شکل گرفته، از ابتدا نقدهای مشفقانه نسبت به طرح امنیت اخلاقی و گشت ارشاد داشته و با وجود قانون آمران معروف و نهی از منکر انتقادهای جدی به نقض حریم خصوصی شهروندان و مداخله در سبک زندگی مردم داشته و از این جهت انذارهایی را در راستای اصلاحات ساختاری و هنجاری مطرح کرده است. درخصوص موضوع حاضر هم بیانیه‌ای از طرف هیئت‌مدیره و کمیسیون حقوق بشر کانون منتشر شده و به دفعات در موضوعات مشابه نیز این نقدهای قانونی با توجه به ماده واحده حقوق شهروندی و مفاد آیین دادرسی کیفری ذیل حقوق اساسی مندرج در فصل ۳ قانون اساسی مطرح شده و از این جهت کانون وکلا رسالت اجتماعی خودش را انجام داده هرچند انتظار می‌رود در سطح کشور این کنش اجتماعی در راستای بهبود بهتر وضعیت حکمرانی و ارتقای امنیت انسانی به شیوه سیستماتیک و هماهنگ محقق شود. به طور مشخص کمیسیون حقوق بشر کانون وکلای دادگستری پیگیر این موضوع است و امیدواریم طی روزهای آینده با دعوت نهادهای مذکور و حقوق‌دانان این موضوعات به سطح عمومی کشیده شود و مسئولان مربوطه با توجه به مقتضای خیر عمومی و منافع همگانی صدای مردم را که از طرق کانون‌های وکلای مستقل منتشر می‌شود با نگاه پذیرا و مشفقانه مورد عنایت قرار دهند، تا جامعه شاهد اصلاح وضعیت شود. این شرایط نمی‌تواند در هر جامعه‌ای پیش بیاید و جامعه با رفتار احساسی چند روزی ملتهب شود و بعد دوباره همان اتفاق بیفتد. مهم این است که اصلاح حقوق جلوی آن را بگیرد تا شاهد قربانی‌شدن افراد دیگر نباشیم.

Pishkhan.com

جدول ۴۳۲۰ • طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- آنچه به عنوان برآورده‌شدن حاجات به تنگدستان می‌بخشند- از سلسله‌هایی که بیش از صد سال در ایران حکومت کردند ۲- کتاب مشهور ملاصدرا- عقیده- توده غیرطبیعی در سطح پوشش‌های مخاطی ۳- قصد- آشفته و بی‌نظم- پرتو پرقدرت نور تک‌رنگ ۴- ترسیده- ییلاقی در تهران- ضمیر سوم‌شخص ۵- زره جنگاوران قدیم- زن‌بابا ۶- عظمت- شکستنش افتخار است- از القاب اشرافی زنان اروپایی ۷- افترا- قسمتی از سمفونی که خود آغاز و انجامی دارد- خاطر ۸- جرقه آتش- کوره- غذا در قوطی ۹- روز عرب- نوعی طلاق- بیهوده ۱۰- چیزها- برادر پیران ویسه- نوعی بالاپوش ۱۱- مجمع‌الجزایری در اقیانوس آرام- چاهک کف حوض ۱۲- سفید آذری- دندان‌های نیش- عامل ایجاد بیماری ۱۳- کاشف دینامیت- همسایه برزیل- چند رأی ۱۴- قلب قرآن- نوعی بیماری واگیر عفونی- تازه به دنیا آمده ۱۵- بزرگ‌ترین چشم را در میان موجودات دارد- نوعی برنج ایرانی

عمودی:

۱- رمان مشهور ناتانیل هاثورن، نویسنده آمریکایی ۲- آسان- سالک- خویشاوندان ۳- طرز عمل- مادر- چه بسیار ۴- یک و یک- نویسنده فرانسوی نمایشنامه دست‌های آلوده- جنگجوی سوارکار قرون وسطی ۵- مترسک- کیسه پول قدیمی- ساز هفت‌بند ۶- فلزی دیرگداز که به عنوان کاتالیزور استفاده می‌شود - روشی در رنگ‌آمیزی پارچه ۷- ظریف و شکننده- شاعر سرشناس ادبیات شیلی- چراغ خوراک‌پزی قدیم ۸- واحدی برای طول معادل ۳۶اینچ- پرگار- سگ‌ماهی ۹- سردرد شدید- رایزن- هر فصل کتاب ۱۰- نکند که- سرتاسر ۱۱- نوعی موسیقی غربی- ماکت- استخوان‌های بالا و کنار جمجمه ۱۲- رفیق آذری- مرطوب- تعجب زنانه ۱۳- شیمی کربن- توطئه پنهانی- زیبندگی ۱۴- نیستان- نوعی پارچه پنبه‌ای- هر چیز سبک‌وزن ۱۵- از بانوان شاعر ایرانی و پیشگام در شعر کودک

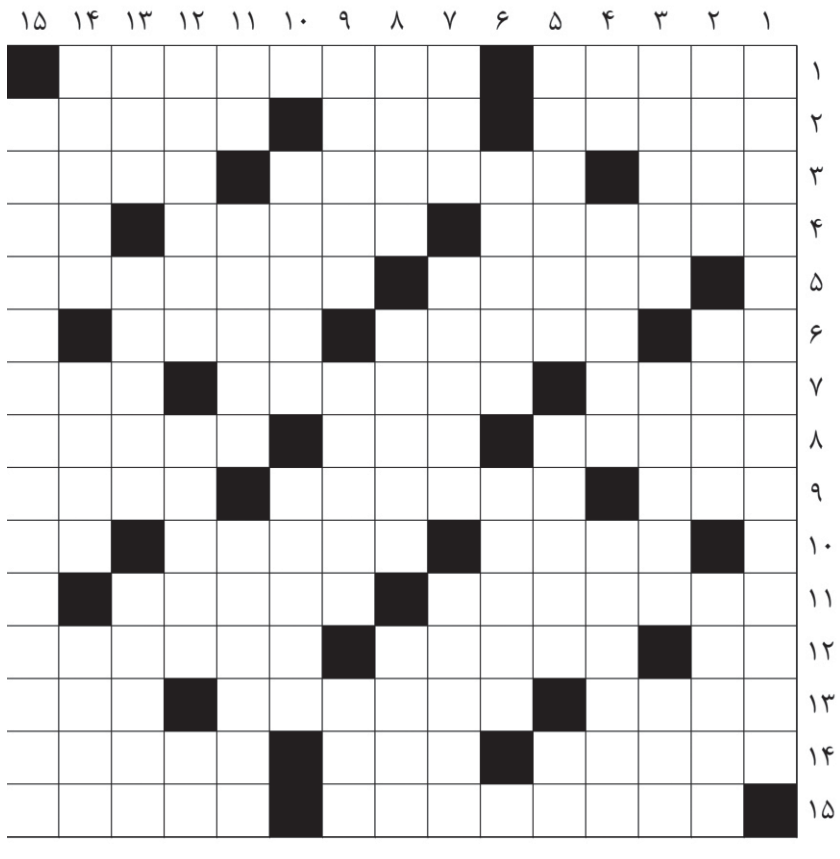

حل سودوکو سخت

۳	۱	۸	۲	۵	۴	۷	۹	۶
۷	۵	۴	۳	۶	۹	۱	۲	۸
۲	۶	۹	۷	۸	۱	۵	۴	۳
۸	۷	۳	۱	۲	۵	۹	۶	۴
۹	۴	۱	۶	۷	۳	۸	۵	۲
۵	۲	۶	۹	۴	۸	۳	۷	۱
۴	۹	۷	۸	۳	۲	۶	۱	۵
۱	۸	۲	۵	۹	۶	۴	۳	۷
۶	۳	۵	۴	۱	۷	۲	۸	۹

حل سودوکو ۳۳۱۵

۹	۳	۱	۷	۵	۸	۲	۶	۴
۲	۴	۸	۶	۱	۳	۷	۵	۹
۷	۶	۵	۹	۲	۴	۳	۱	۸
۳	۲	۹	۱	۶	۷	۸	۴	۵
۴	۵	۶	۲	۸	۹	۱	۷	۳
۱	۸	۷	۳	۴	۵	۹	۲	۶
۶	۹	۳	۴	۷	۲	۵	۸	۱
۸	۱	۲	۵	۳	۶	۴	۹	۷
۵	۷	۴	۸	۹	۱	۶	۳	۲

حل جدول ۴۳۱۹

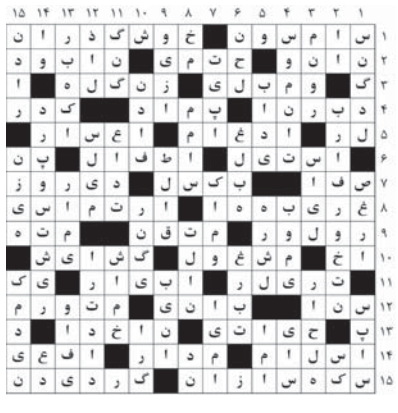

سودوکو سخت ۳۳۱۶

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو:

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۸			۳	۵			۹	
۲	۳			۶		۵		
	۴							
			۵				۸	
	۵		۹	۳	۲		۶	
	۹				۴			
							۳	
		۶		۹			۴	۷
	۸			۴	۶			۹

سودوکو ساده ۳۳۱۶

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

			۱					۵
	۶				۲			۸
	۷			۴	۳	۶	۹	
		۴		۱			۷	۶
			۸	۲	۴			
۸	۹			۵		۲		
	۵	۲	۴	۷			۶	
۴			۹				۲	
۶					۵			

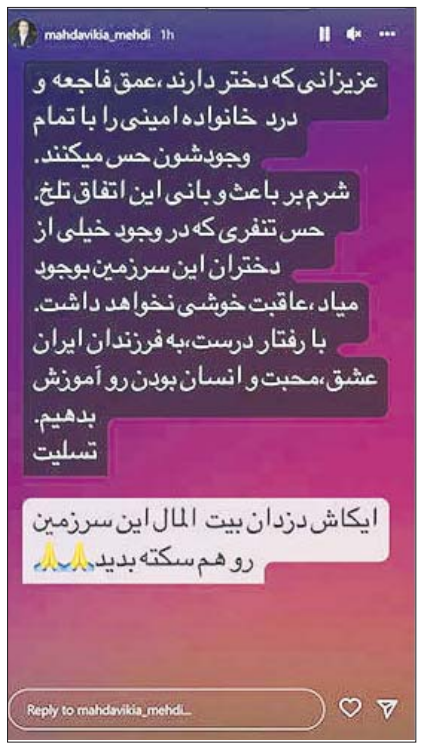

واکنش تلخ فوتبال به مرگ مهسا

فرزندان آنها، فرزندان ما

مرگ مهسا امینی، یا آن‌طورکه نزدیکانش صدایش می‌زنند، ژینا، آن‌هم در ۲۲ سالگی، موجی از ناراحتی را در جامعه به وجود آورده است. او چند روز قبل توسط گشت ارشاد بازداشت و چند ساعت بعد، به بیمارستان کسری آن‌هم با آمبولانس فرستاده شد. اگرچه در همان ساعت‌های نخست عنوان شده بود که حال عمومی‌اش خوب نیست و فقط با معجزه و دعا می‌شود امیدوار به زنده‌ماندنش بود، ولی جدال سه‌روزه‌ای با مرگ داشت و نهایتا تسلیم شد. فوت این دختر سقزی آن‌هم بعد از اتفاقات رخ‌داده، علاوه بر طیف‌های مختلف، ورزشکاران سرشناس ایرانی، خاصه فوتبالی‌های مشهور را به واکنش واداشت. در بین چهره‌هایی که نسبت به فوت مهسا امینی واکنش نشان دادند، اسامی نام‌آشنا زیاد دیده می‌شود؛ از اسطوره‌های فوتبال ایران تا بازیکنان فعلی تیم ملی. البته که در کنار این چهره‌های فوتبالی، سایر ورزشکاران مطرح ایران هم به فوت ژینا واکنش خشمگینانه و البته اندوهناک داشته‌اند که دست بر قضا، تعداد آنها کم هم نیست.

نگاه متفاوت علی دایی، علی کریمی و مهدوی‌کیا به مرگ مهسا

همان‌طورکه عنوان شد تقریبا تمامی چهره‌های سرشناس فوتبال ایران به مرگ مهسا واکنش نشان دادند. در بین آنها سه چهره تقریبا همیشگی یعنی علی دایی، علی کریمی و وریا غفوری دیده می‌شود. هر سه با انتشار استوری‌های مختلف در اینستاگرام، واکنش‌های متفاوتی داشته‌اند. با این حال، بدون درنظرگرفتن اتفاق عجیبی که برای متن وریا غفوری پیش آمد، می‌توان برای شروع به سه استوری متفاوت از علی دایی، علی کریمی و مهدی مهدوی‌کیا پرداخت. این سه با نگاهی اجتماعی به مرگ مهسا موضوعات مختلفی را مطرح کردند. علی دایی، اسطوره بی‌چون‌وچرای فوتبال ایران که پیش از این هم در اتفاقات اجتماعی و سیاسی سعی کرده بود نظراتش مورد توجه مردم قرار گیرد، با اشاره به مرگ مهسا امینی، از شیوه مدیریتی‌ای که در ایران رایج است، گلایه کرد. او نوشت: «چه به روزگار این سرزمین آوردید؟ دخترم می‌پرسد چه اتفاقی افتاده، چه پاسخی دارم؟ به کدامین گناه؟». علی دایی بارها نسبت به وضعیت اقتصادی و معیشتی مردم گلایه و از مسئولان خواسته بود به این امور رسیدگی کنند. او با طرح این پرسش کلان که «چه به روزگار این سرزمین آوردید؟» انتقاد اصلی‌اش را متوجه این امر کرده است. علی کریمی، دیگر چهره مردمی که بسته به اتفاقات رخ‌داده، همواره تلاش کرده از جانب مردم حرف بزند، روز پرکاری را در اینستاگرام داشت. نوع انتقادهای او مثل همیشه تندوتیز بود. علی کریمی ابتدا به سختی‌هایی که در ایران به زنان روا می‌شود، اشاره کرد. کنایه اصلی او ولی در استوری بعدی‌اش بود. جایی که با اشاره به جنجال حضور بی‌شمار فرزندان تعدادی از مسئولان در کشورهای غربی و آمریکا، به‌ویژه موضوع جدیدی که برای انسیه خزعلی پیش آمده، موضوع مهمی را مطرح کرده است. او نوشت: «فرزندان آنها می‌روند، فرزندان ما می‌میرند». علی کریمی در داستان مهاجرت و زندگی فرزند تعدادی از مسئولان در کشورهای پیش‌رفته خارجی به اندازه کافی نقدهای تندوتیز داشت ولی نوشته آخر، ضرب بیشتری داشته است. بسیاری با بازنشر این استوری که حرف زیادی در دل داشت، با علی کریمی همذات‌پنداری کردند. در سوی دیگر، مهدی مهدوی‌کیا، دیگر اسطوره فوتبال ایران که سابقه حضور در تیم ملی و باشگاه پرسپولیس را داشته و تا همین اواخر عهده‌دار هدایت تیم امید بوده هم موضوع درخورتوجهی را منتشر کرده است. او نوشته: «عزیزانی که دختر دارند، عمق فاجعه و درد خانواده امینی را با تمام وجودشون حس می‌کنند. حس تنفری که در وجود خیلی از دختران این سرزمین بوجود میاد، عاقبت خوشی نخواهد داشت. با رفتار درست، به فرزندان ایران عشق، محبت و انسان‌بودن رو آموزش بدهیم. تسلیت. ای کاش دزدان بیت‌المال این سرزمین رو هم سکته بدید». آخرین جمله‌ای که مهدوی‌کیا مطرح کرده دقیقا نکته‌ای است که بسیاری در ماه‌های اخیر و به‌ویژه از زمانی که گشت ارشاد به‌طورکلی کارش را دوباره از سر گرفته مطرح کرده‌اند. حیف‌ومیل‌شدن پول بیت‌المال از یک‌سو، اختلاس‌های درشت و ناکارآمدی تعدادی از مدیران از سوی دیگر، باعث شده بسیاری اعتقاد پیدا کنند که مسئله اصلی به دست فراموشی سپرده شده و موضوعات خرد، فارغ از قانونی بودن یا نبودنش، زیرذره‌بین رفته است.

به غیر از این سه واکنش که در دلش طعنه‌های بی‌شمار داشت، سایر چهره‌های فوتبالی هم به این موضوع ورود کردند. وریا غفوری که پیش‌تر شایعاتی درباره او و فعالیت‌هایش مطرح شده بود، ابتدا با گذاشتن شعری معنادار از «فرخی یزدی» به مرگ مهسا امینی واکنش نشان داد ولی اندکی بعد، استوری او پاک و برای مدتی اینستاگرامش از دسترس خارج شد. وریا ولی بعدتر با انتشار تصویری سیاه که به رنگ قرمز اسم مهسا امینی در آن حک شده، دوباره برگشت.

غم و اندوه ملی‌پوشان فوتبال

بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران هم که راهی اتریش شده‌اند تا در فیفادی پیش‌رو، دو بازی دوستانه با تیم‌های اروگوئه و سنگال داشته باشند، به مرگ مهسا امینی واکنش نشان دادند. تعدادی از آنها واکنش‌های مشابه داشتند؛ مسعود شجاعی کاپیتان سابق تیم ملی، کریم انصاری‌فرد، علی قلی‌زاده و احسان حاج‌صفی کاپیتان فعلی تیم ملی ایران همگی با استوری‌کردن «جانش فدای یک تار مویش شد» یاد مهسا را گرامی داشتند. از سوی دیگر، علیرضا جهانبخش و مهدی طارمی هم با نوشتن و استوری‌کردن عکس و متنی مشترک، واکنش را این‌طور مطرح کردند: «و موهای دخترانمان با کفن پوشیده می‌شود!» در بین بازیکنان تیم ملی هم شاید واکنش سردار آزمون متفاوت و البته هیجانی‌تر بود. او نوشت: «اگر اینان مسلمان‌اند، خدایا کافرم گردان».همان‌طورکه در ابتدا عنوان شد، واکنش ورزشکاران و فوتبالیست‌ها به مرگ ژینا بسیار بیشتر از مواردی بود که در این مطلب آورده شد و شاید نیاز به سیاه‌کردن سطور بیشتر بود.

معمای وعده رسیدگی به مرگ مهسا

مرگ مهسا امینی در شرایطی جامعه ورزش ایران را مثل سایر مردم آزرده‌خاطر کرده که بسیاری از مسئولان رده‌بالای دولت از ریاست‌جمهوری تا دادستانی و البته رئیس مجلس، وعده دادند خیلی سریع به این پرونده رسیدگی شود و نتیجه آن در کوتاه‌ترین زمان ممکن اعلام شود. آنها همچنین گفته‌اند اگر در این میان از فرد یا نهادی قصوری سر زده باشد، به آن رسیدگی خواهند کرد. این درخواست در حالی مطرح شده که بسیاری از ورزشی‌ها، خاصه هواداران فوتبال را به یاد اتفاق زننده مشهد می‌اندازد. اتفاقی که در حاشیه بازی تیم ملی فوتبال ایران با لبنان در آن شهر رقم خورد و با اسپری فلفل مانع از ورود تماشاگران زن به ورزشگاه شدند. تصاویر آن اتفاق زننده به‌سرعت در فضای مجازی و حقیقی دست به دست شد و تا مدت‌ها خوارک رسانه‌های خارجی بود. شبیه به همین وعده‌ها با همین قید فوریت در همان برهه از سوی نهادهای مذکور داده شد ولی برخلاف وعده مکرر برای رسیدگی سریع و اعلام مقصر، هرگز سرعتی در کار دیده نشد و البته اسم مقصری هم از لابه‌لای این پرونده به رسانه‌ها درز نکرد. نهایتا کار به جایی رسید که فیفا با فرستادن نامه‌ای تهدیدآمیز به فدراسیون فوتبال ایران خواستار دریافت مستندات این پرونده شد تا خودش روز ۳۱ شهریور، یعنی چند روز دیگر، درباره اتفاق مشهد، تصمیم‌گیری کند.

شکست بد حسن یزدانی مقابل دیوید تیلور

افتضاح فنی!

رقابت‌های کشتی آزاد قهرمانی جهان این روزها در شرایطی در بلگراد در حال پیگیری است که کام کشتی‌دوستان ایرانی بعد از شکست بد حسن یزدانی مقابل دیوید تیلور آمریکایی و همچنین تداوم شکست‌های نمایندگان ایرانی مقابل جردن باروز، تلخ است. وجه اشتراک این تلخی ولی یک چیز است: ضعف مربیان. درست است که مربیان تیم کشتی فرنگی و آزاد دستاوردهای به نسبت قابل‌قبولی داشته‌اند ولی کارنامه ضعیف فرنگی در این دوره و نتیجه فینال حسن یزدانی نشان می‌دهد که جدیتی در کار مربیان کشتی ایران نبوده است. درباره محمد بنا و تیم ملی کشتی فرنگی، حرف و حدیث زیادی نمی‌ماند. همین حالا بسیاری می‌گویند او برای همیشه با تیم ملی کشتی فرنگی ایران خداحافظی کرده ولی مسئله اینجاست چه کسی در این کشتی مانده که هم‌وزن بنا باشد و فدراسیون را مجبور نکند یکی، دو سال دیگر، ناز محمد بنا را برای برگشت بکشد؟ درباره شرایط تیم آزاد ولی موضوع کاملا متفاوت است؛ مربیان تیم ملی از یک‌سو و رئیس فدراسیون کشتی از سوی دیگر، باید پاسخ این پرسش را بدهند که در یک سال گذشته چطور دو کشتی‌گیر آمریکایی را آنالیز کرده‌اند که هر دو بدون سختی و بعضا با اختلاف امتیازی زیاد، نمایندگان ایرانی را که یکی از آنها دست بر قضا، اسطوره نوظهور کشتی ایران است، از پیش‌رو برمی‌دارند، به مدال طلا بوسه می‌زنند و کمربند قهرمانی را می‌بندند؟

بازهم به باروز باختیم

ظاهرا نه مربیان کنونی بلکه هیچ مربی ایرانی پیدا نمی‌شود که راهی برای شکست‌دادن جردن باروز پیدا کند. در تازه‌ترین اتفاق، محمد نخودی، نماینده وزن ۷۹ کیلوگرم ایران و دارنده مدال نقره جهان ۲۰۲۱، در دیدار فینال برابر جردن باروز، دارنده پنج مدال طلای جهان و یک طلای المپیک از آمریکا، به میدان رفت و در پایان با نتیجه ۴ بر ۲ شکست خورد و به مدال نقره بسنده کرد. نخودی که در تایم نخست با برنامه تاکتیکی مناسب یک بر صفر پیروز شده بود، در تایم دوم برنامه تاکتیکی قبلی خود را ادامه نداد و جردن باروز کهنه‌کار با یک زیرگیری، با یک بیرون‌بردن حریف و یک امتیاز روی اخطار، چهار امتیاز به دست آورد و درنهایت ۴ بر ۲ پیروز شد تا صاحب ششمین مدال طلای جهان شود. نخودی سال گذشته هم به باروز باخته بود و امسال هم بازنده شد. باروز هم برای پانزدهمین بار کشتی‌گیران ایرانی را از پیش‌رو برداشت. پرسش اینجاست که چطور این کشتی‌گیر آمریکایی از سوی مربیان ایرانی آنالیز شده که راهی برای شکست‌دادنش پیدا نمی‌شود؟ در این مورد نمی‌شود زیاد مربیان فعلی را مقصر دانست؛ چون باروز در عصر مربیان مختلفی، ایرانی‌ها را شکست داده است. به‌این‌ترتیب به نظر می‌رسد دانش مربیان ایرانی برای شکست‌دادن این رقیب آمریکایی جوابگو نیست و تا زمانی که بخواهد در این وزن ادامه دهد، ایران باید قید طلا را بزند. از بخت بد، باروز می‌گوید فعلا قصدی هم برای خداحافظی ندارد: «قبل از هر مبارزه به خودم یادآوری می‌کنم که این راهی است که انتخاب کرده‌ام. این رنج انتخابی است که داشته‌ام، سخت و وحشتناک است اما خداوند به من این توانایی و ابزار را داده است تا بتوانم از پس از این کار بربیایم. من ۳۴ سال دارم و پدر چهار فرزند هستم. تقریبا یک دهه است که ازدواج کرده‌ام اما هنوز در اوج قرار دارم».

چه بر سر یزدانی آمده است؟

تلخ‌ترین اتفاق برای کشتی ایران بعد از شکست نخودی رقم خورد؛ جایی که حسن یزدانی، اسطوره نوظهور کشتی ایران، با نتیجه سنگین ۷ بر یک مغلوب دیوید تیلور، رقیب آمریکایی‌اش شد. او در شرایطی فینال وزن ۸۶ کیلوگرم را باخت که پیش از این هم چهار بار به این مرد آمریکایی باخته بود. قبل از مسابقه جدید، یزدانی و تیلور چهار مرتبه به مصاف یکدیگر رفته بودند که تیلور در جام جهانی کرمانشاه، مسابقات جهانی ۲۰۱۸ بوداپست و فینال المپیک ۲۰۲۱ توکیو موفق به شکست یزدانی شده بود، اما یزدانی نیز در آخرین دیدار رودررو در فینال مسابقات جهانی ۲۰۲۱ نروژ، موفق به شکست دیوید تیلور شده بود. در بلگراد، برخلاف تصور، این دیوید تیلور بود که یک سروگردن بالاتر نشان داد و در یک کشتی تقریبا یک‌طرفه، حسن یزدانی را از پیش‌رو برداشت. اینجا دوباره همان سؤال تکراری مطرح می‌شود؛ چه اتفاقی از سال پیش تا الان رخ داده که حسن یزدانی بازی برده برابر تیلور در نروژ را با شکست سنگین در بلگراد عوض می‌کند؟ اصولا در این بازه زمانی یک‌ساله، چه آنالیزی از سوی کادر فنی کشتی درباره تیلور صورت گرفته که حسن با چنین اختلاف وحشتناکی می‌بازد؟ شیوه کشتی به گونه‌ای بود که کلا باید این سؤال مطرح شود که آیا اصلا آنالیزی در این مدت روی کشتی‌های دیوید تیلور صورت گرفته است؟ پاسخ چه مثبت باشد و چه منفی، فاجعه است! یزدانی در فینال با وجود آماده‌بودن، طرحی برای شکست‌دادن رقیب نداشت؛ این طرح همان چیزی است که باید از سوی کادر فنی برنامه‌ریزی شود که اصولا یا وجود خارجی نداشت یا اینکه اشتباه محض بود. این اتفاق در شرایطی رخ داده که برخلاف حسن و کادر فنی، دیوید تیلور و کادر فنی تیم ملی آمریکا، تک‌تک جزئیات کشتی حسن یزدانی را از بر بوده و اجازه کوچک‌ترین حرکتی به او ندادند. تیلور که بعد از شکست برابر حسن آن‌قدر ناراحت شده بود که به سرش زده بود تا بازنشسته شود، حالا آن‌قدر انگیزه گرفته که می‌خواهد یک بار دیگر حریف نامدار ایرانی‌اش را شکست دهد. «این اولین باری بود که با عزم فوق‌العاده سخت برابر یزدانی قرار گرفتم و آن را دنبال کردم. یزدانی آن آتش و انگیزه را در من ایجاد کرد تا ادامه دهم. او سد راه من برای طلای المپیک پاریس است. رقابت ما به یک دلیل حساس‌ترین رقابت کشتی جهان است و آن‌هم اینکه هر دو ما هرچه در توان داریم روی تشک می‌گذاریم. برای همین اینجا هستیم. باید کمی نمایش داشته باشید. من به یک دلیل مرد جادوگر هستم چون توانستم امروز اول شوم و این حس خوبی است. از هر دو ما در آینده به‌عنوان دو کشتی‌گیر بزرگ یاد خواهد شد. او باعث پیشرفت من شده است و به همین خاطر از یزدانی تشکر می‌کنم». تیلور در پایان صحبت‌هایش پیامی هم برای حسن فرستاده است: «ببین تو بهتر خواهی شد. من هم بهتر خواهم شد و دوباره سال بعد با هم روبه‌رو می‌شویم و امیدوارم یک نبرد تماشایی دیگر برای هواداران ایجاد کنیم. به هواداران و کتاب‌های رکورد چیزهای زیادی نشان می‌دهیم. می‌دانم تو هم تمام تلاش خود را خواهی کرد، پس برویم به استقبال سال بعد». سال بعد، یک رقابت جدید و جذاب در راه است ولی مسئله اینجاست که سال بعد چه کسی قرار است یزدانی را مقابل تیلور کُچ کند؟

اخبار برگزیده

مرور لیست جدید تیم ملی؛ بازگشت قدیمی‌ها، حضور تازه‌واردها

بعد از بازگشت کارلوس کی‌روش به فوتبال ایران، او به شاگردان سابق خود دوباره اعتماد کرده است. به گزارش فوتبال ۳۶۰، کارلوس کی‌روش در بازگشت دوباره به ایران، فهرست نهایی تیم ملی برای دو بازی آینده را منتشر کرد. در این لیست بازگشت چند بازیکن به تیم ملی از جمله نکات توجه است. همچنین برخی از بازیکنان برای نخستین‌بار زیر نظر کی‌روش کار خواهند کرد.

حضور کاپیتان‌ها در فهرست کی‌روش

کارلوس کی‌روش به اکثر بازیکنانی که سابقه طولانی همکاری با او داشتند، وفادار ماند و آنها را به تیم ملی دعوت کرد. احسان حاج‌صفی که با انجام ۷۰ بازی، رکورددار بیشترین بازی برای تیم ملی تحت نظر کی‌روش است، بازهم در تیم ملی حاضر است. کریم انصاری‌فرد که در اردوهای اخیر تیم ملی حضورش کم‌رنگ شده بود، بازهم به تیم ملی فراخوانده شد. از بین شاگردان باسابقه کی‌روش، نام اشکان دژاگه در فهرست تیم ملی به چشم نمی‌خورد.

بازگشت رامین، امید، مجید و...

مهم‌ترین اتفاق لیست کی‌روش بازگشت چند بازیکن است که مدت‌ها بود حضور پررنگی در تیم ملی نداشتند. رامین رضاییان برجسته‌ترین بازیکنی است که دوباره به تیم ملی دعوت شده است. آخرین بازی ملی این بازیکن، آخرین بازی با مربیگری مارک ویلموتس مقابل عراق بود و حالا پس از سه سال دوباره در تیم ملی حاضر است. امید ابراهیمی نیز هرچند در آخرین فهرست دراگان اسکوچیچ حضور داشت، ولی در سه سال اخیر تنها دو بازی ملی انجام داده بود. این بازیکن مورد علاقه کی‌روش، دوباره در فهرست تیم ملی حضور دارد. مرتضی پورعلی‌گنجی پس از بازگشت از یک مصدومیت طولانی که به دوری دو ساله از تیم ملی منجر شده بود، دوباره درهای تیم ملی را به روی خود باز می‌بیند. مجید حسینی که در جوانی توسط کی‌روش به او میدان داده شد و در سال‌های اخیر فرصت زیادی برای بازی ملی پیدا نکرد، در اردوی اتریش حاضر خواهد بود.

اعتماد به سرلک، حردانی و جلالی

از بین بازیکنان دعوت‌شده به تیم ملی بازیکنی که سابقه دعوت به تیم ملی نداشته باشد، دیده نمی‌شود. ۲۴ بازیکن سابقه‌دار همکاری با کی‌روش را دارند که البته پیام نیازمند، صرفا به تیم ملی دعوت شد، ولی بازی نکرد. میلاد سرلک، صالح حردانی و ابوالفضل جلالی، بازیکنانی هستند که در زمان غیبت کی‌روش در فوتبال ایران خوش درخشیدند و در بازگشت این سرمربی اعتماد این او را جلب کرده و در فهرست تیم ملی حضور دارند. در بین این سه بازیکن، سرلک با ۹ بازی، سابقه بیشتری در تیم ملی دارد.

شجاع و وحید شگفتانه‌های فهرست تیم ملی

زمانی که زمزمه‌هایی بازگشت کی‌روش به فوتبال ایران شنیده شد، از شجاع خلیل‌زاده به‌عنوان یکی از متضررین نامبرده می‌شد. خلیل‌زاده در شش سال آخر مربیگری کی‌روش، جایی در فهرست او نداشت و قبل از آن تنها در بازی‌های دوستانه و کم‌اهمیت به کار گرفته می‌شد تا مشخص شود این مربی پرتغالی اعتقادی به این بازیکن ندارد. خلیل‌زاده در ۱۵ بازی از ۱۸ بازی مربیگری دراگان اسکوچیچ، به میدان رفت و حتی به بازوبند کاپیتانی تیم ملی هم دست یافت. کی‌روش که در بازگشت به ایران سیگنال‌هایی برای پایان‌دادن به اختلافات قدیمی نشان داده، برای این اردو از نام این بازیکن صرف‌نظر نکرد. دعوت از وحید امیری هم یکی از غافلگیری‌های این فهرست بود. امیری که از مصدومیت شدید و طولانی‌مدت رنج می‌برد و به‌تازگی شرایط حضور در تمرین را پیدا کرده بود، برای دو بازی آتی تیم ملی دعوت شد تا علاقه کی‌روش به این هافبک بیش از پیش مشخص شود.

فهرست تیم ملی فوتبال ایران برای اردوی اتریش

دروازه‌بان‌ها
علیرضا بیرانوند، امیر عابدزاده، حسین حسینی و پیام نیازمند

مدافعان
رامین رضاییان، صادق محرمی، صالح حردانی، محمدحسین کنعانی‌زادگان، مجید حسینی، مرتضی پورعلی‌گنجی، شجاع خلیل‌زاده، ابوالفضل جلالی، میلاد محمدی و امید نورافکن

هافبک‌ها
امید ابراهیمی، سعید عزت‌اللهی، میلاد سرلک، سامان قدوس، احمد نوراللهی، احسان حاج‌صفی و وحید امیری

مهاجمان
علی قلی‌زاده، علیرضا جهانبخش، مهدی ترابی، مهدی طارمی، کریم انصاری‌فرد و سردار آزمون

وزیر کشور آلمان خواستار حذف روسیه و بلاروس از یورو ۲۰۲۴ شد

به گزارش ایسنا و به نقل از بی ساکر، یک مقام ارشد آلمانی با ارسال نامه‌ای به یوفا درخواست کرده است که روسیه و بلاروس از قرعه‌کشی مقدماتی یورو ۲۰۲۴ در ماه آینده حذف شوند. پس از تهاجم فوریه به اوکراین، فیفا و یوفا بیانیه مشترکی صادر و اعلام کردند روسیه و بلاروس که از حامیان ولادیمیر پوتین است، تا اطلاع ثانوی از مسابقات محروم خواهند شد. در ادامه باشگاه‌های روسی از رقابت‌های قاره‌ای برای فصل ۲۰۲۲-۲۰۲۳ محروم شدند و روسیه نیز از رقابت‌های یورو زنان محروم شد. با این حال صحبتی درباره حضورداشتن یا حضورنداشتن روسیه و بلاروس در مسابقات قهرمانی اروپا در سال ۲۰۲۴ که قرار است در آلمان برگزار شود نشده است. این امر باعث شده نانسی فایزر، وزیر کشور آلمان به الکساندر چفرین، رئیس یوفا نامه بنویسد تا هر دو کشور را از قرعه‌کشی مقدماتی حذف کنند. اشپیگل در گزارشی آورده است نه‌تنها روسیه که جنگ تجاوزکارانه را با نقض قوانین بین‌المللی به راه انداخته است بلکه بلاروس نیز به‌عنوان حامی اصلی روسیه باید از همه‌چیز حذف شوند. آندری پاولکو، رئیس اتحادیه فوتبال اوکراین درخواست کرده بود در آستانه قرعه‌کشی دور انتخابی این رقابت‌ها، روسیه از مسابقات حذف شود.

فوتبال در امروز

۲۷ شهریور

برنتفورد - آرسنال ۱۵:۳۰	کرمونزه - لاتزیو ۱۷:۳۰
اورتون - وستهام ۱۷:۴۵	مونزا - یوونتوس ۱۷:۳۰
ویارئال - سویا ۱۸:۴۵	رم - آتالانتا ۲۰:۳۰
اتلتیکومادرید - رئال مادرید ۲۳:۳۰	میلان - ناپولی ۲۳:۱۵
اودینزه - اینتر ۱۵:۰۰	لیون - پاری‌سن‌ژرمن ۲۳:۱۵

Pishkhan.com

عکس: احمد آقاسیانی، آژانس عکس تهران

چگونه کمیسیون ماده ۵ تبدیل به ماشین امضای قانونی‌کردن تخلفات می‌شود

نقشه ویرانی پایتخت

نورا حسینی: انتشار جزئیات مبهم و کلی از تفاهم‌نامه‌های شهرداری تهران با نهادهای مختلف در حوزه شهرسازی نگرانی‌هایی جدی را ایجاد کرده است. یک روز وزیر علوم اعلام می‌کند که می‌تواند با کمک شهرداری تهران املاک دانشگاه را تغییر کاربری داده و روز دیگر محمد مقیمی، رئیس دانشگاه تهران، خبر می‌دهد که طرح جامعی برای بهره‌برداری از دارایی‌های دانشگاه تهران با همکاری شهرداری در نظر گرفته شده و مسکن اعضای هیئت علمی در فضاهایی از دانشگاه تهران که تغییر کاربری داده شده، در دستور کار است، دو زمین داریم که یکی از آنها در انتهای خیابان کارگر شمالی و بالای مؤسسه ژئوفیزیک قرار دارد و دیگری مجموعه زمین‌هایی است که در پونک و جنب دانشگاه آزاد و همچنین کرج قرار دارد. در این راستا ایجاد هشت هزار واحد مسکونی برای کارکنان و اعضای هیئت علمی را در چشم‌انداز چهارساله محقق خواهیم کرد. یکی از دو زمینی که مقیمی به آن اشاره می‌کند، در بالای مؤسسه ژئوفیزیک قرار دارد. پیش‌ازاین اعلام شده در پهنه فضای سبز (G) است. مدتی پیش هم علیرضا کریمیان، مدیرکل آموزش و پرورش شهر تهران، اعلام کرده بود شهردار تهران اعلام آمادگی کرده در برخی از فضاهای سبز و بوستان‌های تهران بعد از سنجیدن جوانب و کار کارشناسی مدرسه احداث شود.

شهردار تهران مدتی پیش هم در صحن علنی شورای شهر از تصمیم جدیدی گفته بود که شهرداری برای باغات کن گرفته، او تأکید داشت که این تصمیم برای رفع گرفتاری و مشکلات مردم گرفته شده؛ اما حقیقت طرح بازنگری ضوابط و مقررات طرح ویژه حفاظت و صیانت و ساماندهی باغات کن و طراحی شهری محله کن چیست و در صورت تصویب آن در کمیسیون ماده ۵ چه آسیب‌هایی در انتظار باغات کن است.

اراضی کن که بالغ بر هزار هکتار است و چهار فاز کلی دارد؛ باغات خرمالو، محله قدیمی کن که همان روستای کن است، باغات کشت اجباری و محله شهر سنگ. براساس طرحی که در کمیسیون ماده ۵ در حال بررسی است، یک طبقه تشویقی در همه ضوابط اعمال شده، به این معنا که اگر ملکی دو طبقه مجوز ساخت داشت، به سه طبقه و اگر سه طبقه بود، به چهار طبقه ارتقا پیدا می‌کند.

درباره باغات کشت اجباری، کارگروه راهبردی حفاظت و صیانت از باغات کن طبق این طرح منحل شده و مقرر شده شهرداری منطقه موضوعات را پیگیری کند. در طرح قبلی املاک بالای ۱۰ هزار متر بدون محدودیت می‌توانستند ۱۰ درصد ساخت‌وساز انجام دهند که این محدودیت برداشته شده و بدون قید مساحت براساس جدولی از سطح اشغال تراکم که در همین سطح و سطوح طرح قبلی است، امکان صدور پروانه ایجاد شده است. درباره صدور اسناد و دیوارکشی هم مقرر شد معاونت شهرسازی منطقه با همکاری اداره ثبت اجازه دیوارکشی و بعد صدور سند را داشته باشند.

در طرح گذشته برای حفظ باغات، معابر پیاده‌شده در طرح تفصیلی حذف شده و قرار بود کوچه‌باغ‌هایی در آن مسیر وجود داشته باشد و مبتنی بر تقاضای مالکان و تقاضای باغداران، این کوچه‌باغ‌ها تعریف شود. درحال‌حاضر این وظیفه هم از آن کمیته راهبردی گرفته شده و به کمیته معابر اداره کل طراحی شهرداری سپرده شده است تا معابر جدید را تعریف کنند و امکان صدور پروانه را داشته باشند.

در طرح بررسی‌شده در کمیسیون ماده ۵ سطح اشغال زیادی در باغات کشت اجباری تعریف نمی‌شود؛ اما نگرانی درباره حذف کمربند سبزی است که در طرح قبلی تعریف شده که عرض‌های مختلف داشت؛ عرض ۲۰ متر تا ۵۰ متر کمربند سبز در دور باغات کشیده شده بود که اجازه هیچ‌گونه ساخت‌وسازی در آن محدوده داده نمی‌شد. طبق طرح جدید، این کمربند حذف می‌شود و این احتمال وجود دارد که املاکی که تا دوره‌های پیش یعنی تا سال ۹۳ ساخته شدند، در کنارشان توسعه‌های مسکونی طبق الگوی بافت شهری نه باغات ایجاد شود.

هفته گذشته نیز سیاست‌ها و ضوابط تشویقی نوسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد که از سوی شرکت بازآفرینی شهری تهیه شده، به تصویب رسید.

براساس این مصوبه در محدوده بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری، افزایش تراکم، تسهیل در ضوابط پارکینگ و معماری و اختلاط کاربری‌ها با هدف ایجاد انگیزه برای توسعه‌گرها، سرمایه‌گذاران و مالکان اعطا می‌شود. مشوق‌هایی که به اعتقاد کارشناسان بیش از آنکه مفید باشند، کیفیت زندگی را در این محدوده‌ها کاهش می‌دهند و صدمه‌های جبران‌ناپذیری به این عرصه‌ها زده می‌شود.

شهردار تهران تأکید دارد که در این مدت هیچ تخلفی در حوزه شهرسازی نکرده است. برخی این ادعای شهردار را در پرکاری کمیسیون ماده ۵ و تصمیمات آن می‌دانند؛ تصمیماتی که برخی معتقدند بیش از آنکه به نفع منافع عمومی شهر باشد، به نفع سرعت ساخت‌وساز در شهر است.

برخی کارشناسان شهری معتقدند که رویکرد کنونی شهرداری نوعی سوءاستفاده از کمیسیون ماده ۵ است. به گفته آنها کمیسیون ماده پنج در قانون برای برطرف‌کردن مغایرت‌ها و مشکلاتی است که در حین اجرا میان طرح جامع و تفصیلی ایجاد شده است. همچنین در طرح جامع تهران، تعدادی طرح‌های موضعی و موضوعی تعیین شده که باید به تصویب کمیسیون ماده پنج برسند؛ اما در زمان تهیه، بررسی و تصویب برای هرکدام از این موضوع‌ها یا موضع‌ها، یک چارچوب تعیین شده که در ساختار کلی طرح جامع می‌نشیند. این‌گونه نیست که هرکدام از این طرح‌ها سوای طرح جامع شهر تهران باشد و کمیسیون ماده پنج آن‌گونه که دوست دارد، آنها را تغییر دهد یا کم و زیاد کند. به گفته کارشناسان حوزه شهرسازی این طرح‌ها اجزای طرح جامع هستند، اگر این اجزا برداشته شود و مغایر با رویکرد کلی طرح جامع باشند، ساختار طرح جامع تغییر می‌کند و تغییر ساختار طرح جامع، تبعاتی جبران‌ناپذیر برای شهر دارد. اگر جایی از ساختار طرح جامع اشکال دارد، باید در یک بازنگری همه‌جانبه گفته شود کدام بخش به کدام دلیل اشکال دارد، بعد نسبت به اصلاح طرح جامع اقدام شود و سپس براساس آن ساختار کلی، درباره اجزای طرح جامع که در چارچوب ضوابط و مقررات طرح تفصیلی است، تصمیم‌گیری شود. اگر اجزای طرح جامع جدا از خود طرح جامع و راهبردهای اساسی طرح جامع، دستخوش تغییر و تحول اساسی شود، این مغایرت اساسی برای شهر و شهروندان خطرآفرین است. این‌گونه نیست که چون حالا دردی احساس نمی‌کنیم، دردی برای شهر به وجود نخواهد آمد.

این گروه از کارشناسان هشدار می‌دهند که یکی از اصول اساسی طرح جامع، سقف جمعیت‌پذیری آن است؛ یعنی طرح جامع تهران براساس سقف جمعیت‌پذیری ۹ میلیون نفر نوشته شده و در افق طرح جامع، ۱۰میلیون‌و ۵۰۰ هزار نفر که تقسیم‌بندی سقف جمعیت‌پذیری است، نه جمعیت، به این معنا که در شهر تهران ظرفیت جمعیت‌پذیری ۱۰میلیون‌و ۵۰۰ هزار نفر است که همیشه ۵ تا ۱۰ درصد آن مانند همه شهرها خالی هستند (یعنی سقف جمعیت شهر تهران باید ۹میلیون‌و ۵۰۰ هزار نفر باشد) و براساس جمعیتی که محاسبه شده، همین حالا، سقف جمعیت شهر تهران پر شده است! اگر در تهران ۳۰۰ هزار واحد مسکونی خالی هم داشته باشید؛ یعنی یک‌میلیون‌و ۲۰۰ هزار نفر. و این به آن معناست که ما از سقف جمعیت‌پذیری شهر تهران هم بالاتر رفته‌ایم.

برخی از کارشناسان حوزه شهرسازی معتقدند که تهران بیش از این گنجایش ندارد. و مثال می‌زنند که یک ساختمان تاب تحمل ۵۰۰ کیلوگرم در هر مترمربع را دارد و اگر هزار کیلوگرم بارگذاری کنید، همان بلایی بر سر ساختمان می‌آید که بر سر متروپل آبادان آمد. سازه و ساختار ساختمان برای پنج طبقه طراحی شده بود، نه برای ۱۰ طبقه. اگر ۱۰ طبقه روی آن بارگذاری کنید، چیزی شبیه فاجعه متروپل در مقیاس شهر تهران رخ می‌دهد و شهر دچار فروپاشی می‌شود. فروپاشی شهر تبعات سنگین اجتماعی دارد. در متروپل شاید بگویید یک ستونش را بردارید، اتفاقی نمی‌افتد، ممکن است شش ماه دوام بیاورد. توزیع بارها به فونداسیون منتقل می‌شود؛ اما زمانی سازه به نقطه‌ای می‌رسد که جوش‌ها، تیر ورق‌ها و ستون‌ها دچار تنش‌های بیش از ظرفیت می‌شوند و روزی می‌رسد که ساختمان متروپل پایین می‌آید.

به اعتقاد کارشناسانی که مخالف سیاست‌های جدید شهرداری در حوزه ساخت‌وساز هستند، تهران هم در چنین وضعیتی است. از نظر ترافیکی خیابان‌های تهران در یک ساعتی از روز قفل می‌شوند؛ یعنی چه؟ این یعنی فروپاشی شهر، وقتی در شهر تهران می‌بینید که بزه، بزهکاری و زورگیری افزایش پیدا می‌کند، فکر می‌کنید تبعات فروش تراکم نیست؟ حتما عوامل زیادی دارد؛ اما یکی از این عوامل هم نابسامانی در توزیع جمعیت است.این کارشناسان هشدار می‌دهند قطبی‌کردن شهر با واگذاری تراکم‌های غیرمنطقی، فروپاشی شهر است و در تعریف این فروپاشی می‌گویند: فروپاشی شهر این‌گونه نیست که شما بگویید من فردا از خواب بیدار شوم و ببینم تهران کن فیکون شده است. آهسته‌آهسته اخلاق جامعه، عصبیت مردم در ترافیک، عصبیت مردم بر اثر استنشاق کربن، عصبیت مردم به خاطر نداشتن فضای باز همگانی، یعنی اینکه ساختار اجتماعی شهر منهدم شده، اینها بحث‌های کارشناسی است. این‌گونه نیست که بگوییم برویم یک کار جهادی کنیم و دائم هم بر بارگذاری اضافه کنیم. وقتی در کمیسیون ماده پنج، در یک روز ۵۰ مصوبه می‌آورند و امضا می‌گیرند، به چه معناست؟ امروز فکر می‌کنند هرچه آمار کمیت بالا برود، این کار جهادی‌تر شده است.

این گروه از منتقدان درباره طرح جدید شهرداری برای کن نیز می‌گویند طرح تفصیلی کن بعد از ۵۰ سال تهیه شده که مطابق بود با آنچه در طرح جامع دیده شده و مطابق با مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری برای محدوده کن، در این طرح تفصیلی هم تعداد طبقات با توجه به ظرفیتی که از نظر شبکه معابر و قطعه‌بندی در کن وجود دارد، تعیین شد؛ اما وقتی خارج از ظرفیت قطعه‌بندی و گذربندی بارگذاری می‌شود، حتما با مشکل مواجه می‌شود. وقتی که در روستای کن مساحت قطعات از ۶۰ تا صد متر است و عرض گذرها به صورت سنتی از ۲ تا ۴ متری، شما نمی‌توانید ساختمان چهار طبقه بسازید. وقتی نمی‌توانید تأمین خدمات کنید، نمی‌توانید سقف جمعیتی را از یک حدی بالاتر ببرید. ممکن است مصلحت ساکنان فعلی کن، بساز و بفروش‌ها این باشد که چهار طبقه بسازند؛ اما به مصلحت عمومی شهر نیست. این‌گونه نیست که ما فکر کنیم همه این را نابود می‌کنیم، یک چیز جدید می‌سازیم. کن براساس ضوابط و مقررات طرح جامع و مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری بعد از سال‌ها برایش طرحی تهیه شده که این طرح قابلیت اجرا دارد. متأسفانه به جای آنکه بروند کارهای مانده روی زمین را اصلاح کنند، دقیقا می‌روند گره‌هایی را که بعد از ۵۰ سال باز شد، خراب می‌کنند. برای نفرآباد، کن، فرحزاد، فدائیان اسلام که منطبق بر اصول مهندسی و شهرسازی طرح تهیه شده، احتمالا گام‌های بعدی مدیریت شهری است. در نفرآباد و کن قرار بود یک ساختار مهندسی و منطقی انجام شود؛ اما با تصمیم‌های جدید بیشتر دنبال تخریب هستند. گویی همه مشکلات را حل کردند، فقط مشکل کن و نفرآباد مانده بود که حل نشده بود.

به‌تازگی شورای شهر تهران هم نسبت به تصمیمات کمیسیون ماده ۵ حساس شده و طرحی را به‌زودی به صحن شورای شهر می‌آورد که هدف آن توجه بیشتر به مصوبات کمیسیون ماده ۵ به‌عنوان یکی از بسترهای تصمیم‌گیری درباره منافع عمومی و خصوصی شهر است.

در این طرح با اشاره به حفاظت از منافع عمومی شهر بر ایجاد تعادل و توازن میان منافع عمومی و خصوصی‌شده، ایجاد شفافیت و محاسبه‌پذیرشدن مصوبات کمیسیون ماده ۵ و ایجاد وحدت رویه در فرایندهای بررسی پرونده تأکید شده است.

یادداشت

ادعای باطل انبارهای خالی مترو

بهروز شیخ‌رودی، معاون محاسبات و پایش عملکرد شورای پنجم: بیش از یک سال از آغاز به کار شورای ششم شهر تهران می‌گذرد؛ اما این روزها شورانشینان به جای گزارش دستاوردها و اقدامات انجام‌شده در دوره ششم به نقد عملکرد شورای پیشین می‌پردازند و تلاش می‌کنند تا با انداختن توپ به زمین رقیبی که یک سال است زمین بازی را ترک کرده، برای ناکامی خود در عمل به وعده‌های انتخاباتی‌شان توجیه دست‌وپا کنند؛ اما دراین‌میان تکرار ادعای تحویل‌گرفتن «انبارهای خالی مترو» آن‌هم برای چندمین بار از سوی آقای چمران جالب توجه است. رئیس شورای شهر تهران برای اولین بار پس از حادثه خروج قطار خط ۵ مترو در دی‌ماه ۱۴۰۰ از خالی تحویل‌گرفتن انبارهای مترو سخن گفت و در خلال این مدت به تکرار این ادعا پرداخت. آخرین بار هفته گذشته چمران در واکنش به نامه اعضای شورای پنجم برای چندمین بار از «انبارهای خالی مترو» سخن گفت و بر خالی تحویل‌گرفتن انبارهای مترو از مدیریت شهری دوره پنجم تأکید داشت. او در جمع خبرنگاران ادعا کرد «تمام گفته‌های ما براساس اسناد است»؛ اما با وجود ادعاهای آقای چمران تاکنون سند و گزارشی که این ادعا را تأیید کند، از سوی مدیریت شهری دوره ششم منتشر نشده است.

اعضای شورای ششم شهر تهران بعد از انتخاب شهردار و تعیین سرپرست شهرداری بلافاصله و بی‌هیچ تأخیری به سراغ راستی‌آزمایی گزارش عملکرد مدیریت شهری دوره پنجم رفتند و در ۱۹ مرداد ماه ۱۴۰۰ سومین مصوبه خود را با اکثریت آرا به الزام شهرداری برای بررسی و راستی‌آزمایی گزارشی اختصاص دادند که شهردار پیشین تهران در دوره پنجم با عنوان «سند تحویل و تحول شهر تهران» ارائه داده بود. این راستی‌آزمایی و روکردن دست مدیریت شهری در دوره پنجم آن‌قدر برای اعضای دوره ششم مهم بود که مدیریت شهری جدید را موظف کردند در مدت حداکثر دو ماه از تاریخ تصویب مصوبه نسبت به تهیه سند دقیق و مطابق واقعیت اقدام کند و گزارش را برای راستی‌آزمایی و شفاف‌سازی از عملکرد دوره پنجم و اطلاع‌رسانی به شهروندان به شورا ارائه دهد. براساس این مصوبه شهرداری باید تا مهر ۱۴۰۰ گزارش راستی‌آزمایی‌اش از سند تحویل و تحول دوره پنجم را ارائه می‌داد؛ اما براساس اظهارات برخی اعضای شورای شهر این گزارش بالاخره در تیرماه ۱۴۰۰ از سوی شهرداری به شورا ارائه شده است. گزارشی در ۱۲ صفحه با عنوان «خلاصه گزارش مدیریتی تحویل و تحول شهرداری تهران در شهریور ۱۴۰۰» که به راستی‌آزمایی گزارش دوره پنجم پرداخته است؛ اما برخلاف مصوبه شورا تاکنون برای اطلاع شهروندان در صحن شورای شهر قرائت نشده است و حتی شورای ششم از انتشار آن خودداری کرده است. گزارشی که مأخذ اطلاعات آقای چمران برای ارائه آمار اتوبوس‌های فعال در سطح شهر است و با استناد به همان گزارش به خبرنگاران گفتند «تمام گفته‌های ما براساس اسناد و داده‌هاست؛ ضمن آنکه در گزارش سال ۱۴۰۰ ابعاد فعالیت‌های مدیریت شهری دوره قبل استخراج شد»؛ اما در گزارش ۱۲صفحه‌ای اشاره‌شده هیچ اطلاعاتی دال بر خالی تحویل‌گرفتن انبارهای مترو وجود ندارد؛ همچنین در موارد متعددی اعداد عملکردی اشاره‌شده در سند تحویل و تحول شهر تهران دوره پنجم تأیید شده است.

برای روشن‌شدن واقعیت‌ها در مسئله «انبارهای خالی مترو» در شرایطی که آقای چمران اسناد مورد ادعای خود را منتشر نمی‌کنند یا رسانه‌ها خبر از معرفی مدیران خاطی در خالی‌کردن انبارها به دادگاه نمی‌دهند، چاره‌ای نداریم جز آنکه به گزارش‌های حسابرسی شرکت بهره‌برداری متروی تهران مراجعه کنیم. با بررسی گزارش‌های حسابرسی این شرکت که در سامانه کدال منتشر شده، با این واقعیت‌ها مواجه می‌شویم که:

۱. براساس بند ۵ موجودی مواد و کالا در صفحه ۱۵ گزارش حسابرسی شرکت بهره‌برداری مترو در سال ۱۳۹۵ که از سوی مؤسسه حسابرسی دایارهیافت صادر شده است، درمی‌یابیم که شورای چهارم متروی تهران را با موجودی قطعات و لوازم یدکی به ارزش ۱۷۹ میلیارد تومان تحویل مدیریت دوره بعدی داده است.

۲. براساس بند ۱۵ موجودی مواد و کالا در صفحه ۲۲ گزارش حسابرسی شرکت بهره‌برداری مترو در سال ۱۳۹۵ که از سوی مؤسسه حسابرسی شاخص‌اندیشان ارائه شده است، حسابرس رسمی گواهی کرده است که موجودی قطعات و لوازم یدکی انبارهای مترو بالغ بر ۳۰۹ میلیارد تومان بوده است؛ همچنین حسابرس در یادداشت بند ۱-۱۵ از در راه بودن سه‌میلیاردو ۴۰۳ میلیون تومان قطعات و لوازم یدکی خبر داده است. علاوه‌براین در بند ۱۴ پیش‌پرداخت‌ها حسابرس پیش‌پرداخت ۱۳میلیاردو ۹۱۶ میلیون تومانی برای خرید قطعات را تأیید کرده است و این یعنی شورای پنجم متروی تهران را نه‌تنها با انباری دارای موجودی قطعات و لوازم یدکی تحویل مدیریت بعدی داده؛ بلکه در حد توان با سفارش به تأمین‌کنندگان داخلی برای سال بعد هم قطعات و لوازم یدکی پیش‌خرید کرده است.

۳. مطابق بند ۱۷ موجودی کالا مواد و کالا در صفحه ۲۳ گزارش حسابرسی شرکت بهره‌برداری مترو در سال ۱۴۰۰ که از سوی مؤسسه حسابرسی شاخص‌اندیشان تهیه شده است، شاهد آن هستیم که موجودی قطعات و لوازم یدکی انبارهای مترو به ۳۴۱ میلیارد تومان رسیده است؛ یعنی نسبت به سال ۱۳۹۹ نه‌تنها شاهد کاهش ارزش موجودی انبار نیستیم؛ بلکه ۳۲ میلیارد تومان به ارزش موجودی قطعات و لوازم یدکی افزوده شده است و رقم قطعات در راه نیز به صفر رسیده است.

۴. حسابرسان شرکت بهره‌برداری مترو در گزارش‌های خود در سال‌های اشاره‌شده با توجه به طبیعی‌بودن روند موجودی قطعات و لوازم یدکی در انبارهای مترو به موضوع خالی‌شدن انبارهای مترو یا خالی‌کردن انبارها برخورد نکرده‌اند و این موضوع را در یادداشت‌های توضیحی و اظهار نظر خود مورد تأیید یا اشاره قرار نداده‌اند.

بررسی گزارش‌های حسابرسی شرکت بهره‌برداری مترو به‌عنوان یک گزارش فنی و غیرسیاسی که از سوی حسابداران قسم‌خورده تهیه شده است و در سامانه کدال در دسترس عموم قرار دارد، بهترین محک برای ارزیابی ادعاهای آقای چمران و دیگران درباره خالی یا پربودن انبارهای مترو است. هرچند براساس قاعده «لبینه علی المدعی و الیمین علی من انکر» مدعیان خالی تحویل‌گرفتن انبارهای مترو باید اسناد و مدارک اثبات ادعای‌شان را منتشر می‌کردند؛ اما حالا با اشاره به این گزارش‌های غیرسیاسی و رسمی که از قضا تأیید مدیران وقت این شرکت‌ها را علاوه بر مهر تأیید حسابرس دارد، می‌توان درباره باطل‌بودن ادعای مدعی قضاوت کرد. شیخ اجل سعدی علیه الرحمه در گلستان برای درس‌آموختن ما چه نیکو گفت که:

باطل است آنچه مدعی گوید/ خفته را خفته کی کند بیدار

درحالی‌که خفتگان خود را با انکار و اصرار برای مقاصد سیاسی از حق و حقیقت دور می‌کنند؛ اما مردم بیدار و آگاه هستند!

رسانه‌ها اظهارات اعضای شورای ششم درباره خالی‌بودن انبارهای مترو را بازنشر می‌دهند؛ اما خبری از چگونگی برخورد با مدیران خاطی مسبب خالی‌شدن انبارهای مترو نیست. شهردار تهران حکم ریاست هیئت‌مدیره شرکت بهره‌برداری مترو را به نام آخرین معاون حمل‌ونقل و ترافیک دوره پنجم می‌زند، مدیرعامل شرکت بهره‌برداری مترو پس از ۹ ماه مدیریت تغییر می‌کند و گزارش‌های حسابرسی هم گواهی می‌دهند که انبارها خالی نبوده‌اند و مدعیان هم برای اثبات ادعاهای‌شان سندی منتشر نمی‌کنند. در این مدت که همه به دنبال انبارهای خالی مترو بودند؛ اما کمتر کسی به این مسئله توجه کرد که براساس گزارش‌های حسابرسی شرکت بهره‌برداری مترو، رقم هزینه بابت پذیرایی و جشن‌ها از ۸۹۰ میلیون تومان در سال ۱۳۹۹ به سه‌میلیاردو ۲۰۰ میلیون تومان در سال ۱۴۰۰ رسیده است و دراین‌بین مسافران مترو که به نام آنها کام دیگران شیرین شده است، همچنان ازدحام و تأخیر را تحمل می‌کنند و هزینه مدیریت ناکارآمد بر زیرساخت‌های شهری را می‌دهند.

پیشخوان
Pishkhan.com

در کمتر از ۲ ماه بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار گذرنامه و برگ گذر ویژه اربعین صادر و تمدید شد

اربعین عشق

شرق: با پایان مراسم پیاده‌روی اربعین مسافران و زائران مراسم اربعین در حال بازگشت به کشور هستند. پیش‌بینی می‌شود در این روزها مرزهای غربی و جنوب غربی ایران با ترافیک شدید حاصل از حضور مسافران مواجه باشند. همچنین به دلیل استفاده از ناوگان اتوبوس‌رانی استان‌های دیگر برای حمل‌ونقل مسافران اربعین سفرهای بین‌شهری هم با اختلال‌هایی همراه خواهد بود. اربعین امسال به نوبه خود بی‌نظیر بود و به نظر می‌رسد عشق به سالار شهیدان یادگاری تاریخی از سفر به اربعین را ثبت کرده است. عشاق حسین حضور در کربلا را به مناسبت اربعین امام حسین (ع) فرصتی می‌دانند تا وجود بی‌همتای سالار شهیدان را سرمه چشم و روشنایی‌بخش روح خود کنند.

صدور بیش از ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار گذرنامه در اربعین امسال

اینکه در اربعین امسال چه تعداد زائر شرکت کردند، سؤالی است که مسئولان برای آن اعداد و ارقام مختلفی بیان می‌کنند؛ اما دراین‌میان شاید بتوان میزان صدور گذرنامه را معیار بهتری برای شناختن تعداد دقیق زائران اربعین ۱۴۰۱ دانست. معاون هماهنگ‌کننده فرماندهی جمهوری اسلامی ایران با بیان اینکه امسال در فاصله کمتر از دو ماه بیش از دومیلیون‌و ۵۰۰ هزار گذرنامه و برگ گذر ویژه اربعین صادر شده، صدور این تعداد گذرنامه در این مدت کم را رکوردی بی‌نظیر عنوان کرد. سردار «محمدعلی نوری‌نژاد» در حاشیه بازدید از بخش‌های مختلف فراجا مستقر در پایانه مرزی شهید حاج «قاسم سلیمانی» مهران اظهار کرد: امسال در فاصله کمتر از دو ماه بیش از دومیلیون‌و ۵۰۰ هزار گذرنامه و برگ گذر ویژه اربعین صادر و تمدید شد که رکوردی بی‌نظیر محسوب می‌شود. او با بیان اینکه عشق به اباعبدالله الحسین (ع) از پشت میز کارکنان فراجا در ادارات مهاجرت و گذرنامه تا پایانه‌های مرزی مشهود است، افزود: بحمدالله همه کارکنان فراجا از مرکز تا مرزها همه در اجرای مأموریت خود خالصانه کار می‌کنند و همان‌طور که مشهود است، کارکنان فراجا در سخت‌ترین شرایط آب‌وهوایی به عشق اباعبدالله الحسین (ع) به مردم خدمت می‌کنند و بسیاری از این افراد ساعت‌ها خواب نداشتند تا مردم بتوانند در امنیت و آرامش و بدون مشکل خاصی از مرز عبور کرده و به سلامت به وطن بازگردند. معاون هماهنگ‌کننده فراجا، مأموریت اربعین را مصداق بارز خدمت بی‌منت کارکنان انتظامی به مردم عنوان کرد و اظهار کرد: فضای معنوی خدمتگزاری در مرزهای شش‌گانه کشور الگوی بسیار خوبی است و همین شیوه را باید در کلانتری‌ها، پلیس‌های تخصصی و همه یگان‌ها و رده‌های انتظامی کشور پیاده‌سازی و عملیاتی کنیم. سردار نوری‌نژاد، با بیان اینکه امسال هماهنگی بین رده‌های فراجا از مرکز تا پایانه‌های مرزی به بهترین نحو وجود دارد، خاطرنشان کرد: بحمدالله با سامانه‌های هوشمندی که در اختیار فراجا قرار دارد، تمام تدابیر فرماندهی به صورت دقیق اجرا شد و تا به امروز هیچ‌گونه مشکل و ناهماهنگی بین رده‌ها به وجود نیامد. معاون هماهنگ‌کننده فراجا با اشاره به بازدیدهای خود از رده‌های مختلف و نحوه خدمتگزاری به مردم از سوی مجموعه‌های انتظامی به زائران گفت: در این بازدیدها، ضمن دیدار با زائران و گفت‌وگو با آنها ارزیابی دقیقی درباره فعالیت‌های بخش‌های مختلف فراجا و رضایتمندی زائران انجام شد و ان‌شاءالله پس از جمع‌بندی نقاط قوت و ضعف عملکرد خود برای بهترشدن شرایط در سال‌های بعد تصمیمات لازم اتخاذ خواهد شد.

۹۳ ایرانی در پیاده‌روی اربعین فوت کردند

نابسامانی‌های روزهای نخست در برگزاری مراسم اربعین هم موجب شده بود که خبرهای نگران‌کننده‌ای از عراق به گوش برسد. کمبود امکانات و همچنین چند حادثه موجب شد تا چند روزی را با خبر درگذشت ایرانی‌های زائر در عراق پشت سر بگذاریم. حالا با پایان این مراسم سازمان حج و زیارت می‌تواند تصویر بهتری از این ماجرا را ترسیم کند. سازمان حج و زیارت اعلام کرد ۹۳ نفر از ابتدای پیاده‌روی اربعین تا روز جمعه ۲۵ شهریورماه فوت شده‌اند. این آمار بر پایه اطلاعات مرکز پزشکی حج و زیارت هلال احمر است و فقط زائران بیمه‌شده را که مشخصات آنها در سامانه سماح ثبت شده است، در بر می‌گیرد. سازمان حج و زیارت به ایسنا اعلام کرد از دیگر زائران فوت‌شده در پیاده‌روی اربعین که مشخصات‌شان در سامانه سماح ثبت نشده و بیمه نداشتند، اطلاعات و آماری ندارد. سفارت ایران پیش‌تر اعلام کرده بود که این زائران بیشتر بر اثر تصادف یا مرگ طبیعی در پیاده‌روی اربعین فوت شده‌اند. ازدحام جمعیت و گرمازدگی، ازجمله چالش‌های اربعین امسال نیز اعلام شده بود.

۲۷ هزار پاکستانی از مسیر ایران به زیارت اربعین رفتند

برگزاری مراسم اربعین هرساله با استقبال شیعیان کشورهای همسایه هم مواجه می‌شود. در همین راستا سخنگوی ستاد اربعین سیستان‌وبلوچستان گفت: از ابتدای مردادماه تاکنون ۲۷هزارو ۴۷۴ زائر پاکستانی از طریق دو مرز میرجاوه و ریمدان وارد سیستان‌وبلوچستان شده‌اند. جواد قنبری اظهار کرد: از این تعداد ۱۴هزارو ۵۷۷ زائر از طریق پایانه مرزی ریمدان شهرستان دشتیاری و ۱۲هزارو ۸۹۷ زائر از طریق پایانه مرزی شهرستان میرجاوه وارد استان شده‌اند. قنبری افزود: از ماه‌ها قبل برنامه‌ریزی‌ها برای ورود زائران اربعین از دو مرز ریمدان و میرجاوه انجام گرفته بود و زیرساخت‌های لازم در این دو مرز مخصوصا مرز ریمدان احداث شد. او بیان کرد: میزان ورودی زائران پاکستانی از طریق پایانه مرزی میرجاوه نسبت به مدت مشابه آخرین مرحله ورود پیش از شیوع بیماری کرونا حدود ۹۰ درصد کاهش داشته که علت اصلی آن وقوع سیل در کشور پاکستان است و در این حوزه نیز ما با عزیزان‌مان در کشور همسایه ابراز همدردی می‌کنیم.

موفقیت طرح امنیتی ویژه اربعین

میلیون‌ها شیعه از عراق و سایر کشورها دیروز مراسم احیای اربعین حسینی را در سایه تدابیر امنیتی شدید در استان کربلا برگزار کردند. مصطفی الکاظمی، نخست‌وزیر عراق، اعلام کرد که احیای این مناسبت الهام‌گرفتن از بالاترین ارزش‌های انسانی درباره وفاداری، صبر و ثبات است. مقامات عراقی ده‌ها هزار نفر از نیروهای ارتش، پلیس و دستگاه‌های امنیتی را با حمایت بالگردها و جنگنده‌های ارتش و نظارت وزرای کشور، دفاع، امنیت ملی و فرماندهان ارشد ارتش و دستگاه‌های امنیتی مستقر کرده‌اند. در این راستا عثمان الغانمی، وزیر کشور عراق و رئیس کمیته تأمین امنیت زیارت اربعین ضمن اعلام موفقیت طرح امنیتی ویژه اربعین حسینی گفت: حدود پنج میلیون زائر خارجی از طریق گذرگاه‌های زمینی و هوایی وارد کربلا شدند. نیروهای امنیتی از بیشتر استان‌ها در این طرح شرکت کردند. عبدالامیر الشمری، معاون فرمانده عملیات مشترک عراق نیز اعلام کرد که نیروی هوایی و جنگنده‌های ارتش قبل از آغاز مراسم اربعین عملیات پیش‌دستانه‌ای را انجام دادند.

حافظ موسوی: میراث رؤیایی بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ ادبیات است

رؤیایی، نقطه پایان یک نسل

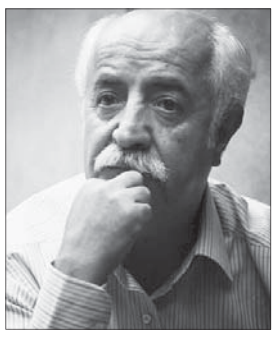

با درگذشت یداله رؤیایی پرونده یک نسل از شاعران بزرگ زبان فارسی بسته شد؛ نسلی که از شاگردان و نخستین پیروان نیما بودند. اخوان‌ثالث زودتر از همه رفت و به تازگی ابتهاج هم رفت و حالا یداله رؤیایی. ارادت و احترام آنها به نیما وجه اشتراک‌شان بود. اما اختلاف‌نظر کم نداشتند. همه در نخستین شعرهایشان ردپای نیما پیدا بود، اما به تدریج به مهر و نشان شخصی خود دست یافتند. در دهه‌ی سی همه سیاسی بودند، و غالبا توده‌ای. رؤیایی هم بود، زندانی هم شد. بعدها هم در گفت‌وگو با مسعود نقره‌کار درباره نقش حزبی که خود عضو آن بود یا دست‌کم با آن همکاری می‌کرد گفت: «باید قبول کرد که حزب توده‌ی ایران تلنگر روشنفکری و تلنگر بیداری و مدرنیسم را در ایران زد» (عبارت از چیست، آهنگ دیگر، ص ۳۰۰). بعد از کودتای شوم ۲۸ مرداد و به قول اخوان بعد از فروریختن سقف بلند آرزوهای نجیب آن نسل، هریک از آنان به راهی رفتند و خوشا که هیچ‌کدام به بیراهه نرفتند. اگرچه راه‌شان جدا و اختلاف‌های سیاسی و تفاوت سلیقه‌های ادبی‌شان آشکار شد اما حرمت نگاه داشتند و هرگاه که لازم بود پشت هم درآمدند. شاملو و رؤیایی برای این مدعا مثال‌زدنی‌اند. با همه‌ی اختلاف‌نظرهایشان، در مجله‌ی «بارو» که «با»یش از آن بامداد بود و «رو»یش از آن رؤیا، با هم همکاری کردند. گاهی در پرده و گاهی آشکار به هم انتقاد می‌کردند یا حتا به هم می‌پریدند اما می‌دانستند که جا و جایگاه‌شان کجاست و قدر هم را پیش چشم داشتند. به متن سخنرانی رؤیایی در مراسم بزرگداشت شاملو نگاه کنید. ببینید درباره‌ی شاملو با چه دقت و احساس مسئولیتی سخن می‌گوید: «او، شاملو، بیش از همه به راز کلمه نزدیک شد... مرگ شاملو امسال در کنار مرگ‌های دیگر شعر نو، شعر نو را نمای مرگ می‌کند» (همان، ص۳۲۲).

و حالا با مرگ سایه و رؤیا، شعر فارسی به‌راستی «نمای مرگ» شده است. این‌ها را گفتم تا آن‌هایی که برای مخدوش‌کردن چهره‌ی روشنفکری و روشنفکران ادبی و فرهنگی ایران، در پرونده‌های هریک از آنان دنبال حرف و سخنی علیه آن دیگری و دیگران می‌گردند، به کاری بیهوده مشغول‌اند.

آن‌هایی که با نوشته‌ها و دیدگاهم نسبت به «شعر حجم» و بیانیه‌ی آن آشنایی دارند احتمالا می‌دانند که من در نقد آن مطلب نوشته‌ام و ادعا کرده‌ام: «مبانی شعر حجم و بیانیه‌ی آن آشکارا مخالف بنیان‌های اصلی نظریه‌ی ادبی نیما است» (پانوشت‌ها، ص ۱۳۸). و گرایش عرفانی این جریان شعری را در مقایسه با نظریه شعری نیما گامی به پس ارزیابی کرده‌ام. البته در همان نوشته در بررسی بیانیه شعر حجم از دیدگاه بلاغت و معانی و بیان این را هم گفته‌ام که: «پیشنهادهای بیانیه‌ی شعر حجم از دیدگاه علوم ادبی قدیم، پیشنهادهایی قابل‌توجه و بعضا پیشرفته‌تر از تجربه‌ی شعر فارسی در دهه‌ی چهل و پنجاه است». رؤیایی در طول بیش از نیم قرن کار ادبی خود همواره حواسش به جریان‌ها و افت‌وخیزهای شعر فارسی بود و نسبت به آن‌ها واکنش می‌کرد. او در دو دهه‌ی چهل و پنجاه، تنبلی ذهنی و زبانیِ بخشی از شعر نو فارسی را که شعر را صرفا ابزاری برای بیانگری و تبلیغ و تهییج سیاسی و ایفای تعهد اجتماعی می‌پنداشت، اگرچه با عبارت نیش‌دار و ناروایی چون «حجره‌ی تعهد»، مورد انتقاد قرار داد و مراقبت از وجه زیبایی‌شناسی شعر فارسی را گوشزد کرد. همو در اواخر دهه هفتاد در برابر جریانی که از خودارجاعی زبان شعر و معناگریزی سخن می‌گفت بر نقش و سهم «انسان و جهان» در کنار «زبان» تاکید کرد و گفت: «من که آن روز آن‌طور بودم، امروز بی‌رنگ‌شدن تفکر مارکسیسم و به بوته‌ی فراموشی سپردن انسان در شعر را فقدانی می‌بینم و شعر را در خطر فقر می‌بینم» (عبارت از چیست، ص ۳۵).

حالا رؤیایی رفته است و ما مانده‌ایم و میراثی که او از خود به جای گذاشته است؛ میراثی که شماری از درخشان‌ترین و ساخت‌مندترین شعرهای مدرن فارسی را در خود دارد، میراثی که از غوطه‌ور شدن رؤیایی در ژرفای زبان فارسی نشان دارد. میراثی که گیرم خواننده‌گان فراوانی نداشته باشد اما بخشی جدایی‌ناپذیر از تاریخ زبان و ادبیات فارسی است.

یدالله رؤیایی دور از ایران درگذشت

سالِ مرگ شاعران

پیام حیدرقزوینی

سال هنوز از نیمه نگذشته که مرگ شاعری دیگر ادبیات ایران را از نو متأثر می‌کند. یدالله رؤیایی روز چهارشنبه بیست‌وسوم شهریور در نود سالگی در پاریس درگذشت. ادبیات ایران امسال را با مرگ رضا براهنی آغاز کرد و حالا با مرگ رؤیایی به نیمه این سال رسیده‌ایم و نام‌هایی که رفته‌اند هر کدام کافی بودند تا سالی را از سال‌های پیش و پس متمایز کنند: براهنی و سایه و رؤیایی. از بازی تلخ روزگار است لابد که در کمتر از نیم‌سال شاعرانی را از دست داده‌ایم که هرکدام برای چندده سال از شاخص‌ترین شاعران بودند و تلخ‌تر شاید اینکه هر سه در جایی بیرون از ایران درگذشتند. دقیق‌تر اینکه براهنی و رؤیایی چند دهه از ایران دور بودند و این در واقع ادبیات ایران بود که از حضور این دو محروم مانده بود. براهنی و رؤیایی هر دو شاعر و منتقد و نظریه‌پردازانی جریان‌ساز بودند و تأثیری عمیق از خود بر جا گذاشتند؛ نیز هر دو عضو هیئت مؤسس کانون نویسندگان ایران به شمار می‌رفتند و هیچ‌گاه برکنار از اجتماع و سیاست نبودند.

سال کودتا: مبدأ تعیین‌کنندهِ نسلی مجرم

یدالله رؤیایی به نسلی از شاعران معاصر تعلق داشت که از اولین پیروان نیما به شمار می‌رفتند. خودش گفته بود که شعر را از ۲۲ سالگی شروع کرده و از نسل شاعرانی است که بعد از سال‌های سی آمدند و توانستند نسل خود را بسازند: «نسل سال‌های سی، نسل خسته» که هم نطفه داشت و هم جرمی خاص؛ که نسل بی‌جرم نسل بایری است، نسل نیست، گروه آدم‌های هم‌سن‌وسالی است که سرگردانند. رؤیایی گفته بود شاعر خوب چنان شاعری است که در عین آنکه به نسل خود تعلق دارد، نسل شعر نیز تعلق به او داشته باشد، شعری نسل‌ساز؛ و گفته بود من چنین‌ام.

رؤیایی نیز مثل بسیاری دیگر از شاعران و نویسندگان هم‌نسلش، از سال‌های آغاز جوانی‌اش با سیاست و تفکر چپ و آرمان عدالت‌طلبی آشنا شده بود و پس از کودتای ۲۸ مرداد سی‌ودو دوبار زندانی شده بود. برای او نیز سال سی‌ودو سالی ویژه بود: «سال ۱۳۳۲ در حیات من و نسل من یک مبدأ تعیین‌کننده است. وقتی که همه در جست‌وجوی پناهی برای شکوه و شکایت بودند و هیچ سنگی صبور نبود، تنها شعر می‌توانست که آن همه نیروی ناگهانی بی‌مصرف‌مانده را طراوتی دیگر و صیقلی بهتر دهد. به زودی شعر به‌صورت نیاز درآمد و در همان سال‌های اول کارهای من، به من می‌گفت که باید مأموریتی را دنبال کنیم و از آن پس دیگر شعر تنها پناه نبود و هدف بود و موضوع زندگی و مقصود رفتن بود و مقصدهای دیگری هم اگر بود همه در خدمت این مقصود و در تشعشع آن می‌رفت».

رؤیایی پس از آزادی از زندان به دانشگاه می‌رود و سال‌های دانشجویی‌اش را در دانشگاه تهران در کنار شکوفایی شعرش می‌گذراند. او لیسانس حقوق قضائی و دکترای حقوق سیاسی را از دانشکده حقوق می‌گیرد و در همان زمان به‌طور جدی‌تر به مطالعه ادبیات ایران و جهان می‌پردازد و نخستین شعرهایش را در نشریه‌های ادبی منتشر می‌کند. در سال‌های ۳۰ شعرها و مقاله‌های رؤیایی در مجلاتی نظیر «سخن» و «راهنمای کتاب» و سایر نشریات معتبر آن دوران به چاپ می‌رسد.

دهه چهل: چهره کاملا مشخص رؤیایی

رؤیایی در آغاز دهه چهل اولین مجموعه شعرش را منتشر کرد. در ۱۳۴۰ انتشارات «کتاب کیهان» که در آن زمان توسط محسن هشترودی اداره می‌شد، چاپ اولین دفتر شعر رؤیایی را می‌پذیرد و «بر جاده‌های تهی» منتشر می‌شود.

رؤیایی در این دهه با انتشار مجموعه شعرهای «بر جاده‌های تهی»، «شعرهای دریایی»، «دلتنگی‌ها» و از «دوستت دارم» به عنوان شاعری شاخص مطرح شد و تأثیرش را بر شعر ایران برجا گذاشت. رؤیایی در این دهه به قول محمد حقوقی، «چهره کاملا مشخص» خود را ارائه داد و به‌خصوص با انتشار «شعرهایی دریایی» و «دلتنگی‌ها»، «بانی شاخه‌ای از پیشرفته‌ترین» شعرهای معاصر ایران شد. «شعرهایی دریایی» در سال ۱۳۴۵ توسط انتشارات «مروارید» منتشر شد و پس از انتشار بسیاری گفتند و نوشتند که رؤیایی به اوج خود رسیده و پس از این دیگر جایی برای اوج ندارد. شعر «سکوت» در مجموعه «دریایی‌ها» شعری چنان در اوج و مستحکم بود که براهنی درباره‌اش نوشته بود: «از نظر شکل ذهنی، تصاویر این شعر، چنان به یکدیگر بستگی دارند که اگر یک سطر از سطرهای هرکدام از بندهای شعر را حذف کنید، شعر دچار کمبودی خواهد شد که برای استحکام آن فاجعه‌ای است. تصاویر اینجا به موازات یکدیگر حرکت نمی‌کنند. آنها با یکدیگر همکاری می‌کنند، به مقابله با یکدیگر برمی‌خیزند و کشمکش سکوت و صدا را به نتیجه‌ای قطعی می‌رسانند. تمامی تصاویر از عینیت معمولی برخوردار هستند. یعنی می‌توان آنها را به راحتی پیش خود مجسم کرد، اگر زیبایی مطرح باشد، زیباترین تصاویر در این شعر به کار برده شده است ولی این شعر بر قطعه از «سبز به سبز» سپهری یک مزیت بزرگ هنری دارد. تصاویر شعر رؤیایی یک اجتماع هنری می‌سازند ولی تصاویر شعر سپهری، مثل خود سپهری، هریک در برج عاج خود، مدفون می‌شوند». عوامل مختلفی باعث شده بودند که رؤیایی نوعی شیفتگی همیشگی به دریا داشته باشد و یکی از این عوامل شاید زادگاه او بوده باشد: «...من بچه کویرم. دامغان ۱۸ فرسخ در ۱۸ فرسخ کویر است، دریای نمک. و اتفاقا پدر من مقاطعه‌کار معدن نمک بود و ما اغلب توی کویرهای آفتاب‌زده عجیب بودیم».

سالی بعد از «دریایی‌ها»، رؤیایی «دلتنگی‌ها» را منتشر کرد و نقطه اوجی دیگر را نشان داد. زبان شعری رؤیایی در شعرهای این دو مجموعه جاذبه‌ای داشت که تأثیر زیادی بر شاعران جوان‌تر یا حتی شاعران هم‌دوره‌اش گذاشت. رؤیایی در مصاحبه‌ای درباره اهمیت کلمه و زبان در شعر گفته بود: «آن‌قدر من با کلمه کار کرده‌ام که دیگر کلمه برای من زندگی شده است و گوشت و پوست من شده است و خود این زبان من که توی دهانم است کلمه است. و آنچه که به عنوان کلمه از زبان من جاری می‌شود چیزی جز تن من نیست و از این بابت هم خوشحالم. تمام توفیق شاعر در این است که با کلمه‌ها یکی بشود. گاهی این کلمه‌ها آن‌قدر در آدم حضور پیدا می‌کنند که من‌های دیگری می‌شوند که همیشه در مقابل آدمی هستند و او را دیوانه می‌کنند یعنی اعصاب آدم را در آن مواقع، اینها اداره می‌کنند. کلمه‌ها گاهی به تو می‌گویند که تو می‌توانی با ما کودتا کنی. یعنی کلمه، تو می‌شود که قادر می‌شود و تو، کلمه می‌شوی که قادر می‌شوی و در تمام تاریخ هیچ قدرتی به پای قدرت کلمه نمی‌رسد».

طلیعه شعر حجم

شعرهای مجموعه «دلتنگی‌ها» ویژگی دیگری هم داشت و آن اینکه نخستین طلیعه‌های شعر حجم در آن دیده می‌شد و افق‌های تازه‌ای را نشان می‌داد. چنین بود که شاعرانی دیگر در کنار رؤیایی قرار گرفتند و «مانیفست حجم‌گرایی» را منتشر کردند. به جز رؤیایی، شاعرانی دیگر چون پرویز اسلامپور، بیژن الهی، بهرام اردبیلی، فریدون رهنما، محمود شجاعی، محمدرضا اصلانی، هوشنگ چالنگی و چند شاعر و هنرمند دیگر یا متن بیانیه را امضا کردند یا از آن استقبال کردند. به‌این‌ترتیب در اواخر دهه چهل رؤیایی به همراه تعدادی دیگر از شاعران هم‌فکرش جریان «شعر حجم» را پایه گذاشت و با انتشار «بیانیه حجم‌گرایی» در سال چهل‌وهشت این گونه شعر را در فضای ادبی ایران به طور جدی مطرح کرد. پس از آن با انتشار مجله «شعر دیگر» اشعار و ایده‌های این شاعران بیش از پیش مطرح شد. رؤیایی در بخشی از گفت‌وگویی با جلال سرافراز درباره حجم‌گرایی گفته بود:

«...حجم‌گرایی یک مکتب نیست یک کشف است، کشف یک نوع تحرک ذهن و نوعی زندگی خیال، پس وقتی صحبت از کشف است یعنی این زندگی خیال وجود دارد و داشته است، از عصرهای کهن تا عصرهای نیامده، و ما به این نتیجه رسیده‌ایم که محصول‌ها و زاده‌های این ذهن، ذهنی که توقفی روی واقعیت‌ها نمی‌کند، و برای شناختن آن از جانب‌های سه‌گانه به آن نگاه می‌کند، چنین ذهنی همیشه خالق آن چیزی است که ما برای اولین‌بار می‌بینیمش... شعر حجم در رفتار سالم چنین ذهنی خلق می‌شود. اگر تعریف آکادمیکی از آن می‌خواهید، در یکی، دو جمله و در این گفت‌وگو میسر نیست، بیانیه حجم‌گرایی آن را در پریدن‌های از سه بعد خلاصه کرد، ولی در اطراف آن شاعران حجم‌گرا توضیح بسیار دادند».

خود رؤیایی تا همین اواخر در مقاله‌ها و مصاحبه‌ها و صحبت‌هایش بارها درباره تلقی‌اش از شعر و ایده‌های شعری‌اش توضیح داده بود. بخش عمده‌ای از مقاله‌ها و مصاحبه‌های رؤیایی در چند کتاب مثل «از سکوی سرخ»، «هلاک عقل به وقت اندیشیدن»، «عبارت از چیست» و «چهره پنهان حرف» منتشر شده است.

رؤیایی در دهه چهل به روزنامه‌نگاری هم پرداخته بود و تأسیس هفته‌نامه «بارو» با همکاری احمد شاملو و انتشار «دفترهای روزن» از جمله فعالیت‌های او در این عرصه بوده است. رؤیایی پس از چهار مجموعه شعری که در دهه چهل منتشر کرد، مجموعه شعرهای دیگری هم به چاپ رساند که عبارت‌اند از: «لبریخته‌ها»، «هفتاد سنگ قبر»، «منِ گذشته امضا» و «در جست‌وجوی آن لغت تنها».

نظریه‌پردازی و نقد ادبی

نقد ادبی بخشی جدانشدنی از کارنامه رؤیایی است. خود او در مصاحبه‌ای گفته بود که «من اولین کسی هستم که نقد متدیک را در این مملکت ارائه دادم» و منظورش نقدهایی بوده است که در اواخر دهه سی در انتقاد کتاب و بررسی کتاب منتشر کرده بود. رؤیایی و براهنی نقش مهمی در شکل‌گیری نقد ادبی در ایران داشتند و اگرچه در سال‌ها و جاهای مختلف به مواجهه با هم پرداختند اما در موارد زیادی هم کار یکدیگر را تأیید می‌کردند. شکل‌گیری فضای نقد و گفت‌وگو در فضای ادبی در آن سال‌ها به تلقی شاعران و نویسندگان آن دوره هم مربوط بود. شاعران و نویسندگانی که باور به ایدئولوژی و کار روشنفکری را مانع خلاقیت ادبی و هنری نمی‌دانستند و در برابر مسائل مهم دوران‌شان حساسیت داشتند. رؤیایی یک بار در گفت‌وگویی به نقدها و صحبت‌های براهنی پاسخ داده بود اما در پایان گفته بود: «من همیشه این اعتقاد را داشتم که اگر براهنی نبود، جامعه شعر ایران یک مقدار زیادی این تحرک فعلی را نداشت، هیچ‌کس تاکنون مثل براهنی راه نیفتاده که این‌قدر خودش را مجهز بکند، هیچ‌کس مثل او معتقد به دانش‌های انتقادی نیست، شعر معاصر لااقل به دو سه تای دیگر مثل او نیاز دارد اینها هم که فعلا پیدا شده‌اند حشره‌های متعارفی بیش نیستند که تقلید او می‌کنند».

ادبیات ما اینک اما در فاصله‌ای کوتاه براهنی و رؤیایی را با هم از دست داد، اگرچه درواقع خیلی پیش از این از آنها محروم مانده بود.

یاد

علیرضا رئیس‌دانا*: رؤیایی راست‌کردار و اندیشه‌ورز بود

از «نو» نمی‌ترسید

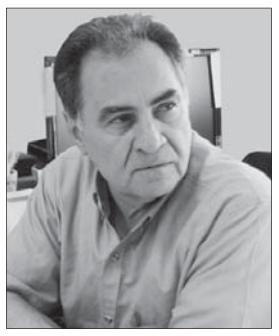

سال‌ها پیش از یدالله رؤیایی کتاب «چهره پنهان حرف» را منتشر کردم و بعدها هم آثار دیگرش را، «هفتاد سنگ قبر»، «از سکوی سرخ»، «هلاک عقل به وقت اندیشیدن» و «منِ گذشته امضا». از آن سال تا به امروز او را مردی دیدم وارسته و خوش‌طینت. مثل شاملو و سیمین بهبهانی راست‌کردار بود و اندیشه‌ورز. از «نو» نمی‌ترسید، بهتر است بگویم مدافع آن بود. از همین‌رو بود که «شعر حجم» را بنیان نهاد. بر مخالفان شعر نو می‌تاخت و پدیدارشناسی را در شعر وارد کرد و طرفدار یافت. رؤیایی کارهای بسیاری کرد؛ از مجله و نشر گرفته تا شعر و کتاب و بیانیه. از او خاطراتی خوب در ذهن دارم، همیشه پرملاحظه بود و در عین بزرگی و شأن والایش، قدردانی می‌کرد. خاطره اخیرم از او در نمایشگاه کتاب ۱۴۰۱ بود که کتابش را تجدید چاپ کرده بودیم. با او صحبت کردم و تشکر کرد که نام و کتابش را از یاد نبرده‌ایم. کردار و اشعار و رسم او را باید در پیش چشم گذاشت. او نیز چون شاملو و بهبهانی حافظه این سرزمین بود. از همان جوانی فعالی سیاسی بود. به زندان افتاد و در ۲۲سالگی شعرهایش را با نام مستعار منتشر کرد، تحصیل کرد و همچون بسیاری دیگر از بزرگان در غربت چشم از جهان فروبست.

نمی‌دانم سبک و سیاق و راه این نسل جوان به کدام سو خواهد رفت، اما امیدوارم حالا که در این دویست سال چیزی از بحران‌هایمان کم نشده، از میراث این بزرگان خوشه‌ای برچینند. وقتی به او و شاملو و سیمین بهبهانی و تلاش‌های خودم در مقام ناشر فکر می‌کنم، با خودم می‌گویم ما در حد توان تلاش کردیم. کسی چون او هرگز به وضع و شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه بی‌اعتنا نبود و شعر جایی برای بیان این دردمندی‌هاست. روانش شاد و یادش گرامی.

*** مدیر انتشارات نگاه**

علی باباچاهی: رؤیایی از شاعران ماندگار شعر مدرن ایران است

شعر رؤیایی دچار زوال نشد

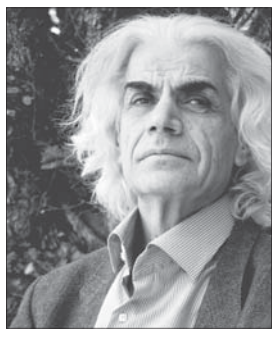

یدالله رویایی شاعر تیزهوشی بود و زبان فارسی را خوب می‌دانست. افزون بر این شعر او دارای ابعاد مختلفی از لحاظ وزن و معنا است و به تعبیری می‌توان گفت شعر او شعری رنگارنگ است. رؤیایی شاعر فرهیخته‌ای است که نه فقط در مجموعه «دریایی‌ها» بلکه در کتاب‌های دیگری مثل «در جست‌وجوی آن لغت تنها»، «ده سنگ قبر» یا دیگر دفترهای شعرش روحی جست‌وجوگر را در او می‌بینیم. بنابراین در کار رؤیایی توقفی شاهد نیستیم و شعر او در سال‌هایی هم که در خارج از ایران بود دچار زوال نشد.

اما آنچه باید درنظر داشت، این است که هیچ شاعری را نمی‌توان جامع‌الاطراف نامید و لزومی هم به چنین نام‌گذاری وجود ندارد. بیشتر شاعرانی که دارای اعتبار هستند، شعرشان اعتبار آنها را متجلی می‌کند.

نکته قابل توجه این است که حقیقت امر خبر از این می‌دهد که رؤیایی تحولاتی را که در شعر دهه هفتاد خورشیدی اتفاق افتاد درک نکرد. در دهه هفتاد در صحنه ادبیات و شعر ما تغییراتی شکل گرفت که بخشی از آن ناشی از ترجمه متونی از نظریه‌پردازان و فیلسوفان متأخر غربی بود که مهم‌ترین آنها در آن دوره مثلث دریدا، بارت و فوکو بودند. آرای هر یک از این سه چهره تأثیرگذاری خاص خودش را در فضای ادبیات ما داشت. مثلا فوکو بر امر قدرت و درواقع بر نفی قدرت تکیه می‌کرد و از همین منظر ما می‌توانستیم از شعر معاصر ایران خوانشی دیگر هم داشته باشیم. بر اساس این نگاه ما می‌توانستیم شعر شاعران بزرگ دهه چهل، مثل شاملو و اخوان و حتی پیش‌تر از آنها نیما را مورد خوانش قرار دهیم. خوانشی بر اساس این دیدگاه که شاعران بزرگ ما در آن دوران مسائل را دوتایی و تقابلی می‌دیدند. به‌عبارت‌دیگر مسائل را به شکل تقابل خیر و شر یا ذهن و عین می‌دیدند و درنهایت یک قطب را بر قطب دیگر ترجیح می‌دادند. رؤیایی این مبحث و به‌طورکلی مباحث مطرح‌شده در دهه هفتاد را درک نکرد و از این‌رو نتوانست خوانشی انتقادی از خودش داشته باشد؛ بنابراین زمانی که امکان درک این موضوع وجود ندارد می‌بینیم که فرد پایبند سفارش‌های شاعرانی مثل نیما است.

حال پرسش این است که آیا نیما شاعری کوچک است؟ قطعا خیر. نیما شاعری است که در برابر سنت هزارساله شعر فارسی ایستاده است و ما به تعبیری بر شانه او و شاعران بزرگ پس از او افق‌های تازه را تماشا می‌کنیم. اما تمام پیشنهاداتی که نیما مطرح کرده به طور جامد و ثابت نیستند و می‌توان با نگاهی انتقادی آنها را بررسی و بازخوانی کرد و درواقع اگر مجهز به آن بینش باشیم می‌توانیم انتقاداتی به این پیشنهادها مطرح کنیم. از جمله این انتقاد که این شاعران مسائل را دوقطبی می‌دیدند. مثلا نیما بر علیت به مثابه یک حقیقت یگانه تأکید داشت. چرا؟ برای اینکه به زعم او شعر کلاسیک فارسی غرق در ذهن‌گرایی است بنابراین نیما به عینیت روی می‌کند و تا حدی پیش می‌رود که مؤلفیت ذهن را فراموش می‌کند. اگر چنانچه مؤلفیت ذهن را از حیطه آفرینش هنری حذف کنیم، مثلا کارهایی مثل «مسخ» کافکا یا «بوف کور» صادق هدایت، خلق نمی‌شود چرا که ما می‌بینیم فضای «بوف کور» یا «مسخ» واقعیتی غیرقابل باور است اما درعین‌حال واقعی‌ترین چهره حقیقت را نشان می‌دهد. اگر فردی از این درک و دریافت کناره بگیرد، که در اینجا منظورم نیما است، یحتمل از این نکته دور می‌ماند. یا مثلا نیما از واژه ساخت‌مند استفاده می‌کند یعنی اینکه شعر باید یک وحدت ارگانیک داشته باشد و تک مرکزیتی باشد. منتقدان مدرنو نیما نیز، مثل زنده‌یاد محمد حقوقی، از او پیروی می‌کردند و می‌گفتند شعر باید اینگونه باشد و وحدت ارگانیک داشته باشد. او می‌گفت مثلا اگر قلوه سنگی را در رودخانه استخر بیندازیم وقتی قلوه سنگ به آب داخل می‌شود یک مرکزیت ایجاد می‌شود و پیرامونش موج‌هایی به وجود می‌آیند که دوایر آن هستند. به تعبیر زنده‌یاد حقوقی شعری که وحدت ارگانیک دارد دارای یک مرکز است و این مرکز دوایری دارد که دور آن می‌چرخند. حالا اگر بنده بگویم که ما در کنار این آب ایستادیم و به‌جای آن قلوه‌سنگ چند قلوه‌سنگ به آب بیندازیم آن‌گاه چندین مرکز ایجاد می‌شود و چندین و چند دایره مختلف شکل می‌گیرد. پس ما با شعری چند مرکزیتی روبه‌رو می‌شویم که این شعر به‌هرحال متصل می‌شود به روایت‌های متعددی که جای بحثش البته اینجا نیست.

با همه این اوصاف، یدالله رؤیایی یکی از شاعران ممتاز، درخشان و ماندگار شعر مدرن ایران است و البته شعر مدرن مرحله‌ای پس از خودش هم دارد که به آن فرامدرن یا پست‌مدرن می‌گویند. هر سرزمینی پست‌مدرنیسم خودش را دارد و این را در پاسخ به کسانی می‌گویم که می‌گویند در جامعه‌ای که هنوز مدرنیسم را تجربه نکرده چگونه می‌توان صحبت از پست‌مدرنیسم کرد. شاعر ما که متأسفانه او را از دست دادیم، به واقع شاعری معتبر و موردتحسین من بود و من و تمام دوستداران جدی شعر و ادبیات فارسی سوگوار رفتن او هستیم.

Pishkhan.com

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹
تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم تلفن: ۴۴۵۳۳۷۲۵
www.sharghdaily.ir
یکشنبه ۲۷ شهریور ۱۴۰۱ • ۲۱ صفر ۱۴۴۴ • ۱۸ سپتامبر ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۳۷۷ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۵۹ • اذان مغرب ۱۹:۲۶
اذان صبح فردا ۵:۲۵ • طلوع آفتاب ۶:۵۰

روزنامه شرق

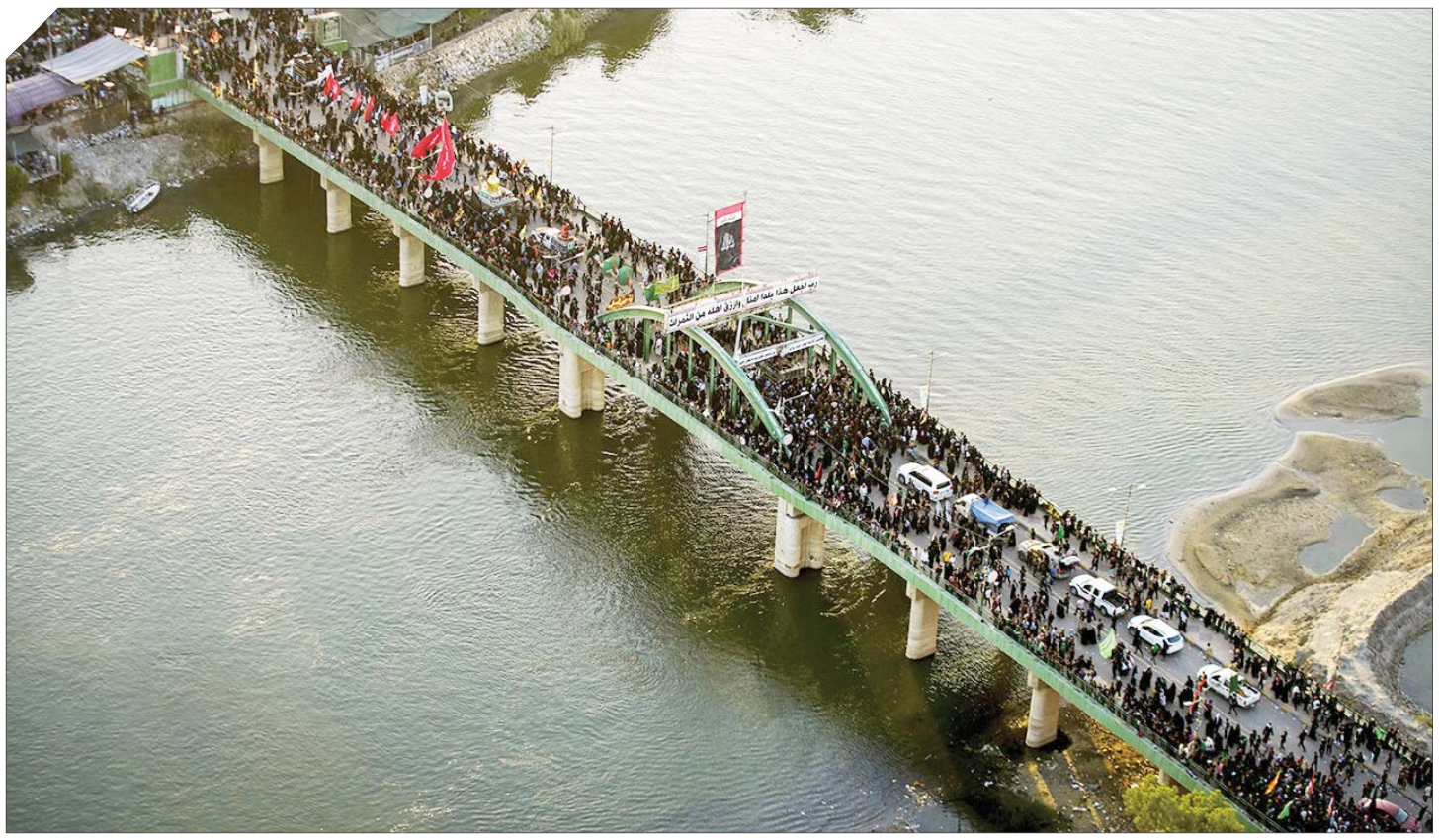

◆ میلیون‌ها نفر از عاشقان و محبان اهل بیت علیه‌السلام از داخل و خارج از عراق خود را به شهر کربلای معلا رسانده‌اند تا در مراسم اربعین حضور یابند.
عکس: حسین حاجیلری/ایرنا

دیالوگ روز

دورافتاده - رابرت زمیکس - ۲۰۰۰

چاک (تام هنکس): قرار نبود از اون جزیره بیام بیرون. قرار بود اونجا بمیرم. کاملا تنها. تنها انتخابی که داشتم این بود که کِی، چطور و کجا این اتفاق می‌افته. پس یه طناب درســـت کردم و رفتم بالای کوه که خودمو دار بزنم. وزن اون کنده، شاخه درخت رو شکست... پس من حتیِ اون‌طور که خودم می‌خواستم هم نمی‌تونستم خودم رو بکشـــم. من بر «هیچ‌چیز» قدرتی نداشتم. دونستم یه جوری باید زنده بمونم و درحالی‌که تمام منطقم بهم می‌گفت که دیگه هیچ‌وقت اینجا رو نمی‌بینم... پس این کارو کردم. من زنده موندم و بعد یک روز، اون منطقم کاملا اشتباه از آب دراومد. چون جریان آب برام یه بادبان آورد.

هزینه سنگین و جبران‌ناپذیر

زهرا کریمی

خبر درگذشـــت مهســـا امینـــی دختر ۲۲ســـاله کُرد پس از بازداشت از سوی گشت ارشاد، افکار عمومی را به‌شدت جریحـــه‌دار کرده اســـت. بـــروز چنین فاجعـــه‌ای را چگونه می‌تـــوان توجیه کرد؟ نهادهایی که رفتار خشونت‌آمیز با جوانانی دارند که در جمهوری اسلامی به دنیا آمده‌اند، در نظام آموزشی رسمی کشـــور درس خوانده و به‌طور مداوم در معرض برنامه‌های ارشـــادی صداوسیما قرار داشـــته‌اند، دنبال کســـب چه دستاوردهایی هســـتند؟ برخی همچنان بر این باورند که آنچه درطی ســـالیان گذشته انجام شده، ناکافی است و باید ترویج این آموزه‌ها را شدت بخشید.

این افراد حاضر به عبرت‌گرفتن از شکســـت روش‌های نادرســـت نیستند و هزینه سنگین و جبران‌ناپذیری را بر جامعه، فرهنگ و امنیت کشور تحمیل می‌کنند.

هنوز فاجعه خودســـوزی و مرگ تلخ ســـحر خدایاری، دختر آبی، در اعتراض بـــه ممنوعیت ورود زنان به ورزشـــگاه‌ها از یاد نرفته اســـت. ســـرانجام زنان به ورزشگاه‌ها راه یافتند؛ ولی هزینه سنگین مرگ این دختر جوان جبران‌ناپذیر است. این‌گونه فاجعه‌ها باید چقدر تکرار شـــود تا رفتار خشـــونت‌بار و تحقیرآمیز علیه زنان در سراسر کشور متوقف شود؟

همه‌ساله صدها خانواده ایرانی، برای فرار از رفتار سخت‌گیرانه نسبت به زنان و استفاده از آزادی‌های فردی به کشور مسلمان همسایه ترکیه یا دیگر کشورهای منطقه مانند ارمنســـتان و گرجستان سفر می‌کنند و بخشی از منابع محدود ارزی کشـــور را برای این ســـفرها صرف می‌کنند. با گذشـــت بیش از ۴۳ سال از انقلاب اســـلامی آیا هزینه‌های اقتصادی، اجتماعی این سخت‌گیری‌ها به‌درستی ارزیابی شده است؟

نتایج نظرســـنجی‌های رسمی نشان می‌دهد که بیش از ۵۰ درصد مردم ایران با رفتار خشـــونت‌بار علیه زنان مخالف‌اند. بســـیاری از افـــراد مقید به حجاب از خانواده‌های متدین نیز به وضوح مخالفت خود را با این رفتارها و گشـــت ارشاد بیان کرده‌اند.

رفتار خشـــونت‌آمیز نیروهـــای انتظامی با زنان خاطرات بســـیار تلخی را برای بخشـــی از جمعیت کشور ایجاد کرده اســـت و همان‌گونه که علی مطهری تأکید کرده، برای ایران چهره‌ای مشابه طالبان در ذهن مردم جهان ترسیم می‌کند.

متأســـفانه به باور بخشـــی از مردم، در سال‌های گذشـــته با وجود تبلیغات و آموزش‌های گســـترده از ســـوی نهادهای رسمی کشـــور برای ترویج ارزش‌های متعالی، کلاهبرداری، دروغ، اختلاس، جعل سند، اعتیاد و انواع سرقت و خشونت به نحو چشمگیری افزایش یافته و حتی سن انواع خلافکاری به کمتر از ۱۸ سال رسیده است.

ایـــن روند نگران‌کننده به وضوح نشـــان‌دهنده بی‌اثربـــودن برخی تبلیغات و آموزه‌های رسمی در مقابله با دیگر عوامل انگیزشی است.

براســـاس تعالیم دینی، اخلاقی و انسانی تحقیر مردم به هر بهانه‌ای غیرقابل قبول اســـت. در ماجرای تلخ درگذشـــت مهســـا امینی باید از همه دوربین‌های مســـتقر در بازداشتگاه وزرا اســـتفاده شـــود تا افراد خاطی معرفی شوند. باید از خانواده داغدار امینی، به‌ویژه پدر و مادر مهســـا که رنج جانکاهی به آنها تحمیل شـــده، با همه امکانات دلجویی شـــود. و با کنارگذاشتن گشت ارشاد و روش‌های پرهزینه و بی‌فایده برای ترویج ارزش‌های دینی و انسانی، از تکرار چنین فجایعی جلوگیری شود.

پنجره شهر

«مهسا» جان ما است

زهرا نژادبهرام

موضوع مرگ خانم مهســـا امینی، دختر من، دختر شـــما، دختر همه ایران، بســـیار غم‌انگیز و تأسف‌آور بود. فرزند این ســـرزمین که تحت آموزش‌های مـــا قرار گرفته و فقط ۲۲ بهار از زندگی‌اش گذشـــته بود، دســـتخوش تصمیماتی قرار می‌گیرد که جانش را بر اثر آن از دست می‌دهد. هـــر توجیهی مبنی بر اینکه قبلا بیمار بـــوده یا نه، هر توجیهی دراین‌باره که ما صحبت خاصی نکرده‌ایم، همه و همه مؤید این نکته اســـت که ایجاد ترس و وحشـــت کرده‌ایم. این ترس و وحشـــت به تنهایی می‌تواند یک انسان را از بین ببرد. چگونه می‌توانیم پاسخ این فاجعه را بدهیم؟

اگر امنیت که ضرورت زندگی جمعی اســـت از سوی ضابطان امنیت، کادر درمان، مدیران یک کشور و هم‌وطنان یک فرد ایجاد نشود، چگونه انتظار داریم فرد در جامعه زیست کند؟

اعتماد به بی‌اعتمادی تبدیل شـــده است؛ آنجا که ضابطان و مسئولان باید اعتماد را در جامعه بازتولید کنند، اعتماد را از ریشه می‌زنیم و یک سرمایه ملی را به چالش می‌کشـــیم و خانواده‌هایی را داغدار می‌کنیم و جان عزیزانشان را از دست می‌دهند.اگر آنجایی که مادری جلوی ون «گشت ارشاد» فریاد می‌زد که دخترم بیمار اســـت، آنجایی که زنی روی زمین کشـــیده می‌شد، آنجایی که زنی -به نظر می‌رســـید نماینده پلیس باشـــد- موهای دختری را می‌کشـــید تا سوار ماشین «گشت ارشاد» کند، آنجا مدیران و مسئولان متوجه می‌شدند چه خطای بزرگی درحال رخ‌دادن اســـت، ما امروز دچـــار مصیبت مرگ دخترمان «مهســـا امینی» نبودیم. «مهســـا امینی» یکی از دختران این سرزمین است که با مرگش غم زیادی را بر دل ما نشـــانده اســـت. زبان قاصر است از بیان مرگ یک جوان که آرزوهای زیادی در ســـر داشـــت اما ما به‌راحتـــی آرزوهای او را زیر خاک کردیـــم. کجای قوانین به ما این اجـــازه را داده که با این رویکردها و رفتارها جان انســـان‌ها را بگیریم؟ آیا حجاب متعارف با حجاب مورد قبول ما تفاوت نکرده؟ آیا لباس متعارف با لباســـی که امروز در جامعه مورد استفاده قـــرار می‌گیرد، تفاوت نکرده اســـت؟ چرا باور نمی‌کنیم کجا هســـتیم؟ چرا به تفاوت‌های نسلی خود توجه نمی‌کنیم؟ چرا تفاوت‌های نگرشی را مدنظر قرار نمی‌دهیم؟ مگر برای اداره جامعه با خشـــونت می‌توان مبانی اخلاقی مدنظر را نشـــر داد؟ هیچ‌کجا خشونت نتوانســـته راهکار برون‌رفت از آنچه تبدیل به رویه اخلاقی شده است، باشد. خشونت درواقع مخالف و متضاد اعتماد است. هیچ‌کجای اســـلام هم به خشونت اشاره نشده اســـت. من تعجب می‌کنم از مدیران و مســـئولان که چگونه می‌توانند با راه‌اندازی «گشت ارشاد»، دختران مـــا را دچار تـــرس از حضور در معابر عمومی کنند.«مهســـا» دختر ما تنها ۲۲ ســـال توانست در کشورش زندگی کند. دختر ما بیش از ۱۱، ۱۲ سال در سیستم آموزشی درس خوانده اســـت؛ چگونه آموزش‌ها نتوانسته او را به‌سوی آنچه مطلوب اســـت، دعوت کند؟ مگر نه اینکه آموزش‌ها با ذهن و اندیشه دختران ما هماهنگ نبوده اســـت؟امروز، چرا باید «مهسا» را در خاک بگذاریم؟ مهسا آرزوهای بسیاری داشت. ما چگونه می‌توانیم پاسخ «مهسا»های کشورمان را بدهیم؟ واقعا این چه رویه‌ای است که در کشور ما وجود دارد؟ چرا از این همه تعارض با مردم دســـت برنمی‌داریم؟ چرا این همه به مردم فشـــار می‌آوریم؟ معاون امور زنان ادعا می‌کند ما «گشـــت ارشـــاد» نداریم! پـــس این فیلم‌ها، این ماشـــین‌ها چیه؟ آیا ایران آنها با ایرانی کـــه ما در آن زندگی می‌کنیم، فرق می‌کند؟ چرا جامعه را این‌قدر در التهاب قرار می‌دهیم؟ جامعه‌ای که به دلیل اتفاقات اقتصادی داخلی و فشـــارهای خارجی که رخ می‌دهد، این‌قدر تحت فشـــار، فقر، بی‌کاری و تورم قرار دارد. ما همه در برابر مرگ این دختر مســـئول هستیم؛ ما، دولت، پلیس، رســـانه‌ها و... . «مهسا» جان ماست؛ دختری که به دلیل رفتارهـــا، رویه‌ها و تصمیم‌های بدون تأمل دچار مرگ می‌شـــود. آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس که دو ســـال پیش منتشر شده، اعلام کرده بود از این رویه‌ها دست بردارید و بگذارید جامعه به حال خودش باقی بماند. طبق آمارگیری‌های ایســـنا، ۷۰ درصد دختران این شیوه رفتاری درباره حجاب را قبـــول ندارند. اگر ایـــن داده‌ها و مطالعات جامعه‌شناســـان را قبول نداریم، پـــس چه چیزی را می‌پذیریم؟ ما کجای کار هســـتیم؟ما در ایرانی ناشـــناخته زندگی می‌کنیم. خشـــونت در «ایران»مان به اوج رســـیده است. زن ایرانی در مرکز پلیس که قرار اســـت مرکز امنیت باشـــد، می‌میرد؛ دلیل این همه اتفاق چیســـت؟ مگر نه اینکه داریم اعتماد را به این نهادهای اعتمادزا در جامعه از بین می‌بریم؟ شـــهر ما بدون اعتماد شـــهر نیست. کشور ما بدون اعتماد کشور نیست. اگر همان زمان که مردی توسط همین ضابطان در مرکز پلیس جانش را از دست داد، گلوله خورد به شـــکل دیگری رفتار می‌شـــد، الان شرایط به شکل دیگری بود. همه باید پاسخ‌گو باشـــند. جامعه بدون تغییر ساختار قانونی نمی‌تواند با این مســـئله کنار بیاید. اظهار تأســـف نمایندگان مجلس، اظهار تأسف‌های فردی کافی نیست. رؤسای قوا باید پای این قضیه بایستند.جان یک انسان به‌راحتی از دســـت رفته است؛ مگر چنین چیزی ممکن است؟ آیا ما نمونه‌هایی داریم که در زمان پیامبر(ص) این‌گونه رفتار می‌شـــد؟ پیامبر، پیامبر رحمت بوده است، «اسلام» دین رحمت اســـت و به‌صراحت اعلام می‌کند «لااکراه فی‌الدین». به چـــه حقی قانونی مصوب می‌کنید که منجر به این همه فشـــار و بی‌اعتمادی شـــود و این‌چنین ساختار جامعه را دچار تزلزل و تنش کند؟ چه کسی پاسخ‌گو است؟ یقینا مسئولان پاسخ‌گو هستند.

یادداشت

تفکری با استانداردهای دوگانه!

بهروز ایاز

در کتاب جنگ و صلح نوشته لئو تولستوی، وقتی ناپلئون درصدد حمله به روســـیه بود، پرنس نیکلای آندره یویچ بالکونسکی، نظامی باتجربه و سالخورده روسی با انتقاد از پیمان تیلسیت گفت: «سیاست خارجی ما باید در شرق فعال باشـــد؛ اما در برابر ناپلئون ما یک راه بیشتر نداریم؛ تســـلیح و تقویت قوا در مرز، و اســـتواری در سیاســـت. دراین‌صـــورت بناپارت هرگـــز جرئت نخواهد کرد که مثـــل ۱۸۰۷ به مرز ما تجاوز کنـــد». دراین‌میان کنت راســـتوپچین، از دوســـتان او و نظامیان ارتش گفت: «ولی حضرت پرنس، ما چطور می‌توانیم با فرانسویان بجنگیم؟ وقتی که آسمان و بهشت ما پاریس است... جوانان ما را ببینید، چطور می‌توانیم با فرانســـویان بجنگیم، وقتی لباس‌های ما فرانســـوی است، افکار ما فرانســـوی است، احساسات ما فرانسوی است». این قضیه مصداق نسبتا دقیقی برای شرایط کنونی ما است. درحالی‌که دولت مدعی مقابله با غرب و ارزش‌های غربی است، اعضای دولت، کشورهای غربی را محیط مناسبی برای زندگی و سرمایه‌گذاری برای فرزندان خود می‌دانند. جناح حاکم در رأس قوه مجریه و مقننه، جناحی است که سال‌هاســـت خود را ضدغربی‌ترین و انقلابی‌ترین جناح سیاسی درون کشور می‌داند. جناحی که در مجلـــس، خود را انقلابی معرفی کرده و در قوه مجریـــه خود را طرفدار محرومان و محققکننده آرمان‌های نظام. اما هنوز ســـه ماهی از ماجرای افشـــای سیســـمونی گیت مربوط به رئیس مجلس انقلابی نگذشـــته است که خبر از رشوه مشـــاور وزیر راه و شهرسازی خبرساز شد؛ اما موضوع به این ختم نشد و خبر مهاجرت فرزندان برخی از اعضای کابینه دولت ابراهیم رئیسی همه‌گیر شد. در یکی از این موارد، افشا شد که فرزند انسیه خزعلی، صاحب شرکتی در کانادا به نام gate7 مرتبط با فروش فیلترشکن است. اینکه اخذ امتیاز و مجوز شرکتی در کانادا با کدام پول صورت گرفته است، در جای خود قابل بحث است؛ اما سؤال اینجاست، چرا تفکری که خود را هسته اصلی و طرفدار پروپاقرص نظام می‌داند و ســـال‌ها پرچم ضدغربی را برافراشته است، فرزندان خود را به کشورهایی می‌فرستد که همواره فرهنگ و تفکر آنها را «دیگری» مردم ایران و انقلاب اســـلامی معرفی کرده اســـت. بنابر اطلاعات منتشرشـــده، بیش از چهار هزار نفر از فرزندان مقامات جمهوری اســـلامی ایران در آمریکا، کانادا و اروپا زندگی می‌کنند. حال، لازم اســـت ما هم سؤال راســـتوپچین را از دولت رئیسی بپرسیم: چطور می‌خواهید با غرب مقابله کنید؟ با کدام غرب می‌خواهید مبارزه کنید؟ درحالی‌که دولتمردان غرب را جای بهتری برای زندگی و سرمایه‌گذاری فرزندان خود می‌دانند. اگر بر طبل دشمنی با غرب می‌کوبید و هدفتان جلوگیری از نفوذ فرهنگ و اقتصاد لیبرالی است، چرا با استانداردهای دوگانه به سمت این هدف پیش می‌روید؟ بدیهی است که اینجا دغدغه جناح اصلی ضدغرب‌گرایی ، نه هویت انقلابی، بلکه ســـود اقتصادی است. ناگفته پیداست آنچه تیشه به ریشه هویت و باورهای مردم زده است، همین استانداردهای دوگانه است؛ یعنی تبلیغ باورهایی که خود به آن باور ندارند. جناحی که خود را حامی اصلی تفکر انقلاب معرفی می‌کند، نشان داد نه‌تنها تمایلی به استفاده از کالاهای تولید ملی که مورد تأکید رهبری است، ندارد؛ بلکه برخی از آنها فرزندان خود را برای زندگی بهتر به همان کشورهایی می‌فرستند که مدت‌هاست آنها را به‌عنوان دشمن به مردم معرفی کرده‌اند. آری، چگونه می‌توانیم با غرب مقابله کنیم، وقتی که کالاهای ما غربی اســـت، تفکر ما غربی است و احساسات ما غربی اســـت. شعار «ضدیت با غرب» که سال‌هاست از سوی برخی گروه‌های سیاسی، هویت آنها را شـــکل داده اســـت، برای مردم فقر، تورم و بی‌کاری، و برای همانها، سود سرشار اقتصادی به همراه داشـــته است. با این حال، آنچه در شرایط حاضر یاری‌دهنده است، روبه‌روشدن با واقعیت و پذیرفتن آن اســـت؛ چراکه دوام هرسیستمی در باورهای واقعی آن است، نه آرمان‌های دور از واقع. شاید تنها یک ســـال دولت رئیسی گواه خوبی برای اثبات این مسئله باشد. نه با یک میلیون تومان شغل ایجاد شـــد و نه در یک سال یک میلیون مســـکن. پس لازم است بپذیریم دشمنی با غرب برای تأمین منافع ملی همان‌قدر شـــدنی است که ساخت یک میلیون مسکن در یک سال. پس غرب دشمن ما نیست؛ همان‌طورکه دوست ما هم نیست، مانند هر کشور دیگری. از سویی دیگر، دوستی و دشمنی با کشورها را منافع ملی تعیین می‌کند، نه منافع گروهی اندک. بپذیریم غرب دشمن ما نیست، که اگر بود قطعا مقامات ضدغربی فرزندان خود را برای زندگی و حتی ســـرمایه‌گذاری به آنجا نمی‌فرســـتادند. آنچه بر همه معلوم شـــد، این بود که دشمن مردم، تفکر بسته اســـت. تفکری که با استانداردهای دوگانه خود، مردم را وادار به شـــعارهای ضدغربی می‌کند، نخبگان را برای رفتن به آنجا ســـرزنش می‌کند؛ درعین‌حال در پی زندگی و سرمایه‌گذاری امن برای فرزندان خود در غرب و سود اقتصادی از آن است.

آغاز فعالیت و ثبت‌نام در مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق»

ثبت‌نام در مدرسه «شرق» از تاریخ ۲۰ شهریورماه شروع می‌شود و تا تاریخ نهم مهرماه ادامه دارد.
در این مدت هر روز به استثنای روزهای پنجشنبه و تعطیل از ساعت ۱۰ تا ۱۸ ثبت‌نام به عمل خواهد آمد

مدرسه کاربردی علوم ارتباطات «شرق» نخستین دوره فعالیت خود را آغاز می‌کند. برای دوره نخست کارگاه‌ها و ورک‌شاپ‌هایی طراحی شده است که بتواند هم برای این مدرسه نقطه آغاز مطلوبی را ایجاد کند و هم پیش‌درآمد مناسبی برای آینده مدرسه شرق باشد. در دوره نخست کارگاه‌ها و ورک‌شاپ‌های مدنظر در جلسات متناوب و به مدت‌زمان دو یا سه ساعت برگزار می‌شود. سعی بر آن شده است که مدرسان هر کارگاه از میان متخصصانی انتخاب شوند که دانش خود را به صورت میدانی یا میدانی- آکادمیک فراگرفته‌اند. برخی از مدرسان، روزنامه‌نگاران «شرق» هستند و سایر مدرسان نیز بعضا با روزنامه «شرق» و فعالیت‌های آن ارتباط کاری تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند. کلاس‌ها از هفته سوم مهرماه آغاز می‌شود. یک هفته قبل از برگزاری هر کارگاه یا ورک‌شاپ با متقاضیانی که ثبت‌نام کرده‌اند، تماس گرفته می‌شود و زمان دقیق جلسات به آنها اعلام خواهد شد. در کنار آن به هنرجویان سرفصل‌های آموزشی و رزومه هر مدرس ارائه می‌شود.

برای ثبت‌نام و کسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از شهریه‌های هر کارگاه با شماره ۸۸۹۴۲۰۳۵ و ۰۹۱۲۳۰۸۵۰۲۳ تماس حاصل فرمایید.

نام کارگاه	نام مدرس	درباره مدرس	جلسات، حضوری یا آنلاین
روزنامه‌نگاری اقتصادی	دکتر محسن ایلچی	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۱۲ جلسه/ حضوری
تولید بر مبنای حرکت/ روزنامه‌نگاری میدانی* (آموزش کاربردی در محل تولید - روزنامه‌نگاری مولد)*	نیلوفر حامدی شهرزاد همتی	گزارش‌نویس شرق دبیر سرویس اجتماعی شرق	۶ جلسه حضوری/ میدانی
تکنولوژی و نوآوری در رسانه (شناخت فناوری‌های مدرن ارتباطی)	دکتر نفیسه زارع‌کهن	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۶ جلسه/ حضوری
ویدئو ژورنالیسم در اتمسفر ایران صفر تا صد تولید در یک رسانه مولتی مدیا (خبر، گزارش، تصویر و ساخت تصویر ...)	سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	۸ جلسه/ حضوری و آنلاین
روزنامه‌نگاری بحران و بعد از بحران	دکتر کتایون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	۸جلسه/ حضوری
روایت‌نویسی و قصه‌پردازی به زبان رسانه	علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	۳ جلسه/ حضوری
تکنیک‌های توییتر نویسی خبری	مریم شکرانی	روزنامه‌نگار و فعال توییتری	۳ جلسه/ حضوری
روزنامه‌نگاری ورزشی و ضرورت‌های آن	سجاد فیروزی	دبیر سرویس ورزشی شرق	۵ جلسه/ حضوری
روزنامه‌نگاری ورزشی از منظر تاریخ و جامعه	امیرحسین ناصری	دبیر تحریریه شرق	۵ جلسه/ حضوری
روابط عمومی پلت فرمی	دکتر حسین امامی	مدرس دانشگاه	۲ جلسه/ آنلاین
روابط عمومی تجاری**	دکتر احمد یحیایی ایله‌ای	مدرس دانشگاه	یک جلسه/ حضوری
آموزش کاربردی ایندیزاین و نکات راهبردی فتوشاپ و ایلوستریتور	علی شهرابی	گرافیست روزنامه شرق	۱۴ جلسه حضوری/ عملیاتی
فیلمسازی و ارتباطات تصویری (در محدوده امکانات)	سعید نبی	مستندساز	۱۰ جلسه حضوری

* زمان هر جلسه بستگی به کار و تشخیص مدرس دارد (دو کلاس و دو مدرس)
** زمان جلسه چهار ساعت است

نام ورکشاپ	نام مدرس	درباره مدرس	ساعت/حضوری	توضیحات
فرهنگ سازمانی رسانه	دکتر کتایون مصری	روزنامه‌نگار و مدرس دانشگاه	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
بازخوانی کاربردی تجربه‌های رسانه‌ای	جلال خوش‌چهره	روزنامه‌نگار پیشکسوت	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
روانشناسی ارتباطات	علی دهقان	سردبیر روزنامه شرق	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت
روزنامه‌نگاری در فضای چندرسانه‌ای چطور یک رسانه مولتی‌مدیا راه‌اندازی کنیم؟ فرا رسانه/ مالتی مدیا	سینا رحیم‌پور	سردبیر شبکه شرق	یک جلسه/ حضوری	زمان جلسه سه ساعت

شرق

واکنش سیاسیون به مرگ مهسا امینی

درد تا مغز استخوان

شرق: فاجعه مرگ مهسا امینی چنان دردناک و تاثربرانگیز بود که واکنش سریع مردم را در فضای مجازی به‌دنبال داشت. برای اولین‌بار نیز فعالان سیاسی به این موضوع سریع واکنش نشان دادند و به‌تدریج از آن انتقاد کردند که همین عمق حادثه زخم‌داده را نشان می‌دهد. سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات، در واکنش به این حادثه تلخ در توییتر نوشت: «باز هم فاجعه‌ای ناگوار که درد آن تا مغز استخوان را می‌سوزاند! طبق اخبار، دختر خانمی با ادعای پوشش نامناسب بازداشت و در جریان بازداشت و انتقال دچار عارضه قلبی و مغزی می‌شود! این فاجعه و رویدادهای پرتکرار مشابه آن کافی نیست که برای خدا، برای ایروی اسلام و رعایت انتظارات بحق مردم و حال بدی که در تنگناهای معیشتی و مواجهه با انواع فساد‌های ویرانگر و ناکارآمدی‌ها دارند از این شیوه و رفتارهای خلاف قانون، منطق و شرع دست برداشته شود و بیش از این زمینه مشوش‌شدن چهره اسلام و نظام را فراهم نیاورند و با پدیدآوردندگان این حوادث برخورد مناسب صورت گیرد؟!» محمدجواد ظریف، وزیر پیشین خارجه نیز در پیامی درگذشت مهسا امینی را تسلیت گفت و نوشت: «دوستان سلام و تسلیت. به سهم خود شرمنده و عذرخواهم و از زبان مولانا به خودم می‌گویم. شیر را بچه هم باید بود! تو به پیغمبر به چه مانی بگو». اسحاق جهانگیری، معاون اول دولت حسن روحانی نیز در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «تا به حال گزارش‌های تلخ دیگری از برخوردهای نامناسب با زنان و دختران جامعه منتشر شده بود درحالی‌که رعایت کرامت و حرمت انسان، هدف اخلاقی، دینی و قانونی انقلاب و نظام ما بوده است. لازم است رئیس‌جمهور با توجه به وظیفه‌ای که طبق قانون اساسی بر عهده دارد و سوگندی که برای دفاع از مردم خورده است، به این مسئله اهتمام ویژه‌ای بورزد و گزارشی صریح و شفاف از این حادثه و موارد مشابه به مردم ارائه دهد و با عوامل و مقصران آن برخورد قاطع و قانونی صورت گیرد. آنچه مهم است اتخاذ تدابیر و سیاست‌هایی است که این‌گونه رفتارهای غیراخلاقی و غیراسلامی برای همیشه متوقف شود. مردم ولی‌نعمت همه ما و زنان ما مایه فخر اسلام و ایران هستند و دفاع از کرامت و حقوق آنها وظیفه ماست». همچنین حجت‌الاسلام سیدحسن خمینی پیش از فوت مهسا امینی در پیامی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «بدون شک مسئولان نیروی انتظامی باید به صورت شفاف و دقیق نسبت به آنچه که به نام «توجیه و آموزش» بر این دختر ۲۲ ساله رفته است، پاسخ‌گو باشند. قوه قضائیه نیز با توجه به مسئولیت ذاتی خود و نیز رویکرد دوره جدید که مبتنی بر پیگیری حقوق عامه و پاسخ‌گویی به افکار عمومی عنوان شده است، با مقصران این حادثه تلخ برخورد قـوری و قاطع کند. عدم برخورد بهنگام و قانونی و عدم توقف روندهای کشیدن‌ها، مانع از این کار می‌شود...».

با رسانه‌ای‌شدن ماجرا، فضـا همـه ابعاد تازه‌ای پیدا کرد. فضای بیمارسـتان کسری امنیتی شـد، خانواده او ترجیح دادند سکوت کنند و سپس دایی مهسا را به عنوان سخنگوی خانواده انتخاب کـردند. در همین شرایط بود که کم‌کم زمزمه‌هایی مبنی بر بمباردومـن مهسا به گوش رسید، مسئله‌ای که دایی مهسا در گفت‌وگویی آن را تکذیب کرد. عالی، دایی مهسـا، همچنین بعد از خاکسـپاری او به «شـرق» درباره رفت: «واقعا شـرم‌آور اسـت برداختن به این مسائل! اصلا نمی‌دانم چرا باید در این زمینه حرف بزنم. آنهایی که چنین ادعایی می‌کنند خودشان خجالت نمی‌کشند. کبریم که این حرف‌ها درست باشد. چه ارتباطی دارد به بلایی که بر سر دختر ما آوردند. مسائل جزئی آنکشار است که چنین ادعاها و دست‌وپازدن‌هایی هم تاثیری ندارد. به نظرم کسانی که به این مسائل می‌پردازند، سلامت عقلی ندارند».

اولین واکنش رسمی پلیس به فاجعه پیش‌آمده عصر روز پنجشنبه ۲۴ شهریور اتفاق افتاد. «خانمی برای توجیه و آموزش به یکی از بخش‌های پلیس تهران بزرگ هدایت شده بود که ناگهان در جمع سایر افراد هدایت‌شده، به طور ناگهانی دچار عارضه قلبی شـد». در ادامه توضیحات پلیس تهران آمده اسـت: «بلافاصله این خانم با همکاری پلیس و اورژانس به بیمارسان منتقل شد و تحت درمان و مداوا قرار دارد. مسـتندات مربوطه در این خصوص در اختیار پلیس بود و اخبار تکمیلی در این خصوص متعاقبا اعلام خواهد شد».

مهسا برکشید

دایی مهسا روز جمعه در گفت‌وگو با خبرنگار «شرق»، ضمن رد ادعای هرگونه بیماری او یا بیان اینکه او هرگز حتی سـردرد نداشت، گفت: «نه پوشش نامناسبی داشـت نه آرایش خاصی، با برادرش بود. میهمان بودند. این دختر آمده می‌شد اول مهر به دانشگاه برود و حالا هم ما می‌دانیم او نمی‌ماند و هم دیگران. شرایطی سرای ما ایجاد کرده‌اند که سـاعت‌ها پشـت در به جنازه عزیزمان نگـاه کنیم و به مادرش دلداری بدهیم. این جنازه چه ماسـت. بچه‌ای که می‌گناه کشته شد. مهسا